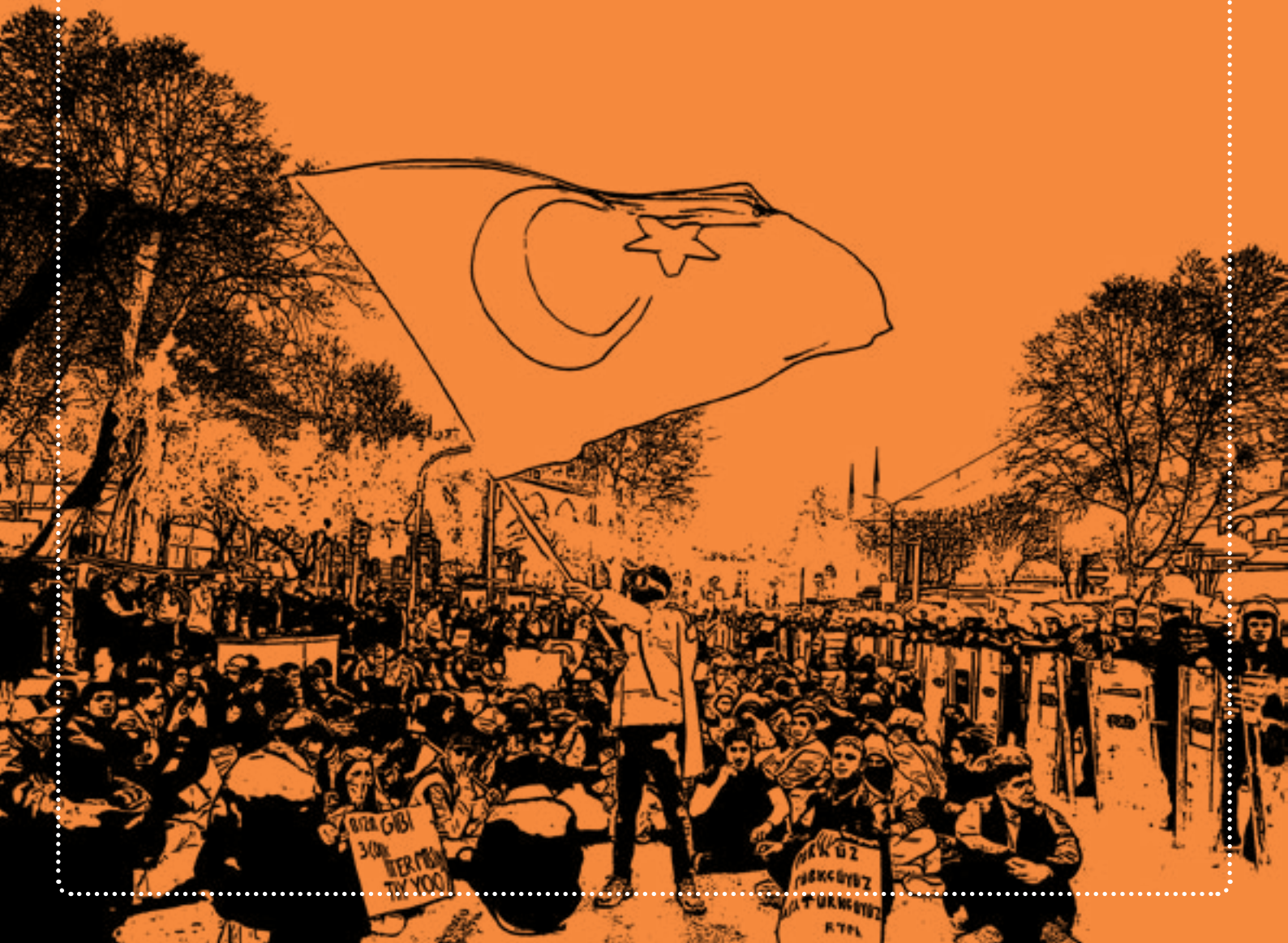


جامعہ مدنیہ در ترکیہ:

تاریخچہ، فرصتہا و چالشہا

کنش آکادمی - زمستان ۱۴۰۴

کنش آکادمی





جامعہ مدنیہ در ترکیہ:

تاریخچہ، فرصت‌ها و چالش‌ها

کنش آکادمی - زمستان ۱۴۰۴

کنش آکادمی

فهرست مطالب:

۲	پیش‌گفتار
۱۱	فصل اول ماهیت و پیش‌زمینه تاریخی جامعه مدنی در ترکیه
۲۷	فصل دوم نظرسنجی «ادراک جامعه مدنی» میان مردم ترکیه
۴۳	فصل سوم قوانین ناظر بر سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه
۶۱	فصل چهارم الگوی اول مواجهه حکومت با جامعه مدنی: سرکوب‌گرایی
۶۹	فصل پنجم الگوی دوم مواجهه حکومت با جامعه مدنی: ترویج سازمان‌های حکومت‌محور
۹۳	فصل ششم مقاومت خلاقانه جامعه مدنی برابر اقتدارگرایی
۱۰۰	نتیجه‌گیری فرصت‌ها و چالش‌های جامعه مدنی ترکیه و درس‌ها برای ایرانیان



پیشگفتار

این گزارش در مورد وضعیت جامعه مدنی در ترکیه است. جمهوری ترکیه یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران است. میان دو کشور از دیرباز از دوران رقابت صفویان و عثمانیان تا مواجهه با مدرنیته در قرون هجدهم و نوزدهم و بیستم تا امروز روابط نزدیک همراه با رقابت و گاه خصومت وجود داشته است. مشهور است که یکی از منابع الهام پروژه‌های مدرنیزاسیون رضاشاه، سفر یک‌ماهه او به ترکیه و مشاهده تحولات شگرفی بوده که در ترکیه آن روز به رهبری مصطفی کمال آتاتورک رخ داده بود.^۱ این گزارش اما تمام تاریخ ترکیه را در برنمی‌گیرد. موضوع بررسی ما بررسی وضعیت جامعه مدنی در ترکیه در دوران زمامداری «حزب عدالت و توسعه» (عدالت و کالکلیما پارتیسی، آک‌پارتی) به رهبری رجب طیب اردوغان است؛ آن هم با تمرکز بر تحولات ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته.

ریشه‌های دموکراسی انتخاباتی در ترکیه و ایجاد ویژگی‌های تکثرگرایی آن به پایان جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد بازمی‌گردد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ترکیه جامعه مدنی و جنبش‌های کارگری قدرتمندی وجود داشتند که مشارکت مدنی را زنده نگه می‌داشتند. این وضعیت در پی کودتای نظامی ۱۹۸۰ دچار وقفه شد، اما پس از یک وقفه چندساله و احیای دوباره نظام چندحزبی در سال ۱۹۸۳، جامعه مدنی ترکیه از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ بیش از پیش شکوفا شد. حزب عدالت و توسعه با رهبری اردوغان در حالی در ۲۰۰۲ به قدرت رسید که قواعد رقابت دموکراتیک میان بازیگران سیاسی رقیب در ترکیه نهادینه شده و فرهنگ مشارکت سیاسی جا افتاده بود.

حکومت حزب عدالت و توسعه را می‌توان به چندین دوره تقسیم کرد: به قدرت رسیدن در اواخر ۲۰۰۲ تا موج اول تغییرات بزرگ در قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۰؛ از آن زمان تا اعتراضات گزی در سال ۲۰۱۳؛ سال‌های بعدی تا کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ و دستگیری‌های گسترده پس از آن؛ و بالاخره آخرین تغییر بزرگ در قانون اساسی ترکیه در ۲۰۱۷ به نفع نظام متمرکز ریاست‌جمهوری تا کنون.

۱. در این زمینه بنگرید به: رضاشاه پهلوی در ترکیه به روایت اسناد تاریخی، ترجمه و تحقیق علی اصغر حق‌دار، باشگاه ادبیات، شهریور ۱۳۹۸، قابل دسترسی در: <https://t.me/nikomakhus1/256>

تغییرات قانون اساسی ۲۰۱۷ که در پی referendum ۱۶ آوریل آن سال رخ داد، بیشترین تاثیر را در وضعیت کنونی ترکیه داشته است. این تغییرات نظام ترکیه را از دموکراسی پارلمانی به سیستم ریاستی تغییر داد، و اختیارات اجرایی بسیار گسترده‌ای به رئیس‌جمهوری از جمله در کنترل نظام قضایی و ارتش و تمام نهادهای امنیتی داد که در تاریخ سیاسی ترکیه بی‌سابقه است. referendum ترکیه از قضا همزمان بود با دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا (۲۰۲۰-۲۰۱۶) و بی‌توجهی نسبی او به تحولات داخلی ترکیه.

از سال ۲۰۰۲ تا امروز، جامعه مدنی ترکیه تحت تاثیر دو عامل قرار داشته است: از یک سو، سنت دولت‌گرایانه که همیشه در ترکیه حاکم بوده است؛ و از سوی دیگر، تاثیر شکوفایی حاصل‌شده برای جامعه مدنی در دهه ۱۹۹۰ میلادی. تا پیش از اعتراضات ۲۰۱۳ گزی، نزدیکی به اتحادیه اروپا عامل مهمی در رونق جامعه مدنی در ترکیه بود. گشایش فضا برای فعالیت مدنی پس از آن که ترکیه رسماً در سال ۱۹۹۹ به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا پذیرفته شد، اوج گرفت.^۲ چشم‌انداز عضویت در اتحادیه اروپا، نخبگان سکولار آن زمان ترکیه را ناچار کرد فضای بیشتری برای جامعه مدنی و احزاب مخالف اسلام‌گرای آن زمان در چارچوب روند دموکراتیزاسیون بگشایند. گشودگی فضای ناشی از پذیرفته‌شدن نامزدی عضویت در اتحادیه اروپا باعث محدودشدن قدرت نظامیان برای کودتا شد و فضا را برای قدرت‌گرفتن حزب عدالت و توسعه فراهم کرد؛ حزبی که شماری از جوانان برآمده از حزب اسلام‌گرا و ممنوع‌شده «رفاه»^۳ آن را در ۲۰۰۱ تأسیس کردند. عدالت و توسعه در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ پیروز شد ولی اردوغان تنها از سال ۲۰۰۳ با برداشته‌شدن منع قانونی مربوط به دوره شهرداری او در حزب رفاه نخست‌وزیر شد.

پس از اعتراضات وسیع خیابانی پارک گزی در سال ۲۰۱۳، مجموعه‌ای از قوانین جدید از سوی دولت تصویب شد که برخلاف گرایش‌های اصلاح‌طلبانه و لیبرال حزب عدالت و توسعه در سال‌های اول، اختیارات دولت را برای مقابله با جنبش‌های اعتراضی جمعی به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌داد. مقررات جدید به پلیس اجازه می‌داد که در یک تظاهرات بدون حکم دادستانی نیز بتواند افراد متخلف از دید خودش را بازداشت کند، و اختیارات جدیدی برای نظارت و کنترل فعالیت‌های آنلاین به حکومت می‌داد. البته شرایط ژئوپولیتیک منطقه خاورمیانه پس از بهار عربی در سال‌های پس از ۲۰۱۱ و ظهور داعش نیز در غلبه تدریجی گفتار امنیت‌محور حکومت ترکیه نسبت به جامعه مدنی تاثیر داشته است. فضای حقوقی برای فعالان جامعه مدنی پس از تظاهرات گسترده ۲۰۱۴ در مناطق کردنشین جنوب شرق ترکیه در واکنش به پاسخ دولت به حمله داعش به شهر عمدتاً کردنشین کوبانی در شمال سوریه، بدتر شد.

2. Senem Aydın-Düzgüt and E. Fuat Keyman, "EU-Turkey Relations and the Stagnation of Turkish Democracy", Istanbul Policy Center, 2012: <https://share.google/hcou3eRwycMid5iOF>

3. https://en.wikipedia.org/wiki/Welfare_Party



وضعیت فوق‌العاده تحمیل شده در پی کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ تبعات مخربی برای جامعه مدنی ترکیه داشت که بی‌سابقه بود. وضعیت فوق‌العاده به حزب حاکم اجازه داد تا عملاً سیاست‌ورزی پارلمانی را معلق کند و برای دو سال که در بخشی از آن فرماندوم قانون اساسی هم رخ داد، کشور را عملاً به شیوه تک‌حزبی اداره کند. در این مدت بیش از ۱۵۰ هزار کارمند دولتی اخراج شدند، هفت هزار استاد دانشگاه از کار برکنار شدند، ۱۵ دانشگاه خصوصی مصادره شدند، تعداد زیادی رسانه و شبکه تلویزیونی تعطیل شدند، هزاران تاجر بازداشت شدند و ۸۷۹ شرکت تجاری به ارزش جمعی بیش از ۱۱ میلیارد دلار مصادره شدند.^۴ همچنین هزاران فعال مدنی بازداشت شدند و حدود یک هزار و ۶۰۰ سازمان جامعه مدنی (به ترکی: سیویل توپلوم قورولوشو-سیویل توپلوم اورگوتو)^۵ بسته شد. به سبب برقراری وضعیت فوق‌العاده دو ساله، این پاکسازی گسترده عملاً بدون روند دادرسی عادلانه و بدون راه مؤثر برای تجدیدنظر حقوقی صورت گرفت.^۶ پاکسازی‌ها در ابتدا علیه نهادهای مرتبط با جنبش فتح‌الله گولن^۷ آغاز شد، اما به سرعت دامنه‌ی آن گسترش یافت و چپ‌گرایان، سکولارها، و کردها را نیز دربرگرفت. پس از پایان وضعیت فوق‌العاده تنها از بخش کوچکی از این افراد اعاده حقوق شد. شرایط پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ سبب شد بخش بیشتری از فعالیت‌های مدنی در ترکیه زیرزمینی شود.

«حکومت اکثریت»^۸ شعار اصلی اردوغان و آک پارتی در این سال‌ها بوده است. اتحاد دو حزب راست‌گرای آک پارتی به رهبری رجب طیب اردوغان و حزب حرکت ملی‌گرا (م ه پ) به رهبری دولت باغچه‌لی، که به نوبه خود سهم مهمی در کاهش ماهیت دموکراتیک دولت داشته است، به دنبال شکست نسبی حزب اردوغان در انتخابات پارلمانی ۷ ژوئن ۲۰۱۵ و تجدید انتخابات در قالب انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۱۵ پدید آمد. تأثیر این اتحاد بواسطه کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ اوج گرفت. این ائتلاف دوباره اکثریت پارلمان را به‌واسطه انتخابات (از جهات منصفانه بودن شبه‌دار ریاست جمهوری و مجلس ۲۸-۱۴ مه ۲۰۲۳ در اختیار گرفت.^۹

۴. بنگرید به: «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، صص. ۱۸-۱۷. مشخصاً کامل «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه» که از منابع اصلی تهیه این گزارش است:

Trends in Turkish Civil Society, Report by Center for American Progress, Istanbul Policy Center, and Istituto-Affari Internazionali July 2017, Turkey 2023 project.
5. sivil toplum kuruluşu/ örgütü

۶. بنگرید به:

Research Turkey, "An Overview of the Post-Coup Attempt Measures in Turkey", 2017: <https://www.scribd.com/document/414280011/PESTLE-ANALYSIS-docx>
Reuters, "Turkey Seized 879 Companies Since Failed Coup, Worth 40. 3 billion Lira – State Fund," May 24, 2017: <https://www.reuters.com/article/world/turkey-seized-879-companies-since-failed-coup-worth-403-billion-lira-state-f-idUSKBN18K1NF/>

۷. گولنیست‌های مذهبی که متحدان پیشین آک پارتی بودند، بعد از وقایع ۲۵-۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ و خصوصاً کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ با محوریت افسران گولنیست، سرکوب شدند. از آن موقع تاکنون در رسانه‌های رسمی ترکیه این طریقت مذهبی اسلام سنی (که امروز خیلی ضعیف شده) دیگر نه به اسم جنبش گولن یا خدمت، که به اسم «جنبش تروریستی فتح‌الله گولن»، فتو، نام برده می‌شود.

8. majoritarian rule

۹. بنگرید به: میثم بادامچی، «عدالت‌طلبی و مبارزه با فساد: محورهای کمیپن انتخاباتی قلیچداراوغلو»، زیتون، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲: <https://www.zeitoons.com/110903>

و نیز: میثم بادامچی، «عظمت‌طلبی؛ محور کمیپن انتخاباتی اردوغان»، زیتون، ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲: <https://www.zeitoons.com/110802/>

در سال‌ها و ماه‌های اخیر برخورد با مخالفان وضع خطرناکی به خود گرفته و اقتدارگرایی عریان‌تر شده است. بازداشت طولانی‌مدت اکرم امام‌اوغلو، شهردار استانبول و نامزد اصلی مخالفان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ گواهی بر این واقعیت است. هم‌اکنون بر اساس بسیاری از نظری‌سنجی‌ها حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری اوزگور اوزل محبوبیت بیشتری از حزب حاکم با رهبری اردوغان دارد^{۱۱}، و به نظر می‌رسد بازداشت نامزد آنها نشانه‌ی کم‌رنگ‌تر شدن حتی همان اکثریت‌گرایی و تأکید صرف بر صندوق رای در مراحل قبلی و در عوض توسل هرچه بیشتر به دستگاه قضایی برای سرکوب باشد. همه این‌ها در شرایطی رخ می‌دهد که از دوران کرونا به بعد اقتصاد ترکیه با مشکلات مهمی دست به گریبان است. تورم فزاینده در ترکیه قدرت خرید اقشار فرودست و حتی بخش مهمی از طبقه متوسط را به سطحی پایین‌تر از سال‌های آغازین حکومت آک‌پارتی کاهش داده است.

ترکیه امروز با تغییراتی که در رفتار حزب حاکم عدالت و توسعه از زمان به قدرت رسیدن در نوامبر ۲۰۰۲ تا به امروز شاهدش بوده است، در ادبیات علوم سیاسی دنیا به عنوان یکی از نمونه‌های «موج سوم اقتدارگرایی»^{۱۲} توصیف می‌شود. به بیان دیگر، به اعتقاد بسیاری پژوهشگران، این کشور در سال‌های اخیر دچار فرسایش تدریجی دموکراسی و نتیجتاً گذار از دموکراسی انتخاباتی به اقتدارگرایی انتخاباتی شده است.

موج اول اقتدارگرایی در جهان در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ با ظهور فاشیسم/ نازیسم پس از جنگ جهانی اول به وقوع پیوست و همزمان بود با وقایعی چون «رکود بزرگ» در ایالات متحده آمریکا. موج دوم اقتدارگرایی به حکومت‌هایی اطلاق می‌شد که عمدتاً در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ با کودتاهای نظامی در آمریکای لاتین و آفریقا و سایر نقاط جهان (از جمله ترکیه به واسطه کودتای مشهور ۱۹۸۰) بر کار آمدند. در موج دوم اقتدارگرایی ژنرال‌ها و گروه‌های شبه‌نظامی نقش مهمی داشتند. حکومت شاه در ایران دارای ویژگی‌های موج دوم اقتدارگرایی بود و جمهوری اسلامی ذیل ولایت مطلقه فقیه عناصری از موج دوم و سوم اقتدارگرایی را هم‌زمان داراست.

اگر در اقتدارگرایی موج اول و دوم خشونت هرگونه فضای مدنی را خفه می‌کرد، در موج سوم اقتدارگرایی سطح پایین‌تر خشونت سیاسی، در کنار باقیمانده‌ی سنت دموکراتیک مربوط به دوران پس از پایان جنگ جهانی دوم، این فرصت را به گروه‌های مدنی می‌دهد تا مهارت سازگاری خود را پرورش دهند و به همین خاطر، درجه‌ای از مشارکت سیاسی کماکان حفظ شده است.^{۱۲}

۱۰. مثلاً بنگرید به این نتایج که مدعی است در ماه نوامبر ۲۰۲۵ امام‌اوغلو ۵۹ درصد و اردوغان ۴۰ درصد محبوبیت داشته است: <https://www.facebook.com/100069272646895/posts/son-yap%C4%B1lan-an-ket%-C3%A7al%C4%B1%C5%9Fmas%C4%B1na-g%C3%B6reekrem-imamo%C4%9Flu599-r-tayyip-er-do%C4%9Fan401-aradaki/1175572281428516/>

11. third-wave autocratization

۱۲. بنگرید به:

Ülker Sözen, "Civil society under siege in Turkey: authoritarianism, polarisation and counterstrategies", Humanitarian Alternatives, Issue 20, July 2022, pp. 74-83: https://share.google/oljODCrL56mvgISx0; Öktem, Kerem, and Karabekir Akkoyunlu. Exit from Democracy: Illiberal Governance in Turkey and Beyond. Routledge, 2017.



در رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی، «سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور» (گون-گو-ها)^۳ بیشترین منابع مالی را در قیاس با سایر سازمان‌های مدنی و ان‌جی‌اوه‌های مستقل دارند و نوعی فضای مدنی متصل به سیاست حاکمیت را به عنوان قلمرو نابرابری‌ها بازتولید می‌کنند. نمونه ترکیه در سال‌های اخیر به خوبی نشان می‌دهد که چه‌طور سازمان‌های مدنی در رژیم‌های اقتدارگرای موج سوم کارکرد دارند و چگونه حکومت‌ها به دنبال کنترل و دستکاری فضاهای مدنی هستند.

اینکه «سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور» ابزاری برای کنترل اقتدارگرایانه بر مطالبات اجتماعی هستند، امری است که بیلگه یابانجی در آثارش در مورد وضعیت جامعه مدنی در ترکیه بیش از دیگران به شرح آن پرداخته است و ما در ادامه بدان خواهیم پرداخت. بر خلاف تصور سراسر مثبتی که گاه در مورد جامعه مدنی وجود دارد، یابانجی معتقد است جامعه مدنی می‌تواند هم به نیروهای دموکراتیک و هم به نیروهای غیردموکراتیک در یک کشور یاری رساند. در جوامع نیمه‌بسته، برای گسترش و تحکیم هژمونی سیاسی خود، سیاستمداران ممکن است نوعی جامعه مدنی «حکومت‌محور» ایجاد کنند که گفتمان ایشان را رواج دهد و از نظر ایدئولوژیک و مالی با دولت پیوند دارد. این موضوع در قالب اشکال گوناگون از جمله سازمان چتری «اتحادیه دموکرات‌های ترک»، فعال در میان دیاسپورای ترک آلمان، با دقت شرح داده خواهد شد.

13. government-oriented/government-dependent civil society organizations/NGOs (GONGOs)

سازمان‌های مدنی حکومت‌محور آزادی عمل و اختیار خارج از حوزه علائق حاکمیت ندارند و توانایی‌شان برای پرداختن به مسائل حساس مورد نیاز کشور ولی مناقشه‌برانگیز از دید حاکمیت بسیار محدود است. این گروه‌ها چنان‌که در بررسی وضعیت سازمان‌های مدنی دیاسپورای ترک در آلمان در آینده خواهیم دید به تناقض دفاع از آزادی در خارج در برابر حمایت از اقتدارگرایی در داخل مبتلا هستند. در فصل پنجم خواهیم دید که فضای مدنی دیاسپورای ترک در اروپا از سازمان‌های گوناگونی تشکیل شده است که میان مهاجران ترک، دولت مبدأ (ترکیه) و دولت‌های محل اقامت در اروپا واسطه‌گری می‌کنند. بسیاری از این سازمان‌ها در گذشته مستقل از دولت ترکیه بودند یا اصولاً سیاسی نبودند، اما عدالت و توسعه از زمان روی کار آمدن کوشید با رویکردی بده‌بستانی و منفعت‌محور^{۱۴}، فضای فعالیت آنها را با ایجاد یک سازمان مدنی چتری حکومت‌محور به اسم «اتحادیه دموکرات‌های ترک»، به کنترل خود درآورد.

مثلاً اتحادیه دموکرات‌های ترک بزرگ‌ترین سازمان دیاسپورایی نزدیک به حزب عدالت و توسعه در اروپاست و بر تحولات داخلی ترکیه و تداوم حکومت عدالت و توسعه نیز تاثیر دارد. اتفاقی که از ۲۰۰۴ به بعد رخ داد آن بوده که انجمن حکومت‌محور اتحادیه اعضای نسبتاً غیرفعال دیاسپورای محافظه‌کار و طبقه کارگر ترکیه (اصطلاحاً غربت‌چی‌ها^{۱۵}) را که عمدتاً در داخل کشور در سیاست‌های هیچ‌حزبی شرکت نکرده بودند فعال و سیاسی کند. یعنی چارچوب گفتمانی سازمان‌های مدنی حکومت‌محور «اتحادیه دموکرات‌های ترک» توانسته جوامع دیاسپورایی پیشتر منفعل در اروپا (یعنی کسانی که آشکاراً برای هیچ حزب ترکی بسیج نمی‌شدند) فعال کند و نوعی «هویت دیاسپورایی جدید» بر پایه وفاداری حزبی به آک‌پارتی و اردوغان بسازد.

فصل‌های این راهنما بر اساس منطقی چیده شده‌اند. در فصول چهارم تا ششم با استناد به تحقیقات بیلگه یابانچی (پژوهشگر ترکیه‌ای علوم سیاسی و متخصص در زمینه تحولات جامعه مدنی) توضیح خواهیم داد که در طول حدود ۲۳ سال حاکمیت حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲-۲۰۲۵)، سه تحول موازی و گاهی متعارض در جامعه مدنی ترکیه و رابطه آن با حکومت رخ داده است که عبارت‌اند از: سرکوب‌گزینشی یک‌بخش؛ اطاعت از حاکمیت و حکومت‌محورشدن در بخش دیگری؛ و مقاومت در بخش باقیمانده.^{۱۶} بر این اساس، مهار از طریق سرکوب‌گزینشی رخ می‌دهد و تصاحب، رام کردن، یا هضم کردن هم از طریق ایجاد یک جامعه مدنی جایگزین و حکومت‌محور.

14. corporatist approach
15. Gurbetçi

۱۶. repression, co-optation, and contestation. مثلاً بنگرید به:

Bilge Yabanci, "Civil Society in Turkey: One Hundred Years of Solitude?", APSA MENA Newsletter | Vol. 6 Issue 1, Spring 2023.

در ادامه گزارش از منبع مزبور با عنوان «صد سال تنهایی جامعه مدنی ترکیه؟» یا «یابانچی ۲۰۲۳» نیز یاد شده است.



فصل چهارم فرآیند سرکوب‌گزینشی را شرح می‌دهد: این که چگونه، در کنار قدرت قانون‌گذاری به‌واسطه داشتن اکثریت در مجلس، به ائتلاف حاکم آک‌پارتی-حرکت ملی‌گرا این امکان را داده تا ماهیت خودجوش و تکثرگرای جامعه مدنی مستقل را مهار کنند. در فصل پنجم خواهیم دید که وضعیت سرکوب همزمان ترکیه را به زیست‌بومی مناسب برای سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور بدل کرده که شاید از این جهت در دنیا کم‌نظیر باشند. در سرکوب‌گزینشی شیوه‌ها اغلب با دقت انتخاب می‌شوند تا با قانون موجود مغایرت نداشته باشند و چون اکثریت مجلس در دست حزب و ائتلاف حاکم است قوانین مورد نیاز نیز به راحتی تصویب می‌شوند. از این شیوه در ادبیات بحث از آن با عنوان «استبداد قانون‌گرایانه»^{۱۷} نیز یاد شده است. در چنین ساختاری، چنان‌که خواهیم دید، سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور نقشی برجسته در مشروعیت‌سازی برای حکومت دارند. این وضعیت با مقاومت خلاقانه جامعه مدنی ترکیه مواجه شده است که موضوع فصل ششم این گزارش است.

17. Autocratic Legalism

خدمات آری، حقوق بشر با تردید

این پیش‌گفتار را با اشاره‌ای به رفتار متناقض آک پارتنی در مواجهه با سازمان‌های مدنی به پایان می‌بریم. فشارهای حکومت در سال‌های اخیر سبب شده است بسیاری از کنشگران مدنی ترکیه از کنشگری در حوزه‌های مرتبط با سیاست و آزادی و حقوق بشر (پرخطر) به سمت کنشگری در حوزه کمک‌های بشردوستانه و مراقبتی و خیریه (بی‌خطر از نظر دولت) روی آورند و برخی از گروه‌های ترویج و حمایتگری مدنی تحت حمایت اتحادیه اروپا تعطیل شوند. در واکنش به بسته‌شدن فضا، اتحادیه اروپا نیز که به طور سنتی شریک بسیار مهمی برای گروه‌های مدنی ترکیه بوده است، در سال‌های اخیر در بحث کمک مالی به سازمان‌های جامعه مدنی به سمت اجتناب از پروژه‌های سیاسی‌تر و تمرکز بر حوزه‌های کمتر سیاسی مانند حقوق پناهندگان رفته است.

دولت ترکیه، خصوصاً در سال‌های اخیر، با گروه‌هایی غیرسیاسی که خدمات اجتماعی ارائه می‌دهند برای مثال، مراقبت از سالمندان و کودکان و فقرا، سازمان‌های بشردوستانه‌ای که به پناهندگان خدمات ارائه می‌دهند و . . احساس راحتی بیشتری دارد تا با گروه‌هایی که بر حقوق بشر یا ترویج و حمایت‌گری در زمینه‌های مرتبط با حقوق مدنی فعال هستند. این ارزیابی بر پایه‌ی گفت‌وگوی تهیه‌کننده گزارش «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه» (از منابع اصلی این گزارش فارسی در ادامه) با ده‌ها فعال در این حوزه‌ها قابل تایید است. گروه‌های ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی از دید حکومت مفید تلقی می‌شوند، زیرا این گروه‌ها از بار مسئولیت‌های اجتماعی دولت با پاسخ به برخی نیازهای جامعه که مورد تایید دولت هستند، می‌کاهند. البته این گروه‌ها نیز از تمایل دولت به کنترل در امان نیستند. تنش و تعارض میان «نیاز حکومت به یاری سازمان‌های جامعه مدنی» و «میل به کنترل آن‌ها» را مثلاً می‌توان در تنش میان دولت و سازمان‌های خارجی ارائه‌دهنده کمک‌های بشردوستانه به پناهندگان سوری در سال ۲۰۱۷ مشاهده کرد.^{۱۸}

بسیاری از فعالانی که برای تهیه گزارش «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه» مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، شکایت داشتند که تعامل دولت با جامعه مدنی بسیار نادر است و اگرهم صورت بگیرد، بیشتر جنبه‌ای تشریفاتی برای تیک‌زدن نمادین گزینه‌ی «مشورت با جامعه مدنی» دارد و روندی واقعی از مشاوره و گفت‌وگو را نشان نمی‌دهد.

۱۸. بنگرید به «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۱۵؛

Sam Heller, "Turkish Crackdown on Humanitarians Threatens Aid to Syrians" (New York: The Century Foundation, 2017)



در حالی که روزانه به طور متوسط حدود هفت هزار نفر از مجلس ترکیه بازدید می‌کنند، سازمان‌های جامعه مدنی، برخلاف گروه‌های مرتبط با تجارت مانند «انجمن اهالی صنعت و کارآفرینان ترکیه»^{۱۹} و یا نهاد موازی آن به اسم «انجمن مستقل اهالی صنعت و کارآفرینان ترکیه»^{۲۰}، عمدتاً برای مشورت به مجلس فراخوانده نمی‌شوند و نمی‌توانند بر سیاست‌گذاری‌ها اثری جدی بگذارند.^{۲۱} برخی دیگر از کنشگران نیز با تمایز میان «دولت محلی/شهرداری‌ها» و «حکومت/دولت مرکزی» از روابط بهتر میان سازمان‌های مدنی با شهرداری‌ها و شوراهای شهر سخن گفتند حتی زمانی که روابط با بوروکراسی مرکزی در آنکارا پرتنش بوده است. برخی دیگر هم گفتند در سال‌های اخیر واکنش نهادهای مختلف حکومتی نسبت به جامعه مدنی بسیار پراکنده و ناهماهنگ بوده و شواهدی از وجود یک راهبرد منسجم در قبال جامعه مدنی مشاهده نمی‌شود.

ادامه این گزارش در قالب شش فصل و یک نتیجه‌گیری تنظیم شده است. فصل اول، «ماهیت و پیش‌زمینه تاریخی جامعه مدنی در ترکیه» را توصیف می‌کند. فصل دوم به شرح نتایج نظرسنجی «ادراک جامعه مدنی» میان مردم ترکیه اختصاص یافته است. موضوع فصل سوم «قوانین ناظر بر سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه» است. در فصل چهارم الگوی اول مواجهه حکومت با جامعه مدنی در ترکیه یا همان سرکوب‌گرینشی را شرح می‌دهیم. در فصل پنجم الگوی دوم مواجهه حکومت با جامعه مدنی را شرح می‌دهیم که عبارت است از ترویج سازمان‌های حکومت‌محور. فصل ششم به مقاومت خلاقانه جامعه مدنی در برابر اقتدارگرایی اختصاص دارد. در نهایت، بخش نتیجه‌گیری به فرصت‌ها و چالش‌های جامعه مدنی ترکیه و آموزه‌های آن برای ایرانیان می‌پردازد و حاوی برخی نکات تطبیقی است.

19. Türk Sanayicileri ve İş İnsanları Derneği- TÜSİAD

20. Müstakil Sanayici ve İşadamları Derneği- MÜSİAD

۲۱. برخی فعالین گفتند در میان احزاب عمده ترکیه در پالمان حزبی که بیش از بقیه به مشورت با جامعه مدنی بها داده حزب دموکراتیک خلق‌ها (با نام کنونی دم پارتی (HDP, DEM Parti) است که بطور مشخص در زمینه مسائل مناطق کردنشین فعال بوده و در قیاس با عدالت و توسعه نفوذ محدودی بر سیاست ترکیه دارد.

فصل اول

ماہیت و پیش زمینہ تاریخے جامعہ مدنے در ترکیہ



ماهیت و پیش زمینه تاریخی جامعه مدنی در ترکیه

۱. جامعه مدنی در دوران آغازین جمهوریت تا ۱۹۶۰

سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی شاهد شکوفایی نسبی برای جامعه مدنی بود. به گفته بیناز توپراک، در دهه موسوم به دوران «ترک‌های جوان»^{۲۲}، یعنی ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۸، ۱۲ حزب سیاسی، ۳۷ انجمن سیاسی یا اجتماعی و ۱۵۷ اتاق بازرگانی محلی تأسیس شدند. پس از آن، در دوران اشغال ترکیه به دست متفقین (۱۹۱۸-۱۹۲۲) نیز، حدود ۴۵ حزب یا سازمان سیاسی پدیدار شدند. در سال‌های آخر عثمانی نزدیک به ۴۰ انجمن زنان در ترکیه نیز پدیدار شدند. تکرر سیاسی نهادهای مدنی در سال‌های اولیه تثبیت جمهوریت تاحدی از میان رفت.^{۲۳}

تأسیس جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳ به‌دست آتاتورک، بنیانگذار و اولین رئیس جمهوری (۱۹۲۳-۱۹۳۸)، با تمرکز بر مهندسی اجتماعی سکولار و از بالا به پایین باعث تحول در رابطه دولت و جامعه مدنی در ترکیه شد. سیستم مرکزگرای ساختار جدید، برخلاف عثمانی که نوعی امپراطوری غیرمتمرکز بود، تاحدی دامنه رشد و توسعه جامعه مدنی مستقل از حکومت را کاهش داد. در سال‌های اولیه جمهوریت، سازمان‌های زنان و کارگران عملاً به‌واسطه دکتترین کمالیستی «یک ملت بی‌طبقه، متحد و همگن» در دولت هضم می‌شدند.

به بیان دیگر، در سال‌های اولیه پس از جمهوریت، رابطه‌ای ارگانیک بین دولت و سازمان‌های جامعه مدنی وجود داشت که برخلاف آنچه در نظریه‌های رایج لیبرال گفته می‌شود، از هم تفکیک‌ناپذیر بودند، و حکومت همزمان از سازمان‌های حکومت‌محور وابسته به خویش به عنوان ابزاری ایدئولوژیک برای تحکیم ایده‌های جمهوریت آتاتورک و ملت‌سازی استفاده می‌کرد.^{۲۴} همین روند تاحدی زمینه رواج جامعه مدنی حکومت‌محور در دوران آک‌پارتی با محتوای محافظه‌کار و ملی‌گرایانه مذهبی کاملاً متفاوت با آرمان ملی‌گرای سکولار و جمهوری خواهانه آتاتورکی شد.

22. Jonturkler

23. Binnaz Toprak, "Civil Society in Turkey", in Augustus Richard Norton, ed., Civil Society in the Middle East, vol. 2, Brill, 1996.

24. یابانچی ۲۰۲۳ (صد سال تنهایی جامعه مدنی ترکیه؟)

İçduygu, A., Meydanoğlu, Z. and Sert, D. Ş. Civil Society in Turkey: at a Turning Point, CIVICUS Civil Society Index (CSI) Project Analytical Country Report for Turkey II. Ankara, TÜSEV Publications, 2011, p. 53.



قابل توجه‌ترین نمونه نهادهای مدنی (کمابیش حکومت‌محور) در طول سال‌های ریاست مصطفی کمال آتاتورک، «خانه‌های [اشتراکی] مردم» (خلق‌اولری)^{۲۵} بودند که برای گسترش فلسفه حکومت جدید آتاتورک طراحی شده بودند. انجمن‌های برادری صوفیان و تکیه‌ها و خانقاه‌های آنها در سال ۱۹۲۵ با قانون جدید و روند سکولاریسم رسماً منحل شدند، اگرچه به صورت زیرزمینی همچنان وجود داشتند و هرگز به‌طور کامل از بین نرفتند. با تاسیس سازمان دیانت و اداره ملی اوقاف در ترکیه با دستور آتاتورک کنترل حکومت سکولار بر نهادها و اوقاف مذهبی تثبیت شد. در دوران تک‌حزبی ترکیه (۱۹۲۳-۱۹۴۵) حکومت تنها در دست حزب جمهوری‌خواه خلق به عنوان حزب دولت-ملت‌ساز بود و پس از فوت آتاتورک با رهبری عصمت اینونو ادامه یافت.

فضای سیاست و جامعه مدنی ترکیه پس از پایان جنگ جهانی دوم تغییر یافت، طوری که در سال ۱۹۴۵ ترکیه به مرحله چندحزبی وارد شد و احزاب اپوزیسیون اجازه تشکیل یافتند. در سال ۱۹۴۶، دولت عصمت اینونو از حزب جمهوری‌خواه خلق، «قانون انجمن‌ها» را تصویب کرد که به انجمن‌ها و اتحادیه‌های غیرسیاسی اجازه می‌داد نسبتاً آزادانه فعالیت کنند. در طول این گشایش اولیه پس از دوران تک‌حزبی، تقریباً دو هزار سازمان جامعه مدنی عمدتاً سازمان‌های غیرسیاسی ورزشی و صنفی تشکیل شدند.^{۲۶}

حزب دموکرات اولین رقیب واقعی حزب بنیانگذار جمهوری‌خواه خلق پس از پایان دوره تک‌حزبی بود. پس از پیروزی حزب دموکرات با رهبری عدنان مندرس در انتخابات ۱۹۵۰، این حزب اجازه ظهور اتحادیه‌های کارگری را زیر چتر «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه»^{۲۷} (تورک‌ایش) داد که خود یک نهاد مدنی نزدیک به دولت بود. در پی کودتای نظامی ۱۹۶۰ ارتش، عدنان مندرس از قدرت برکنار و مدتی بعد اعدام شد.

25. Halkevleri

۲۶. بنگرید به: «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۷؛ و نیز: Emrah Ayhan, CIVIL SOCIETY ORGANIZATIONS (CSOs) IN TURKEY: HISTORY, THEORIES AND ISSUES, IKSAD Publishing House, 2020, pp. 99-100.

از منبع اخیر در ادامه با عنوان امراه آیهان، «سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه» یاد شده است.
27. <https://www.turkis.org.tr/Türk-İş>

۲. از ۱۹۶۰ تا کودتای ۱۹۸۰ (۱۲ ایلول داریه‌سے ۲۸)

ترکیه قرن بیستم آمیزه‌ای از بسته‌شدن فضا به واسطه کودتاهای ارتش و بازشدن دوباره فضا با دورشدن از زمان کودتا بود. بین پایان جنگ جهانی دوم و ۱۹۸۰، ارتش ترکیه تقریباً هر دهه یک بار با کودتا قدرت را به دست می‌گرفت. به این شیوه، جامعه مدنی هم دچار گشایش می‌شد و هم دچار. تعداد نهادهای مدنی تا سال ۱۹۷۲ به ۴۵ هزار افزایش یافته بود، ولی کودتا و متعاقب آن حکومت نظامی ۱۹۷۲، این تعداد را دوباره به ۱۸ هزار نهاد کاهش داد. پیش از کودتای ۱۹۸۰، علی‌رغم محدودیت‌های تاریخی و نهادی، جامعه مدنی ترکیه دوره‌های قابل توجهی از تجدید حیات و پویایی را تجربه کرد؛ خصوصاً در مورد جنبش‌های کارگری و جوانان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی. اتحادیه‌های کارگری چپ‌گرای ترکیه در آن ایام همزمان با جنبش‌های دانشجویی در جهان، پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران در مواردی قادر به سازمان‌دادن تجمع‌هایی با حضور ۳۰۰ هزار کارگر، یا برگزاری اعتصاب‌هایی چندین ماهه بودند؛ امری که امروز در فضای کار ترکیه غیرقابل تصور است.^{۲۹} در آن ایام جنبش دانشجویی خصوصاً با گرایش چپ نیز بسیار فعال بود و تحصن‌ها، اعتراضات و بایکوت‌های متعددی را علیه سرکوب یا برای پیگیری مطالبات خویش همچون اصلاحات آموزشی، ترتیب می‌داد.

توسل به ابزارهای خشونت‌آمیز از آفت‌های جنبش‌های راست ملی‌گرا و چپ کمونیست در آن دوره از ترکیه مانند بقیه جهان بود و همین موضوع، زمینه یا بهانه را برای کودتای خونین ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ فراهم کرد. رژیم نظامی پس از این کودتا اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌ها و احزاب سیاسی را تا حد زیادی از بین برد و آزادی تجمع و انجمن را برای سه‌سال محدود کرد. در زمان کودتای ۱۹۸۰، شمار سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه به حدود «۳۸ هزار» (دقیقاً ۳۸۳۵۴ سازمان) رسیده بود که دولت نظامی بیش از ۲۰ هزار سازمان از میان آنها را تعطیل کرد.^{۳۰} کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ نقطه عطف بزرگی در تاریخ سیاسی ترکیه است، چرا که بواسطه سرکوب گرایش‌های چپ‌گرایانه و کمونیستی، شرایط را برای رشد متعاقب اسلام‌گرایی نئولیبرال فراهم کرد. همه نهادهای مدنی در ایام کودتا تعطیل نشدند. کودتای بزرگ ۱۹۸۰، آخرین کودتای کامل نظامی است که توسط ارتش بعد از تاسیس جمهوریت انجام شده.

۲۸. یعنی: کودتای ۱۲ سپتامبر

۲۹. بنگرید به بابانچی ۲۰۲۳.

30. Sefa Simsek, "The Transformation of Civil Society in Turkey: from quantity to quality", Turkish Studies, September 2004, 5(3).



با کودتا، سرکوب گسترده‌ای علیه جامعه مدنی، خصوصاً گروه‌های چپ آغاز شد، زیرا ژنرال‌های کودتاگر و کادر رهبری خونتاً^{۳۱} معتقد بودند جامعه ترکیه بیش از حد آزاد شده بود و این مسأله به هرج و مرج و از بین رفتن امنیت ملی انجامیده بود. در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ حکومت نظامی در ترکیه برقرار بود و هیچ حزبی اجازه فعالیت نداشت. در این دوره، ژنرال‌ها قانون جدیدی برای انجمن‌ها تصویب کردند که حق حکومت برای کنترل یا توقیف فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی را تثبیت می‌کرد. همین قوانین در ادامه مبنای قانون مدنی آینده ترکیه شدند. قانون اساسی جدید ترکیه نیز همان ایام در سال ۱۹۸۲ تهیه و تصویب شد.

یکی از چالش‌های جامعه مدنی مستقل در ترکیه فرهنگ «دولت‌محوری» است؛ فرهنگی که سبب شده حکومت ترکیه از نظر تاریخی، حتی پیش از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، به جامعه مدنی با سوءظن نگاه کند. حکومت در بخش زیادی از تاریخ معاصر ترکیه، جامعه مدنی و سازمان‌های مستقل شهروندان را به‌عنوان نهادهایی دیده‌است که باید تحت کنترل درآیند یا هضم شوند. حتی بخشی از نخبگان سکولاری که پیش از اردوغان قدرت را در دست داشتند، جامعه مدنی را مایه‌ی تهدید امنیت ملی و یا تسهیل آنارشیسم می‌دانستند. این تاحدی به وجود سنت حکومت مرکزی قدرتمند و غلبه‌گر در ترکیه گره خورده است.

۳۱. در ترکی این عبارت با ج تلفظ می‌شود؛ جونتاً. هردو معادل واژه اسپانیایی Junta است.

۳. گشایش بعد ۱۹۸۳ نافدرت گرفتن آکپارته (۲۰۰۲)

در سال ۱۹۸۳ گشایش فضای ترکیه آغاز شد و احزاب دوباره اجازه فعالیت یافتند. انتخاب تورگوت اوزال به عنوان نخست‌وزیر و بازگشت به حکومت غیرنظامی در نوامبر ۱۹۸۳، دوره‌ای تازه از گشودگی نسبی سیاسی و اقتصادی در ترکیه را رقم زد که به نوبه خود به شکوفایی گروه‌های مستقل جامعه مدنی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انجامید. صاحب‌نظران آغاز لیبرالیزاسیون اقتصادی ترکیه در دوران تورگوت اوزال را نقطه عطفی در ورود ترکیه به ساختار سرمایه‌داری کنونی می‌دانند. بین ۱۹۸۳ تا آغاز حکومت عدالت و توسعه در انتهای ۲۰۰۲، شمار سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه سه برابر شد و از دوران پیش از کودتای ۱۹۸۰ نیز بزرگ‌تر شد.^{۳۲}

اصلاحات سیاسی که امکان فراهم کردن امکان ابراز وجود عمومی و فعالیت بیشتر جامعه مدنی را فراهم می‌کرد، در دهه ۱۹۹۰ شتاب مضاعف گرفت. به‌طور مشخص، رشد سیاست‌های هویتی (مسئله حقوق و زبان کردی) و دینی (بحث اسلام‌گرایی، وضعیت علوی‌ها، حقوق ارامنه و الخ) در دهه ۱۹۹۰ به گسترش جامعه مدنی کمک کرد.

در دهه ۱۹۹۰ میلادی، انجمن‌های حرفه‌ای با ارتباطات بین‌المللی جنبش‌های مدنی جدیدی به راه انداختند: جنبش‌های مردمی کردی، اسلامی/اسلامگرا (از جمله «میللی گوروش [نگاه ملی]» که از دل آن آکپارته بیرون آمد)، فمینیستی (اعم از سکولار یا مذهبی که مورد آخر خواهان حق استخدام زنان محجبه در ادارات و مدارس بود). هریک از این گروه‌ها به شیوه خود مطالبه آزادی و حقوق و مشارکت دموکراتیک داشتند. در آن ایام گروه‌های مذهبی، شامل گولنیست‌ها (جنبش موسوم به «خدمت»)^{۳۳} نیز می‌شد که نهادهای خیریه، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های متعددی تأسیس کردند. نهادهای مدنی امدادرسان نیز فعال بودند و عملکرد تحسین‌برانگیز «انجمن جستجو و نجات» در واکنش به زلزله مهیب استانبول در ۱۹۹۹ نیز به نوبه خود آگاهی عمومی را نسبت به ارزش اجتماعی نهادهای داوطلبانه افزایش داد.

32. Demir Murat Seyrek, "The Road to EU Membership: The Role of Turkish Civil Society," Turkish Policy Quarterly 3(3) (2004).

33. Hizmet



سازمان‌های جامعه مدنی کردی نیز شایان توجه هستند. جنگی میان دولت ترکیه و حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) به رهبری عبدالله اوجلان از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده بود. در میانه دهه ۱۹۹۰، زمانی که جنگ با پ ک ک موقتاً فروکش کرد، سازمان‌های مردم‌نهاد کردی در سراسر ترکیه مشخصاً در جنوب شرق کشور سر برآوردند و آگاهی اتنیک را گسترش دادند. برخی از این گروه‌ها برای اولین بار طبق قانون انجمن‌ها به‌طور رسمی ثبت شدند. این تحول برای کشوری چون ترکیه که در آن تا مدت‌ها وجود کردها به‌عنوان گروه اتنیک مستقل انکار می‌شد، مهم بود.^{۳۴}

در کل اوج‌گرفتن فعالیت جامعه مدنی در ترکیه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، همزمان با سست‌شدن تابوهای سختگیرانه پیشین در مورد هویت اتنیک (مسئله کردی) و نیز آزادتر شدن ورود اسلام به سیاست رخ می‌داد و حرکتی بر خلاف ایدئولوژی سکولار سال‌های تاسیس جمهوریت و دهه‌های قبل بود. امروز، سه‌دهه پس از آن ایام، مسیر تاحدی برعکس شده است: ناظران ابراز نگرانی می‌کنند که جامعه مدنی در حال بلعیده‌شدن و نابودی به‌دست همان نیروهایی است که در دهه ۱۹۹۰ و آغاز ۲۰۰۰ از گسترش آن حمایت می‌کرد؛ به‌طور خاص، اسلام سیاسی آمیخته به ملی‌گرایی محافظه‌کارانه ترکی.

34. Alper Kaliber and Nathalie Tocci, "Civil Society and the Transformation of Turkey's Kurdish Question," Security Dialogue, 41 (2), 2010.

برخی نهادهای جامعه مدنی حقوق بشری که در ترکیه بین پایان حکومت نظامی ۱۹۸۳ و آغاز آک پارتی تاسیس شدند:

برخی از مهم‌ترین سازمان‌های مدنی و حقوق بشری که در دهه ۱۹۹۰ در ترکیه تاسیس شدند، در جدول زیر فهرست شده‌اند. همه این انجمن‌ها، به‌رغم افت‌وخیزها، هنوز فعال هستند، گرچه برخی مانند «مظلوم‌در» (انجمن مستضعفان) تغییر ماهیت داده‌اند. باید توجه کرد که به دلیل تغییر فضای سیاسی ترکیه در این سال‌ها، شمار زیادی از سازمان‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ تاسیس شده بودند، امروز یا کوچک شده، یا تغییر شکل داده‌اند.

این انجمن در ۱۹۸۶ با تمرکز بر نقض حقوق بشر در ترکیه، به‌ویژه در مناطق عمدتاً کردنشین جنوب شرقی، تاسیس شد.	انجمن حقوق بشر ^{۳۵}
این بنیاد (یا وقف) در ۱۹۹۰، ۱۰ سال پس از کودتای نظامی ۱۹۸۰، برای حمایت از قربانیان شکنجه تاسیس شد.	بنیاد حقوق بشر ترکیه ^{۳۶}
انجمنی حقوق بشری که برای حمایت از اقشار مستضعف، خصوصاً در میان قشر مذهبی ترکیه، در ۱۹۹۱ پا گرفت (شرح مبسوط وضعیت این سازمان پس از کودتای ۲۰۱۶ در ادامه خواهد آمد).	مظلوم‌در ^{۳۷}
این مرکز برای ترویج زبان و فرهنگ کردی در ۱۹۹۱ تاسیس شد.	مرکز فرهنگی بین‌النهرین ^{۳۸}
این انجمن کاملاً غیرسیاسی که هنوز هم فعال است، در سال ۱۹۹۶ برپا شد ولی پس از زلزله مرگبار اوت ۱۹۹۹ در استانبول به دلیل عملکرد مؤثرش تحسین فراوانی برانگیخت. این نهاد برای جستجو و نجات زلزله‌زدگان زلزله بزرگ ۶ فوریه ۲۰۲۳ در منطقه قهرمان‌مرعش و انطاکیه هم فعال بود. ^{۴۰}	انجمن جست‌وجو و نجات (آکوت) ^{۳۹}
انجمنی برای توانمندسازی زنان که در ۱۹۹۷ تاسیس شد (نباید «کا در» را با «کادم» اشتباه گرفت که سازمان غیردولتی حکومت‌محور زنان، نزدیک به عدالت و توسعه است و در آینده توضیح داده خواهد شد.)	انجمن حمایت از کاندیداهای زن (کا در) ^{۴۱}

۳۵. Human Rights Association, İnsan Hakları Derneği, Komeleya Mafe Mirovan. ۳۰ و کردی

<https://ihd.org.tr/en/>

۳۶. Human Rights Foundation of Turkey - TIHV, Türkiye İnsan Hakları Vakfı

<https://en.tihv.org.tr/>

۳۷. Mazlumder (İnsan Hakları ve Mazlumlar İçin Dayanışma Derneği), <https://www.mazlumder.org/>

۳۸. Mezopotamya Kültür Merkezi (MKM)

۳۹. Araştırma ve Kurtarma Derneği - AKUT: <https://www.akut.org.tr/>

۴۰. <https://www.akut.org.tr/haberler/6668/akut-kahramanmaras-depremlerinde-de-gorev-basindaydi>

۴۱. Ka-Der (kadın adayları destekleme derneği)

۴. دوران عدالت و توسعه: نوامبر ۲۰۰۲ تا امروز (۲۰۲۶)

سرعت تغییرات اجتماعی-سیاسی-مدنی در ترکیه طی حدود ۲۵ سال گذشته در دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه شگفت‌انگیز و متنوع بوده است. دوران اردوغان را می‌شود به «دوره اول»، یعنی دوره نزدیکی به اتحادیه اروپا و لیبرال‌ها (۲۰۱۳-۲۰۰۲) و «دوره دوم» اقتدارگرایی رقابتی (۲۰۱۳ تا امروز) تقسیم کرد.^{۴۲}

آک‌پارتی مدت کوتاهی پس از تأسیس توانست در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ بیش از ۳۰ درصد آراء را کسب کند؛ حد نصابی که طبق قوانین وقت ترکیه به این حزب اجازه می‌داد به تنهایی و بدون ائتلاف تشکیل دولت دهد. شاید اگر قانون وقت اجازه نمی‌داد حزب اول به تنهایی تشکیل دولت دهد، وضعیت ترکیه تا امروز به شکل دیگری رقم می‌خورد. پس از پیروزی عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۰۲، با همکاری حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری دنیز بایکال که به اپوزیسیون اصلی ترکیه بدل شده بود و با تصویب مجلس، ممنوعیتی که پیش‌تر برای فعالیت سیاسی رجب طیب اردوغان شهردار سابق استانبول از حزب رفاه وجود داشت و موجب ممنوع‌الکاری و حبس کوتاه‌مدت او شده بود، برداشته شد و اردوغان در ۲۰۰۳ به عنوان نخست‌وزیر ترکیه از آک‌پارتی انتخاب شد.

ساختار ترکیه مطابق قانون اساسی ۱۹۸۲ دموکراسی پارلمانی بود و رئیس‌جمهور بیشتر تشریفاتی بود، یعنی قدرت اجرایی نداشت. این امر در سال‌های بعد تغییر کرد. دولت اردوغان در سال‌های آغازین از کودتای نظامی و نیز از اقدامات قضایی برای ممنوعیت حزب می‌ترسید سرنوشتی که برای احزاب اسلام‌گرای قبلی با رهبری اربکان رخ داده بود. آک‌پارتی، شاید به عنوان تاکتیکی برای در امان ماندن از سرکوب، در سال‌های اولیه خود برخی صدهای قدرتمند لیبرال را نیز در درون خود جا داد؛ صدهایی که منافع اقتصادی و سیاسی ترکیه را در حرکت به سمت ادغام و عضویت در اتحادیه اروپا می‌دیدند.



۴۲. برخی در ادبیات بحث تاریخ شروع گرایش آک‌پارتی به اقتدارگرایی را بعد از فراندوم ۲۰۱۰ می‌دانند. ولی از آنجا که گرایش آشکار آک‌پارتی به اقتدارگرایی در سرکوب اعتراضات پارک گزی در بهار ۲۰۱۳ خود را نشان داد، ۲۰۱۳ را به عنوان آغاز مرحله دوم حزب در نظر می‌گیریم. البته که نقطه عطف مرحله دوم تحولات بعد از کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ است.



دولت نجم‌الدین اربکان (نخست‌وزیر ترکیه در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷) در کودتای پست‌مدرن و نرم ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ به‌دست ارتش عزل شد. ناظران معتقدند تلاش آک‌پارتی در سال‌های اولیه برای انطباق نسبی قوانین و رویه‌های ترکیه با استانداردهای لیبرال اتحادیه اروپا و پیگیری الحاق به این اتحادیه در واقع برای محافظت در برابر سرنگونی از سوی ارتش و نخبگان سکولار رخ می‌داد، و نه به سبب باور و پایبندی حقیقی به لیبرالیسم.

در آن ایام برخی سازمان‌های مدنی با پایگاه اجتماعی و فعالیت در بخش محافظه‌کار جامعه مانند «مظلوم‌در» بر تحول اجتماعی در راستای حقوق برابر (از جمله حق برابر شهروندان مذهبی با سکولارها در امور مانند حق زنان محجبه برای کار در ادارات و ورود به دانشگاه) تمرکز داشتند. این سازمان‌ها خصوصاً در سال‌های اولیه برای آک‌پارتی به عنوان متحدان بالقوه تلقی می‌شدند (در مورد تحولات بعدی مظلوم‌در بنگرید به ادامه گزارش).^{۴۳} در هر صورت، گرایش لیبرال اولیه حزب عدالت و توسعه به گشایش فضای مدنی تا کودتای نافرجام ۲۰۱۶ انجامید.

۴۳. ترکیه ذیل اردوغان امروز هم، خصوصاً در مسائلی که ربطی به حقوق بشر ندارد، می‌کوشد روابط نزدیکی با اتحادیه اروپا و به عنوان مجرای برای ارتباط شرق و غرب حفظ کند. مثلاً بنگرید به سخنان اردوغان هنگام سفر مرتز صدر اعظم جدید آلمان به ترکیه در روزهای آخر اکتبر ۲۰۲۵. با اینحال، امروز که حدود ۲۵ سال از حاکمیت عدالت و توسعه در ترکیه می‌گذرد بسیاری تحلیلگران معتقدند علاقه صرفاً ابزاری به دموکراسی بود که رهبران وقت آک‌پارتی و مشخصاً اردوغان را به همکاری حقوق بشری گسترده‌تر با اتحادیه اروپا در سالهای اولیه این حزب سوق داد، نه دموکرات شدن واقعی و درونی شده. ویدیوی مربوط به کنفرانس مطبوعاتی اردوغان و مرتز را اینجا ببینید:

<https://www.youtube.com/watch?v=HhLNqQibd2g>

توزیع سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه در ۲۰۱۵

دو جدول بعدی سازمان‌ها و انجمن‌های فعال در ترکیه را بر اساس حوزه فعالیت مندرج در اساسنامه‌شان در ۲۰۱۵ و تا حدی ۲۰۱۷ را نشان می‌دهد. انجمن‌ها رایج‌ترین شکل سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه در هر دو سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ بوده‌اند. در ترکیه ۲۰۱۵ از میان حدود ۱۳۰ هزار سازمان جامعه مدنی (اعم از انجمن و بنیاد و الخ)، اکثریت با انجمن‌ها (از جمله حرفه‌ای و صنفی، مذهبی، باشگاه‌های ورزشی) بوده است، و در میان انجمن‌ها هم تنها بخشی حدود ۲۳ هزار مشخصاً به تحقیق یا ترویج و حمایت‌گری در مسائل حقوق بشری‌تر مانند آموزش، عدالت زیست‌محیطی، مقابله با تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست، زنان و حقوق جنسیتی، ارائه خدمات اجتماعی به پناهندگان (از جمله سوری) و سایر اقشار آسیب‌پذیر و... اختصاص داشته است. در ترکیه انجمن‌هایی که در زمینه‌های حرفه‌ای و همبستگی، ورزشی، خدمات مذهبی/دینی، کمک‌های بشردوستانه و آموزش فعال بوده‌اند، همواره بیشترین تعداد عضو را از جمله در قیاس با انجمن‌های ترویج و حمایت‌گری در حوزه حقوق بشر داشته‌اند.

پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ اقلاً ۱۵۰۰ سازمان جامعه مدنی در ترکیه بسته شدند و کاهش تعداد انجمن‌ها در بسیاری حوزه‌ها در فاصله دو سال نتیجه این رویداد است.^{۴۴}

جدول ۱- سازمان‌های جامعه مدنی به تفکیک تعداد

نوع سازمان مدنی	انجمن	بنیاد	اتحادیه‌های کارگری	اتحادیه‌های مربوط به کارمندان ادارات دولتی	اتحادیه کارفرمایان	اتاق (همانند اتاق‌های بازرگانی)	تعاونی‌ها	مجموع
تعداد	۱۰۸۱۷۲	۴۹۶۸	۱۱۸	۸۳	۲۰	۴۷۹۴	۸۵۷۵	۱۲۶۷۳۰

۴۴. منبع ۲۰۱۵:

Yaşama Dair Vakıf (Yada Foundation), "Venilerle Sivil Toplum Kuruluşları" (Report on CSOs through Data), 2015:

منبع ۲۰۱۷:

«سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه»، ص. ۱۱۹. به سبب محدودیت منبع، داده‌های ۲۰۱۷ فقط در ۶ حوزه افزوده شده‌اند.

جدول ۲- تعداد و انواع انجمن‌های فعال در ترکیه
بر اساس حوزه فعالیت مندرج در اساسنامه

تعداد بر اساس سال (۲۰۱۷)	تعداد بر اساس سال (۲۰۱۵)	حوزه فعالیت
۳۲۰۴۰	۳۳۱۹۱	انجمن‌های حرفه‌ای و همبستگی
۲۱۰۶۷	۲۰۰۴۴	انجمن‌های ورزشی
۱۷۱۲۳	۱۷۷۵۸	انجمن‌های خدمات مذهبی/دینی
۴۹۵۸	۶۸۸۵	انجمن کمک‌های بشردوستانه و خیریه
۵۶۰۷	۶۲۰۹	انجمن‌ها در حوزه آموزش و تحقیقات
۵۰۶۵	۵۵۰۸	انجمن‌های هنر، فرهنگ و گردشگری
	۲۵۳۵	انجمن‌های فعال در حوزه سلامت
	۲۲۳۹	انجمن‌های محیط زیست، حفاظت از حیات طبیعی و حیوانات
	۲۱۱۹	انجمن‌های توسعه و مهارت‌های فردی
	۱۷۸۲	انجمن‌ها در حوزه منطقه‌بندی، شهرسازی و توسعه
	۱۷۳۴	انجمن ارزش‌های اجتماعی
	۱۶۶۳	انجمن‌های حقوق بشر و ترویج و حمایتگری
	۱۳۸۳	انجمن‌های معلولین
	۱۳۰۳	انجمن‌های حمایت از نهادها و پرسنل دولتی
	۱۲۱۸	انجمن‌های حوزه اندیشه
	۷۰۱	سازمان‌های بین‌المللی
	۶۶۸	انجمن‌های فعال در زمینه غذا، کشاورزی و دامداری
	۶۱۱	انجمن‌های همبستگی با ترک‌های خارج از ترکیه
	۳۲۴	انجمن‌های سالمندان و جوانان
	۲۴۵	انجمن‌های شهدا و جانبازان
	۱۷	انجمن‌های کودکان

جدول ۳- انواع سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه و وزارت‌خانه‌های دولتی ناظر به ثبت آنها

در حالت کلی پنج نوع سازمان جامعه مدنی دارای وضعیت قانونی در ترکیه حضور دارند که عبارت‌اند از: انجمن‌ها، بنیادها، اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها، و سازمان‌های حرفه‌ای. انجمن‌ها و بنیادها دو شکل قانونی اصلی برای سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه امروزی هستند. در حالی که گروه‌های مدنی غیررسمی اغلب می‌توانند بدون مجوز در این کشور فعالیت کنند، واضح است فقدان به رسمیت شناختن قانونی آنها، اثربخشی‌شان را به حوزه‌های کوچک‌تر محدود می‌کند، چرا که مانع از افتتاح حساب بانکی، جمع‌آوری کمک‌های مالی یا انجام اقدامات قانونی حقوقی با نام رسمی سازمان می‌شود. جز انجمن‌ها و بنیادها، انواع دیگری از سازمان‌های جامعه مدنی نیز وجود دارند که تحت قوانین ترکیه شرح داده شده‌اند. به جدول زیر نگاه کنید:^{۴۵}

نوع سازمان جامعه مدنی	وزارت‌خانه دولتی مرتبط
انجمن‌ها	اداره کل روابط با جامعه مدنی، زیر نظر وزارت کشور ترکیه ^{۴۶}
بنیادها/وقف‌ها	اداره کل اوقاف ترکیه ^{۴۷}
سندیکاهای کارگری / اتحادیه‌های صنفی	وزارت خانواده، کار و خدمات اجتماعی ^{۴۸} و احیانا سایر وزارتخانه‌ها
سازمان‌های حرفه‌ای ذیل «اتحادیه اتاق‌های بازرگانی و معاملات بورس ترکیه» (توب) ^{۴۹}	وزارت بازرگانی ترکیه ^{۵۰}

45. (i) Associations, (ii) Foundations, (iii) Unions, (iv) Cooperatives, (v) Professional Organizations

منبع: امره آبهان ۲۰۲۰، «سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه»، ص. ۱۱۳.

46. T. R. Directorate General of Relations with Civil Society (www.siviltoplum.gov.tr/)

47. T. R. Directorate General of Foundations (www.vgm.gov.tr)

48. T. R. Ministry of Family, Labour, and Social Services (www.ailevecalisma.gov.tr/)

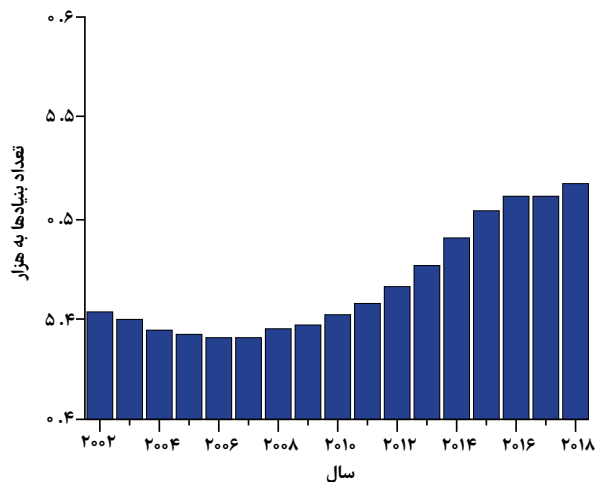
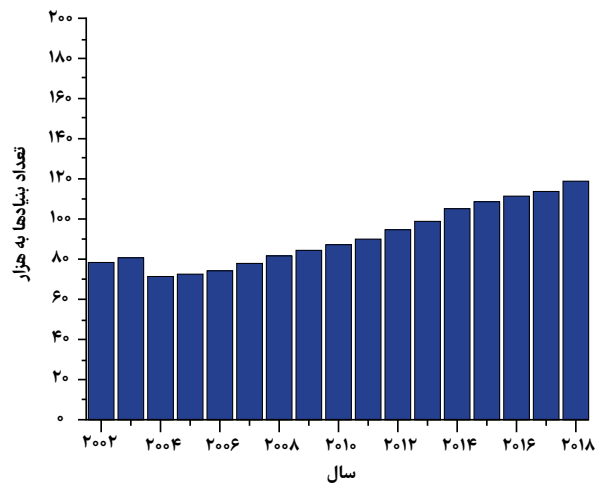
49. TOBB - Türkiye Odalar ve Borsalar Birliği

50. T. R. Ministry of Trade (www.trade.gov.tr/)

جدول ۴- افزایش تعداد سازمان‌های جامعه مدنی در دوره آک‌پارتی و توضیح آن

نمودارهای پایین برگرفته از مقاله ۲۰۱۹ بیلگه یابانجی، روند تغییر تعداد انجمن‌ها و بنیادها در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.^{۵۱} در سال ۲۰۱۸، ۱۱۶ هزار و ۱۹۷ انجمن فعال و ۵۱۵۸ بنیاد ثبت‌شده در ترکیه وجود داشته است (نمودارهای پایین). این اعداد به ترتیب معادل افزایش تقریباً ۵۰ درصدی در تعداد انجمن‌ها و ۱۳ درصدی در شمار بنیادها در سال‌های حکومت حزب عدالت و توسعه تا ۲۰۱۸ بوده است. شمار بنیادها (نمودار پایین راست) ابتدا از ۲۰۰۲ تا حدود ۲۰۱۰ کمی کاهش یافت، اما سپس رشد آن دوباره شروع شد.

نمودار افزایش تعداد انجمن‌ها و بنیادها از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه



51. Bilge Yabanci, "Turkey's tamed civil society: Containment and appropriation under a competitive authoritarian regime", Journal of Civil Society, 2019, 15:4.

این آمار یعنی علی‌رغم رویه‌های سرکوبگرانه قانونی و قضایی و به‌رغم تضعیف تدریجی دموکراسی در ترکیه در سال‌های اخیر، تعداد انجمن‌ها و بنیادهای ثبت‌شده در طول ۲۰ سال گذشته افزایش یافته است. چگونه می‌توان این گسترش کمی و تا حدودی کیفی جامعه مدنی ترکیه را توضیح داد؟ به ویژه با در نظر گرفتن اینکه برخی بررسی‌ها مثلاً در سال ۲۰۱۸، جامعه مدنی ترکیه را در کنار کشورهای چون روسیه و ونزوئلا در دسته «سرکوب‌شده» قرار می‌داد.^{۵۲}

هرچند بخشی از این توسعه تحت تأثیر تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا در سال‌های نخست حکومت حزب عدالت و توسعه رخ داد، افزایش تعداد سازمان‌های جامعه مدنی حتی پس از توقف اصلاحات مربوط به این موضوع و به‌رغم آغاز تمایلات اقتدارگرایانه در آکپارتی پس از ۲۰۱۰ نیز ادامه یافته است. این نوع افزایش احتمالاً متأثر از راهبرد حزب حاکم برای افزایش تعداد سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور بوده است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد. همچنین در دوره پس از اعتراضات گزی و با بالا گرفتن سرکوب حکومتی، ساختار جامعه مدنی ترکیه نیز به طرز چشمگیری متکثر شد تا بتواند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. این هم به نوبه خود می‌تواند توضیح‌دهنده افزایش کمی تعداد سازمان‌ها باشد.^{۵۳}

گسترش کمی (و تا حدودی کیفی) جامعه مدنی ترکیه را می‌توان همچنین از طریق تامل در یک معضل خاص رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی^{۵۴} مانند ترکیه ذیل عدالت و توسعه نیز توضیح داد. این رژیم‌ها (و تا حدی ایران) عرصه‌های انتخاباتی و حزبی را دستکاری می‌کنند و رقابت در این عرصه با حاکمیت را دشوار می‌کنند. در اینجا دو اتفاق می‌افتد: از یکسو نیروهای اجتماعی مخالف که به شیوه‌ای فزاینده دسترسی عملی به نهادهای سیاسی رسمی برای به چالش کشیدن حکومت ندارند، به جامعه مدنی روی می‌آورند. از سوی دیگر، جامعه مدنی از نوع حکومت‌محور آن توسعه می‌یابد. سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور جذابیت خاصی برای رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی دارند، چون به چنین رژیم‌هایی اجازه می‌دهند تا گفتمان رسمی را به کف جامعه و توده‌های مردم حامی حکومت منتقل کنند و سیاست‌های خود را در سطح جامعه مشروعیت بخشند.

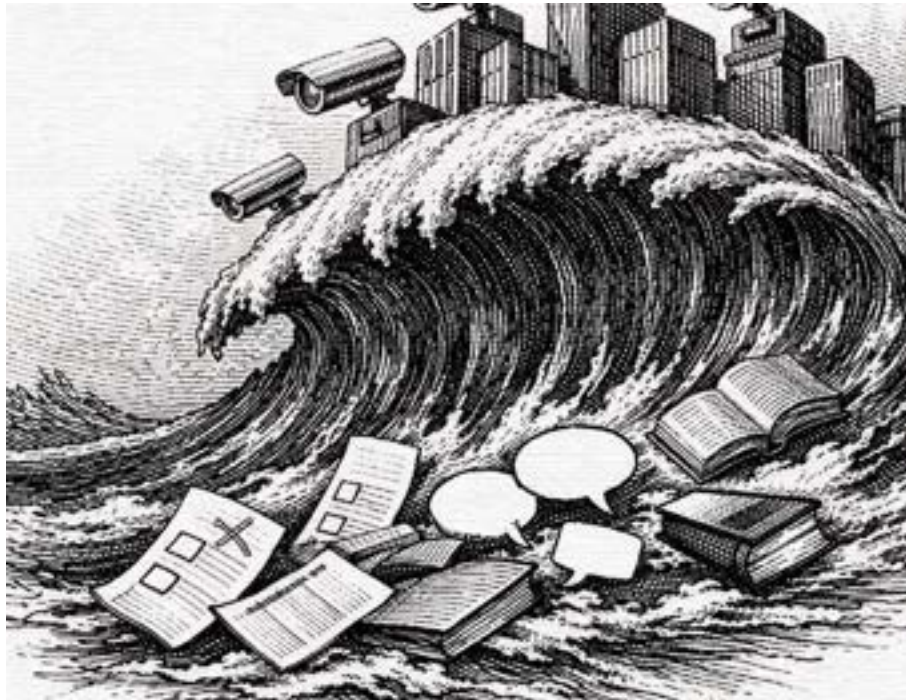
در ترکیه عدالت و توسعه نمی‌تواند رضایت و مشروعیت اجتماعی را نادیده بگیرد و با اجبار محض به کل جامعه حکومت کند. در تحلیل با منطق فوکویی، جامعه مدنی برای رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی «سوژه‌های عادی‌سازی‌شده» و «هژمونی از طریق رضایت» تولید می‌کند. بر خلاف دیکتاتورهای نسل قدیم، رژیم‌های اقتدارگرای جدید (موج سوم اقتدارگرایی)، به دنبال تعامل با جامعه مدنی هستند و رام کردن آن تا حذف کاملش.^{۵۵}

۵۲. طبق گزارش وضعیت جامعه مدنی ترکیه در سال ۲۰۱۸ توسط سیویکوس: CIVICUS. State of civil society report 2018.

۵۳. یابانچی ۲۰۱۹، صص. ۲۸۷-۲۸۵.

54. Competitive Authoritarian

۵۵. برخی رفتارهای جمهوری اسلامی، مثلاً اینکه در آن اجازه رقابت سیاسی محدود میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان به عنوان نوعی سوپاپ اطمینان برای سیستم داده می‌شود و نیز فضای محدود در ایران برای فعالیت جامعه مدنی، این رژیم را نیز در زمره اقتدارگرایی‌های رقابتی قرار می‌دهد.



بیامدهای این معضل در ترکیه در سال‌های اخیر عبارتند از:

الف- افزایش تعداد و دامنه انجمن‌ها و بنیادهای حکومت‌محور در حوزه‌های مرتبط با جوانان، زنان، آموزش و خانواده، همسو با دستور کار اجتماعی محافظه‌کارانه و ملی-مذهبی عدالت و توسعه، و شریک‌ش در ائتلاف یعنی «حرکت ملی‌گرا»؛

ب- تنوع کنشگری مدنی گروه‌های نزدیک به اپوزیسیون که به دنبال ایجاد مقاومت در چارچوب فرصت‌های محدود در فضای رقابتی موجود هستند.

بر اساس مطالعات انجام‌شده در سال ۲۰۱۷، جامعه مدنی ترکیه کلانشهرمحور است: اکثریت سازمان‌های جامعه مدنی با بیشترین شمار اعضا در پرجمعیت‌ترین کلانشهرها و استان‌های ترکیه استانبول (منطقه مرمرة)، آنکارا (منطقه آناتولی مرکزی) و ازمیر (منطقه اژه) متمرکز شده‌اند و در عوض استان‌های بایبورت، اردهان، تونجلی، سیرت و شرناق کمترین تعداد انجمن‌ها و اعضا را داشته‌اند. علاوه بر این، تعداد اعضای زن در انجمن‌ها از کل جمعیت ترکیه تنها حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر (تقریباً ۳ درصد جمعیت ترکیه) بوده است، در حالی که این آمار برای اعضای مرد انجمن‌ها به حدود هشت میلیون و هشتصد هزار نفر (حدود ۱۱ درصد جمعیت) می‌رسد، که شکاف جنسیتی در این زمینه در ترکیه را نشان می‌دهد.^{۵۶}

۵۶. داده‌ها توسط امراه آیهان، در کتاب «سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه» (۲۰۲۰) از پایگاه داده آنلاین «اداره کل روابط با جامعه مدنی ترکیه» (ذیل وزارت کشور) جمع‌آوری شده است: <https://www.siviltoplum.gov.tr>

فصل دوم

نظر سنجے «ادراک جامعہ مدنی»

میان مردم ترکیہ



نظرسنجی «ادراک جامعه مدنی» میان مردم ترکیه

با وجود فضای عدم قطعیت حاکم بر ترکیه در سال‌های گذشته در ترکیه، فضای سیاسی شدیداً دو قطبی پس از دستگیری امام‌اوغلو، و دور شدن حاکمیت از اروپا، جامعه مدنی ترکیه به قدر توان خویش در تمامی چالش‌های اجتماعی پیش روی ترکیه فعال باقی مانده است؛ چالش‌هایی همچون ادغام و آموزش پناهندگان سوری، کاهش تنش‌های اتنیکی به واسطه پیگیری صلح با مخالفان کرد، افزایش مشارکت زنان در اقتصاد، فعالیت‌های مربوط به حفاظت محیط زیست و مقابله با تخریب طبیعت، و موضوع حقوق بشر و دموکراسی.

در این بخش خلاصه‌ای از مهم‌ترین نکات گزارش «ادراک جامعه مدنی در ترکیه» آورده می‌شود. گزارش مزبور به‌عنوان بخشی از پروژه «نظارت بر آزادی انجمن‌ها»، با بودجه اتحادیه اروپا و در همکاری با «بنیاد سپهر سوم ترکیه» (توسو) تهیه شده است.^{۵۷} مصاحبه‌های شخصی با چند هزار نفر در ترکیه منبع اصلی برای گزارش یادشده است. این سه هزار و ۴۰ مصاحبه حضوری در ۴۲ استان (۱۳۸ شهر و شهرستان و ۲۹۹ محله) به مدت حدود سه هفته بین ۸ دسامبر ۲۰۲۳ تا ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ انجام شد.

تلاش پژوهش مذکور فهمیدن این مسأله بود که شهروندان ترکیه تا چه حد به سازمان‌های جامعه مدنی اعتماد دارند، چقدر این سازمان‌ها را می‌شناسند، و با چه سازوکاری با سازمان‌های جامعه مدنی ارتباط برقرار می‌کنند. چون این تحقیق میدانی پس از زلزله بزرگ ۶ فوریه ۲۰۲۳ در قهرمان‌مرعش انجام شده که با مشارکت گسترده بخش‌هایی از جامعه مدنی و سازمان‌های نیمه‌دولتی (مشخصاً هلال احمر و سازمان احباب^{۵۸}) در امر خدمات‌رسانی همراه بود، در آن تأثیر زلزله بزرگ بر ادراک جامعه مدنی در میان مردم ترکیه نیز بررسی شد. چنان‌که خواهیم دید، این نظرسنجی نشان می‌دهد که ادراک عمومی مردم ترکیه نسبت به سازمان‌های جامعه مدنی در مجموع مثبت است، اما به سبب مشکلات اقتصادی و سیاسی که جامعه در سال‌های اخیر بدان دچار بوده نباید در این زمینه اغراق کرد.

۵۷. بنگرید به:

Hakan Ataman, M. Murat Özçelebi, Tezcan Eralp Abay, "Civil Society Perception in Türkiye", STGM, NO-VASAM Research and Consulting, 2024. available at: <https://share.google/dvldY5nabYeaKP0Pp>

۵۸. ترجمه: بنیاد دوستداران یا احباب. برای توضیح عملکرد بنگرید به ادامه.



پرسش‌هایی که پژوهش میدانی در مصاحبه‌هایش با شهروندان به دنبال پاسخ به آنها بود، از این قرارند:

✎ چقدر به سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه در قیاس با سایر نهادها (دولت و خانواده و...) اعتماد دارید؟

✎ میزان دانش شما در مورد جامعه مدنی چقدر است و تا چه حد سازمان‌های جامعه مدنی را می‌شناسید؟ چگونه با سازمان‌های جامعه مدنی تعامل می‌کنید؟

✎ ادراک عمومی از جامعه مدنی چگونه در جامعه شکل می‌گیرد و این ادراک چگونه تحت تأثیر زلزله ششم فوریه ۲۰۲۳ به عنوان یکی از حوادث بزرگ مرتبط با جامعه مدنی در تاریخ متاخر ترکیه قرار دارد؟

✎ اعتمادسازی نسبت به سازمان‌های جامعه مدنی چگونه شکل می‌گیرد؟

یافته‌های کلیدی نظرسنجی

در تحلیل پاسخ‌ها، طبقه اجتماعی و سطح درآمد، سن، جنسیت و گرایش سیاسی افراد نیز لحاظ شد. مشخصات شرکت‌کنندگان تا حد ممکن طوری انتخاب شد تا با مشخصات سیاسی و اجتماعی میانگین در ترکیه مطابقت داشته باشد. شایسته ذکر است که:

✍️ نیمی از پاسخ‌دهندگان زن و نیمی دیگر مرد بودند.

✍️ ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان زیر ۳۵ سال سن داشتند و حدود ۳۰ درصد مجرد بودند.

✍️ ۲۱ درصد افراد دارای مدرک کاردانی یا بالاتر بودند.

✍️ در زمان برگزاری نظرسنجی (دسامبر ۲۰۲۳-ژانویه ۲۰۲۴)، ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان درآمد ماهانه خانواری کمتر از ۳۰ هزار لیره داشتند.

✍️ مهمترین منابع خبری مصاحبه‌شوندگان در درجه اول تلویزیون، و در مراتب بعدی رسانه‌های اجتماعی و وبسایت‌های خبری هستند.

✍️ انتظارات پاسخ‌دهندگان در مورد آینده، در مجموع خنثی بود؛ یعنی نه آینده بسیار مثبت و نه آینده بسیار منفی پیش روی خود تصور می‌کردند.



با در نظر گرفتن این مقدمه، یافته‌های این نظرسنجی مربوط به ۲۰۲۴-۲۰۲۳ از قرار زیر است:

۱.۷ قابل اعتمادترین نهاد در ترکیه از دید پاسخ‌دهندگان، ارتش و غیرقابل اعتمادترین نهاد، طریقت‌ها (جمعیت‌های اسلامی-مذهبی) هستند:

مطابق این پژوهش اعتماد به سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه در نقطه بعد از اعتماد به نهادهای عمومی یا همان دولت/حکومت قرار دارد. در میان نهادهای حکومتی، ارتش نهادی است که عموم مردم ترکیه بیشترین اعتماد را به آن دارند. در نقطه مقابل، وقتی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که کمترین اعتماد را به کدام نهادها یا گروه‌ها دارند، معلوم شد طریقت‌های مذهبی کمتر از بقیه محل اعتماد هستند. این پاسخ خصوصاً در مورد پاسخ‌دهندگانی که خود را در مرکز طیف‌های سیاسی ترکیه قرار می‌دهند صادق بود و با نتایج پژوهش‌های مشابه در ترکیه نیز سازگار است. این امر به نوبه خود تاثیر عمیق مکتب آتاتورک را در میان مردم نشان می‌دهد. آتاتورک خود ارتشی بود و احترام بالا به ارتش قدری مدیون اوست. او رواج طریقت‌های مذهبی را عاملی برای عقب‌ماندگی ترکیه می‌دانست. همزمان مشاهده شد که افراد زیر ۳۵ سال به روحانیون، احزاب سیاسی، شهرداری‌ها و فرقه‌های مذهبی کمتر از پاسخ‌دهندگان بالای ۳۵ سال اعتماد دارند و در نقطه مقابل در قیاس با شهروندان بالای ۳۵ سال به رسانه‌های اجتماعی بیشتر اتکا و اعتماد دارند.

۲.۷ وقتی می‌گویی جامعه مدنی پیش از هر چیز «داوطلبی» و «همبستگی» به ذهن می‌آید:

وقتی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که چه چیزی را با مفهوم سازمان جامعه مدنی مرتبط می‌دانند، «کار داوطلبانه» (۳۳٪)، «همبستگی» (۳۲٪)، «اهدای مالی» (۲۹٫۵٪) و «کمک» (۲۶٪) بیشترین تداعی معنایی با جامعه مدنی را نزد پاسخ‌دهندگان داشتند. در درجات بعدی، مفاهیم «ترویج و حمایت‌گری» (۶٪)، «دموکراسی‌خواهی» (۶٪) و «کنش/اقدام» (۴٪) قرار داشتند. اکثر پاسخ‌دهندگان نگاهی منفی به «فعالیت تبلیغی قدرت‌های خارجی» در ترکیه داشتند (تنها ۱٪ از آن حمایت می‌کردند). کاربست مفاهیم کنشگری/ترویج و حمایت‌گری در میان پاسخ‌دهندگان زیر ۳۵ سال بیشتر بود، در حالی که پاسخ‌دهندگان بالای ۳۵ سال بیشتر با مفاهیمی چون کمک‌رسانی، نیکوکاری و کمک به فقرا خو داشتند. نکته جالب دیگر متنوع شدن استفاده از مفاهیم مرتبط با جامعه مدنی بسته به میزان درآمد افراد است: افراد متعلق به گروه‌های کم‌درآمد (زیر ۳ هزار لیره ترک درآمد خانوار ماهانه) بیشتر از مفاهیم فقر و کمک مالی استفاده می‌کردند. در نقطه مقابل، گروه پردرآمدتر بر مفاهیم دموکراسی، منفعت عمومی، همبستگی، اپوزیسیون، ترویج و حمایت‌گری و کار داوطلبانه تأکید داشتند. شرکت‌کنندگانی که مدرک تحصیلی‌شان کمتر از کاردانی است، بیشتر از مفهوم فقر استفاده کردند که تا حدودی رابطه (یا تصور رابطه) میان سطح تحصیلات و سطح درآمد را در ترکیه نشان می‌دهد.

۳۷. وقتی می‌گوییم جامعه مدنی بیش از همه چند سازمان مدنی بزرگ و محدود به ذهن‌خطور می‌کند:

اغلب مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سوال که «وقتی به سازمان‌های جامعه مدنی فکر می‌کنید، بیش از همه چه چیزی به ذهن‌تان خطور می‌کند»، تنها به نام چند سازمان مشخص اشاره کردند. در این میان، رایج‌ترین سازمان‌ها سازمان هلال احمر ترکیه (قیزیل‌آی)^{۵۹} (۴۰٪) و درجات بعدی احباب^{۶۰} (۱۹٪)، لوسو (۱۹٪)^{۶۱} و یشیل‌آی (هلال سبز)^{۶۲} (۱۷٪) بود (برای توضیح بیشتر درباره‌ی احباب، لوسو و یشیل‌آی بنگرید به فصل ماقبل آخر).

با توجه به تاریخچه و قدمت زیاد هلال احمر (قیزیل‌آی)^{۶۳} و یشیل‌آی در ترکیه، و تبلیغات بدون مانع لوسو در رسانه‌های جریان اصلی در سال‌های اخیر، جای تعجب نیست که این سازمان‌ها سه رتبه اول، سوم و چهارم را در فهرست مذکور دارند. این واقعیت را که احباب در جایگاه دوم قرار دارد، می‌توان چنین تفسیر کرد که این سازمان شاید مهم‌ترین سازمان خیریه‌ای است که مخالفان آک‌پارتی در ترکیه به آن اعتماد دارند و پس از فاجعه زلزله ۶ فوریه و فجایع مشابه سال‌های اخیر، حضور و توجه به آن در شبکه‌های اجتماعی به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

جالب آنکه در این نظرسنجی سازمان‌هایی مانند تورگو^{۶۴}، انجمن دنیز فنی^{۶۵} و بنیاد اینسانی یارديم وقفی^{۶۶} که پیوندهای نزدیک‌تری با سیاست و ائتلاف حاکم دارند، در رده‌های پایین‌تر فهرست مصداق‌های جامعه مدنی در ذهن مردم ترکیه قرار داشتند. به عبارت دیگر، ظاهراً بسیاری از مردم به صورت شهودی سازمان‌های مدنی حکومت‌محور را به‌عنوان جامعه مدنی نمی‌پذیرند.



59. Kızılay <https://www.kizilay.org.tr/>

60. AHBAP https://ahbap.org/en?srsId=AfmBOopeAdKBMHj5QbNmalReb-CF4VJY0U5I7_hzBhBMT-T9R1QJ7yTDf

61. LÖSEV- Lösemili Çocuklar Vakfı <https://www.losev.org.tr/tr>

62. Yeşilay- <https://www.yesilay.org.tr/>

۶۳. یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های خدمات عمومی ترکیه که در سال ۱۸۷۶ تأسیس شد و به نظر می‌رسد نام هلال احمر در ایران که بعد انقلاب برای جمعیت شیروخورشید برگزیده شد نیز متأثر از آن باشد.

64. TÜRGEV <https://www.turgev.org/en>

65. Deniz Feneri <https://www.denizfeneri.org.tr/?lang=EN>

66. İHH <https://ihh.org.tr/>

۴۷. جوانان با جامعه مدنی بیشتر آشنا هستند:

وقتی از مصاحبه‌شوندگان در مورد سطح اطلاع‌شان درباره جامعه مدنی و در مورد سازمان‌های جامعه مدنی سؤال شد، ۶۰ درصد پاسخ دادند: «اطلاعی ندارم» و یا «اطلاعات کمی دارم». در این میان ۵۷,۲ درصد از پاسخ‌دهندگان زیر ۳۵ سال نیز پاسخ دادند «اطلاعی ندارم» و یا «اطلاعات کمی دارم». این رقم در گروه بالای ۳۵ سال به ۶۳,۴ درصد افزایش می‌یابد که نشان می‌دهد جوانان تا حدودی دانش بیشتری در مورد جامعه مدنی دارند. تغییر بارزتر در زمینه میزان آگاهی بر اساس سطح تحصیلات رخ می‌دهد. در حالی که میزان پاسخ‌دهندگانی که می‌گفتند «اطلاعی ندارم» و یا «اطلاعات کمی دارم» در بین پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کاردانی و بالاتر ۴۹,۶ درصد بود، این میزان در بین پاسخ‌دهندگان دارای مدرک پایین‌تر از کاردانی به ۶۴,۲ درصد افزایش یافت. به طور کلی، کسانی که ارتباط بیشتری با جامعه مدنی داشتند، درک مثبت‌تر و دانش بیشتری نسبت به آن داشتند.

۵۷. حدود ۷۷ درصد از جامعه گفتند در زندگی‌شان هیچ ارتباطی با سازمان‌های جامعه مدنی ندارند:

در نظرسنجی از شرکت‌کنندگان پرسیده شد آیا با سازمان‌های جامعه مدنی رابطه‌ای دارند و اگر آری، چه نوع رابطه‌ای؟ آنها می‌توانستند از میان انواع مختلفی از رابطه گزینه مورد نظرشان را انتخاب کنند. در این میان تنها ۷,۷ درصد از مصاحبه‌شوندگان گفتند که به‌عنوان داوطلب با یک سازمان جامعه مدنی کار می‌کنند و میزان اعضای رسمی هم در این میان تنها ۴,۱ درصد بود. میزان کسانی که بدون عضویت یا فعالیت داوطلبانه به سازمان‌های جامعه مدنی کمک مالی می‌کردند ۸,۴ درصد بود. ۱۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان نوعی رابطه با سازمان‌های جامعه مدنی (اعم از شرکت در فعالیت‌های آنها، دریافت کمک/خدمات/بورسیه و بهره‌مندی از امکانات خوابگاه/ ویا اهدای کمک مالی) داشتند و در نقطه مقابل، درصد کسانی که گفتند هیچ رابطه‌ای با سازمان‌های جامعه مدنی ندارند ۷۷,۲ بود که رقم بزرگی است.

۶۷. با افزایش سطح تحصیلات و میزان درآمد، میزان تعامل افزایش می‌یابد:

در این میان تحصیلات و سطح درآمد تعیین‌کننده‌ترین عوامل از نظر سطح تعامل با جامعه مدنی بودند. در حالی که ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با درآمد خانوار زیر ۳۰۰۰۰ لیره هیچ ارتباطی با جامعه مدنی نداشتند، این میزان در درآمد خانوار بالای این میزان به ۶۲ درصد کاهش می‌یابد. به شکل مشابه، در حالی که ۸۱ درصد از پاسخ‌دهندگان با سطح تحصیلات زیر کاردانی هیچ ارتباطی با جامعه مدنی ندارند، این میزان در بین پاسخ‌دهندگان با سطح تحصیلات بالاتر از کاردانی به ۶۳,۲ درصد کاهش می‌یابد. میزان عضویت و فعالیت داوطلبانه در سازمان‌های جامعه مدنی در بین پاسخ‌دهندگان با مدرک کاردانی و بالاتر ۱۹,۴ درصد است، در حالی که این میزان در بین پاسخ‌دهندگان با مدرک کمتر از کاردانی به ۴,۶ درصد کاهش می‌یابد.

۷. حدود ۲,۵ میلیون نفر در ترکیه عضو دست کم یک انجمن یا بنیاد هستند:

طبق آخرین آمار «اداره کل روابط با جامعه مدنی»^{۶۷} وزارت کشور ترکیه در سال ۲۰۲۳ تعداد اعضای انجمن‌ها در این کشور تقریباً هشت میلیون نفر بود و طبق داده‌های «اداره کل اوقاف»، بنیادها در ترکیه تقریباً یک میلیون عضو حقیقی داشتند. اما تحقیق نشان می‌داد بسیاری افراد کنشگر در ترکیه در بیش از یک انجمن یا بنیاد عضو هستند. بنابراین شمار کسانی که در ترکیه حداقل عضو یک انجمن یا بنیاد هستند، در واقعیت از ۹ میلیون نفر (جمع دو عدد فوق) پایین‌تر خواهد بود. نظرسنجی تنها در میان افراد بالای ۱۸ سال انجام شد و طبق نتایج نهایی، نرخ اعضای سازمان‌های جامعه مدنی به کل جمعیت مشارکت‌کننده ۴۱ درصد بود. وقتی این نرخ را در جمعیت بالای ۱۸ سال در ۲۰۲۳ تقریباً ۶۰ میلیون نفر ضرب می‌کنیم، به رقمی حدود ۲,۵ میلیون نفر می‌رسیم که عضو یک یا چند سازمان جامعه مدنی هستند. این عدد ۲,۵ میلیون، تخمین واقع‌بینانه‌ای از سطح سازماندهی در جامعه مدنی ترکیه را نشان می‌دهد.

۸. تعامل اکثریت با سازمان‌های جامعه مدنی به کمک‌های مالی از طریق پیامک محدود می‌شود:

از مصاحبه‌شوندگانی که گفتند نوعی تعامل با سازمان‌های جامعه مدنی دارند، سوالات بیشتری پرسیده شد تا ماهیت تعامل آنها بهتر درک شود. معلوم شد که عمده این تعامل، کمک مالی از طریق پیامک تلفنی است (۴۶,۵٪) و تعامل در شبکه‌های اجتماعی (۳۴,۸٪)، خرید محصولات (۲۹,۲٪)، حمایت از جمع‌آوری کمک‌های مالی (۲۶,۳٪) و شرکت در راهپیمایی یا طومارنویسی (۱۵,۲٪) در رده‌های بعدی قرار دارند. شیوع کمک مالی از طریق پیامک به‌طور خاص در کارزارهای کمک به زلزله‌زدگان قهرمان‌مرعش در فوریه ۲۰۲۳ به‌واسطه سازمان‌هایی چون هلال احمر یا احبای قابل مشاهده بود. رسانه‌های اجتماعی مؤثرترین کانال ارتباطی با سازمان‌های جامعه مدنی به ویژه برای قشر جوان جامعه هستند. چون تعامل در درجه اول از طریق اهدای مالی یا دریافت کمک محقق می‌شود، در میان فعالیت‌های مرتبط با سازمان‌های جامعه مدنی که پاسخ‌دهندگان از آنها خبر دادند، امدادسانی و فعالیت خیریه به‌طور قابل توجهی برجسته است.

67. General Directorate of Relations with Civil Society

۹۷.۱۲.۵ درصد جمعیت از عضویت در انجمن‌ها یا بنیادها می‌ترسند.

وقتی از دو هزار و ۸۱۴ نفر که گفتند عضو یا کنشگر هیچ انجمنی نیستند (فارغ از اینکه ارتباطی با جامعه مدنی داشتند یا نه) در مورد دلایل این امر سؤال شد، رایج‌ترین پاسخ این بود: «من وقت لازم برای اختصاص به چنین فعالیت‌هایی را ندارم» (۵۰٪). پس از آن «من توان مالی لازم برای اختصاص دادن به چنین فعالیت‌هایی را ندارم» (۱۶٪) قرار داشت. همچنین ۱۲.۵ درصد از شرکت‌کنندگان گزینه «من از شرکت در چنین فعالیت‌هایی می‌ترسم» را انتخاب کردند که این رقم بین شرکت‌کنندگان زیر ۳۵ سال حدود ۱۵ درصد بیشتر بود. انجمن‌ها طبق قانون ترکیه موظف هستند اعضایشان را به «اداره کل روابط با انجمن‌ها» در وزارت کشور گزارش دهند و زیر نظر دولت هستند. می‌توان نتیجه گرفت که الزام به گزارش اعضای جدید به وزارت کشور، نوعی بی‌میلی یا ترس برای عضویت در آنها، به‌ویژه میان جوانان ایجاد کرده است. آنها در فرهنگی دولت‌گرا نگرانند با عضویت در سازمانی که شاید زمانی مغضوب دولت واقع شود، از داشتن شغل یا امکانات در آینده محروم شوند.

۱۰۷. چطور می‌شود اعتماد به جامعه مدنی را افزایش داد؟

برای درک اینکه چه کاری می‌توان انجام داد تا مردم تمایل بیشتری به همکاری با جامعه مدنی داشته باشند، از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد: «تحت چه شرایطی احتمال بیشتری وجود دارد که در فعالیت‌های سازمان‌های جامعه مدنی شرکت کنید؟» رایج‌ترین پاسخ (۲۰٪) این بود: «دانستن این که آن سازمان کمک مالی مرا واقعاً در راستای اهداف مدنی مصرف می‌کند [و نه خرج مصارف دیگری]». تأثیربخشی، یعنی «دانستن این که کمک من نتیجه ملموسی خواهد داشت» و «دریافت اطلاعات دقیق در مورد آن چه سازمان مزبور تاکنون انجام داده» مشترکاً در رتبه‌ی دوم (۱۸٪) قرار داشتند.

۱۱۷. انتظار دارید جامعه مدنی در چه حوزه‌هایی بیشتر فعال باشد؟

وقتی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که ترکیه در کدام حوزه‌ها به سازمان‌های جامعه مدنی بیشتر نیاز دارد، پاسخ‌ها به ترتیب عبارتند بودند از: مبارزه با فقر (۳۶٪)، آموزش (۳۲٫۵٪)، خدمات بهداشتی (۲۲٪)، توانمندسازی زنان (۱۸٫۹٪) و توانمندسازی جوانان (۱۸٫۶٪). پس از آن حقوق و آزادی‌های اساسی با ۱۷ درصد، و محیط زیست با ۱۶٫۱ درصد برجسته بود. انتظار کلی بر این بود که جامعه مدنی در حوزه‌هایی که حکومت در آنها کوتاهی می‌کند، فعالیت جدی داشته باشد. اینکه مبارزه با فقر در صدر فهرست قرار دارد، شگفت‌آور نیست و می‌توان آن را به این واقعیت نسبت داد که درآمد ماهانه خانوار ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳۰ هزار لیره است. کلا ترکیه پس از دوران کرونا تا امروز شرایط اقتصادی سختی را خصوصاً برای اقشار ضعیف جامعه تجربه می‌کند.

البته در میان مصاحبه‌شوندگانی که درآمد خانوار ماهیانه آنها نسبت به حد ۳۰ هزار لیره بالا بود، انتخاب گزینه فقر به ۲۸٫۲ درصد کاهش می‌یابد. در میان مصاحبه‌شوندگان با تحصیلات کاردانی و بالاتر، انتخاب گزینه آموزش با ۳۸٫۶ درصد بالاتر از دیگر موارد قرار داشت که توجه سنتی طبقه متوسط ترکیه به امر آموزش را نیز نشان می‌دهد؛ در حالیکه در میان افراد با مدرک پایین‌تر از کاردانی، مبارزه با فقر با ۳۸ درصد در رده اول قرار گرفت.

۱۲۷. ارزیابی تاثیر جامعه مدنی در سطح محلی و ملی:

برای درک تاثیر سازمان‌های جامعه مدنی در سطوح محلی و ملی از مصاحبه‌شوندگان دو سؤال جداگانه پرسیده شد. سؤال اول برای درک تاثیر محلی از این قرار بود: «به میزان اثربخشی سازمان‌های جامعه مدنی در حل مشکلات محله و منطقه زندگی خود نمره دهید». در پاسخ به این درخواست تقریباً ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان گزینه «کاملاً بی‌اثر» یا «تاثیر محدود» را انتخاب کردند (که رقم بالایی است). سؤال دوم برای درک تاثیر ملی - این بود: «به میزان تاثیر سازمان‌های جامعه مدنی در سیاست‌گذاری‌های حکومت در سطح کشوری و ملی نمره دهید». در پاسخ به این پرسش دوم ۷۳ درصد گزینه «کاملاً بی‌اثر» یا «تاثیر محدود» را انتخاب کردند (که باز رقم بزرگی است).

نمونه سازمان‌های مدنی غیرسیاسی بسیار موفق در ترکیه

۱. انجمن کمک‌رسانی احباب^{۶۸}

انجمن احباب یک سازمان غیردولتی و مستقل است که هنرمند مشهور، هالوک لونت، بر اساس ارزش‌هایی مانند مدد‌رسانی اجتماعی، همبستگی و بخشش در ۲۰۱۷ تأسیس کرد. این سازمان شهرت و محبوبیت زیادی در ترکیه، به‌ویژه در میان ۵۰ درصد^{۶۹} جمعیت مخالف ائتلاف حاکم آک‌پارتی- حرکت ملی‌گرا دارد، به‌نحوی که گاه فعالیت‌های آن را در حوزه‌ی کمک‌رسانی با نهاد دولتی هلال‌احمر ترکیه با بودجه هنگفت دولتی مقایسه می‌کنند. از معروف‌ترین فعالیت‌های احباب واکنش گسترده آن به زلزله بزرگ ۶ فوریه ۲۰۲۳ بود. احباب با همکاری هزاران داوطلب در سراسر ترکیه، پروژه‌های مختلف «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» (سوسیال سوروملولوک)^{۷۰} را پیش می‌برد. این سازمان از طریق چنین پروژه‌هایی، در فعالیت‌هایی با هدف رفع نیازهای اجتماعی شرکت می‌کند و به دنبال دسترسی به همه اقشار جامعه است. در وبسایت احباب در توضیح آن آمده است: «این انجمن در طیف گسترده‌ای از امور از آموزش و بهداشت گرفته تا حفاظت از محیط زیست و کمک‌های بشردوستانه خدمات ارائه می‌دهد و دست یاری به سوی افراد و یا اجتماع‌های نیازمند دراز می‌کند. ارزش‌های احباب شامل همبستگی (دایانیشما)، نیکوکاری، شفافیت و اعتماد است و تمام کارهای آن مطابق با این ارزش‌ها پیش برده می‌شود.»

انجمن احباب به‌خصوص در مواقع بحران‌هایی مانند بلایای طبیعی، آتش‌سوزی و سیل به سرعت خود را سازماندهی می‌کند، و لوازم ضروری مانند غذا، سرپناه و تجهیزات پزشکی را به مناطق نیازمند تحویل می‌دهد. نقطه قوت احباب شبکه قوی داوطلبان این انجمن است و سازماندهی مؤثر آن از طریق پلتفرم‌های دیجیتال. به لطف حضور فعال در پلتفرم‌های دیجیتال، احباب در مدت زمان کوتاهی به مخاطبان زیادی دسترسی پیدا کرد. توانایی احباب در دسترسی سریع به مناطق آسیب‌دیده و سازماندهی مؤثر از طریق شبکه‌های اجتماعی، احباب را به یک سازمان امدادی عمده در مواقع بحران ترکیه تبدیل کرده است. هدف احباب همچنین افزایش آگاهی اجتماعی از طریق پروژه‌هایی است که همبستگی را تشویق می‌کنند.

68. https://ahbap.org/ahbap-nedir?srltid=AfmBOoowFqrFT_daBVDxoEE96t34wo-yukMOq3Rm2bdx-7lkRmxVOKNP_

69. این رقم ۵۰ درصد بر اساس نتایج آخرین انتخابات‌های ریاست‌جمهوری و شهرداریها و نیز نظرسنجی‌های مکرر در ترکیه گفته می‌شود.

70. sosyal sorumluluk

۲. بنیاد لوسو برای رسیدگی به کودکان مبتلا به سرطان خون

بنیاد خیریه لوسو (به ترکی: لوسمیلی چوقوقلار ساغلیق و ایغتیم وقفی)^{۷۱} یک بنیاد غیرانتفاعی برجسته ترکیه‌ای است که در سال ۱۹۹۸ تاسیس شد و هدف آن برآورده کردن تمام نیازهای کودکان مبتلا به سرطان خون (لوکمیا)، و خانواده‌های آنها در بهداشت و درمان، آموزش، حمایت روانی و کمک مالی است. این سازمان از موفق‌ترین و تاثیرگذارترین سازمان‌های مدنی ترکیه است. لوسو بنیادی پیشرو است که می‌خواهد به کودکان مبتلا به سرطان خون «امید بدهد» و کیفیت زندگی آنها را بهبود بخشد. این بنیاد، اولین و تنها بیمارستان خصوصی ترکیه را برای کودکان مبتلا به سرطان خون تاسیس کرد و پروژه‌های متعددی را از جمله مدارس ارائه‌دهنده آموزش رایگان^{۷۲} و دهکده خیریه کودکان مبتلا به لوکمیا با هدف رسیدگی به نیاز مسکن و حمایت اجتماعی این دست از کودکان اجرا کرده است. به صورت فهرست‌وار، مأموریتی که لوسو برای خویش در کمک به کودکان سرطانی تعریف کرده، شامل موارد زیر است:

- ✎ **حمایت بهداشتی:** ارائه درمان و پشتیبانی رایگان در بیمارستان.
 - ✎ **حمایت آموزشی:** ارائه مدارس و بورسیه‌های تحصیلی برای اطمینان از عدم وقفه در تحصیل کودکان.
 - ✎ **حمایت مالی:** ارائه غذا، پوشاک، سرپناه و کمک‌های نقدی به خانواده‌های نیازمند کودکان سرطانی.
 - ✎ **حمایت روانی:** ارائه حمایت اخلاقی و روانی به کودکان و خانواده‌هایشان.
 - ✎ **افزایش آگاهی:** افزایش آگاهی عمومی در مورد سرطان خون است.
- خدمات اصلی ارائه‌شده از سوی لوسو شامل این موارد است:
- ✎ **بیمارستان:** اولین و تنها بیمارستان منحصر به کودکان مبتلا به سرطان خون.
 - ✎ **دهکده کودکان:** مرکزی برای اسکان رایگان کودکان و مادرانشان از شهرهای مختلف.
 - ✎ **مراکز آموزشی:** مهدکودک‌ها، مدارس ابتدایی و کالج‌هایی که آموزش رایگان به کودکان مبتلا به سرطان خون ارائه می‌دهند.
 - ✎ **فروشگاه صنایع دستی:** فروشگاه‌هایی که صنایع دستی و محصولات تولیدشده به دست جوانان و مادرانی را که دوره درمان را به پایان رسانده‌اند، می‌فروشند و به نوعی فرصت‌های شغلی فراهم می‌کنند.

71. LÖSEV - Lösemili Çocuklar Sağlık ve Eğitim Vakfı

72. <https://www.losevokul.k12.tr/#>



۳. بنیاد یشیل‌آی^{۷۳}

یشیل‌آی یک سازمان مدنی بهداشت عمومی معتبر در ترکیه است که با اعتیاد به الکل، سیگار، مواد مخدر، قمار و اخیراً فناوری مجازی مبارزه می‌کند و هدف آن محافظت از جامعه و جوانان در برابر آسیب‌ها در این زمینه است.

یشیل‌آی به همه کسانی که با اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کنند، خدمات پیشگیری، اطلاع‌رسانی و توانبخشی ارائه می‌دهد. دکتر مظهر عثمان و دیگر روشنفکران خیر این بنیاد را که عمری تقریباً به اندازه عمر جمهوری ترکیه دارد، در پنجم مارس ۱۹۲۰ با نام «هلال اخضر» [هلال سبز] در استانبول تأسیس کردند. با گذشت زمان، حوزه‌های کاری این نهاد گسترش یافت و امروز علاوه بر الکل و دخانیات، اعتیاد به مواد مخدر، قمار، و اینترنت و فناوری را نیز شامل می‌شود.

یشیل‌آی از طریق برنامه آموزشی مبارزه با اعتیاد ترکیه، می‌کوشد میلیون‌ها دانش‌آموز و بزرگسال را آگاه کند. این نهاد از طریق مرکز مشاوره خود با نام «یدم»^{۷۴} پشتیبانی روانی، اجتماعی و توانبخشی رایگان را به افراد معتاد و خانواده‌هایشان ارائه می‌دهد. این سازمان همچنین پروژه‌های حفاظت و پیشگیری^{۷۵} مختلفی را برای کاهش خطر اعتیاد انجام می‌دهد. به طور خلاصه، یشیل‌آی یکی از مؤثرترین سازمان‌های ترکیه است که با اعتیاد مبارزه می‌کند.

73. <https://www.yesilay.org.tr/kurumsal/amacimiz-faaliyetlerimiz/>

74. Yeşilay Danışmanlık Merkezi (YEDAM)

75. Koruma ve Önleme

چالش نامین منابع مالی برای جامعه مدنی^{۷۶}

در ترکیه، مانند همه جای دنیا، واقعیت‌های اقتصادی نقش عمیقی در شکل‌دهی به سازمان‌های جامعه مدنی و تعیین میزان اثربخشی گروه‌ها دارند. در کنار محدودیت‌های سیاسی و قانونی، نیاز به تأمین مالی خود می‌تواند به یک مسأله سیاسی بدل شود و سازمان‌های مدنی را در برابر فشار گروه‌های بیرونی و حکومت آسیب‌پذیر کند. بالابردن ظرفیت تأمین مالی داخلی نیز به نوبه خود فرصت‌هایی را برای جامعه مدنی در محیط‌های بسته و استبدادی فراهم می‌کند.

به دلیل محدودیت در منابع مالی داخلی، به‌خصوص برای سازمان‌های مدنی غیروابسته به حاکمیت، منابع مالی بین‌المللی نقشی حیاتی در پشتیبانی از فعالیت‌های جامعه مدنی در ترکیه ایفا می‌کنند به‌ویژه برای گروه‌های کوچک‌تری که بر حقوق بشر، دموکراسی و سیاست‌گذاری در این زمینه متمرکزند. از آنجا که ترکیه از انتهای دهه ۹۰ میلادی نامزد پیوستن به اتحادیه اروپاست، در میان کمک‌کنندگان مالی بین‌المللی به سازمان‌های مدنی در ترکیه، اتحادیه اروپا مهم‌ترین بازیگر است و کمک‌های مالی‌اش به جامعه مدنی ترکیه برای رشد کلی جامعه مدنی و خصوصاً بقای بسیاری از سازمان‌های مدافع حقوق بنیادین در حوزه‌های حساس سیاسی و اجتماعی، حیاتی بوده است.

از سال ۲۰۰۸ و به‌واسطه اصلاحات مقدماتی مرتبط با پیوستن به اتحادیه اروپا، این اتحادیه کمک‌های مالی مستقیمی را به مردم و کارآفرینان و نیز به مروجان دموکراسی در ترکیه ارائه کرده است.

اتحادیه اروپا در چارچوب برنامه «مقدمات پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا»^{۷۷}، بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، ۴٫۴۵ میلیارد یورو به ترکیه اختصاص داد که ۱٫۵۸ میلیارد یورو از آن برای دموکراسی، حکمرانی و حاکمیت قانون در نظر گرفته شده بود. بخشی از این رقم از طریق مکانیزم‌های جامعه مدنی توزیع شد و به رشد سرمایه انسانی آن از طریق آموزش و برنامه‌های تبادل تجربه و دانش بین سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه با کشورهای غربی و سایر مکانیزم‌ها و برنامه‌های مرتبط اختصاص یافت. بخشی دیگر نیز به پروژه‌های تقویت ظرفیت نهادها و خدمات عمومی دولت در راستای دموکراسی اعطاء شد.

۷۶. «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، صص. ۲۰-۱۸.

طبق گزارش مرکز مطالعات سیاست‌گذاری استانبول مستقر در دانشگاه سابانجی، بقیه این ۴,۴۵ میلیارد یورو برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۲۰ بین بخش‌های زیر تقسیم شدند: محیط‌زیست و اقدام اقلیمی ۶۴۴ میلیون یورو؛ ترابری (شبکه‌ها، ریلی، ایمنی جاده) ۴۴۲ میلیون یورو؛ رقابت‌پذیری و نوآوری (صنعت/کسب‌وکار/تکنولوژی) ۳۴۴ میلیون یورو؛ کشاورزی و توسعه روستایی ۹۲۲ میلیون؛ آموزش، سیاست‌های اجتماعی و اشتغال ۴۳۵ میلیون یورو.^{۷۸}

برای کشوری که در تاریخ خود به کرات با رشد اقتصادی کند و بیکاری بالا روبه‌رو بوده است، این ارقام کمک خارجی بی‌اهمیت نیستند. این جریان سرمایه از سوی اتحادیه اروپا هم یک منبع مالی حیاتی برای جامعه مدنی ترکیه است، و هم به دلیل اختصاص بودجه به سایر حوزه‌ها و، به واسطه ایجاد اشتغال، افزایش فعالیت اقتصادی داخلی و رشد سرمایه انسانی اثرات اقتصادی گسترده‌تری نیز دارد.

در ترکیه همچنین برخی سازمان‌های مدنی و اوقاف برجسته و تاثیرگذار از دوران جمهوریت وابسته به خانواده‌های میلیاردر (همچون کوچ، سابانجی، و موارد مشابه) و شرکت‌های متعلق به آنها در بخش خصوصی باقی مانده‌اند. با این حال در سال‌های اخیر برخورد حکومت با سرمایه‌داران منتقد یا حامی اپوزیسیون (برای نمونه عثمان کاوالا، ثروتمند حامی مالی اعتراضات پارک گزی که پس از هشت سال کماکان زندانی است)^{۷۹} امکان مانور در این زمینه را در مورد سازمان‌های مدنی فعال در زمینه حقوق بشر و مرتبط با سیاست در ترکیه محدود کرده است.

مطابق تحقیقی که «بنیاد سپهر سوم ترکیه» (توسو) در ۲۰۱۵ منتشر کرد، مجموع کمک‌های مالی به بنیادها و انجمن‌های ترکیه در سال ۲۰۱۳ یکی از نقاط اوج آزادی جامعه مدنی این کشور تا پیش از سرکوب گزی حدود سه تا ۳,۵ میلیارد دلار آمریکا (با نرخ ارز آن زمان، کمی بیش از ۷,۱ میلیارد لیر ترکیه) بود. این کمک‌ها حدود ۴۰ درصد از درآمد انجمن‌ها و نیز درآمد بنیادهای ترکیه را تشکیل می‌دادند و به نظر می‌رسد در آنها کمک‌های خارجی و بین‌المللی هم لحاظ شده باشد.^{۸۰}

۷۸. «گرایش‌ها به جامعه مدنی در ترکیه»، ص. ۲۰-۱۸؛ و نیز

Richard Youngs and Müjge Küçükkeleş, "New Directions for European Assistance in Turkey" (Istanbul, Turkey: Istanbul Policy Center, 2017), p. 5, <https://share.google/AlgCN3BXR6jaZjzns>
79. "Cezaeindeki sekizinci yıl dönümünde Osman Kavala için adalet çağırısı", T24, 1st Nov 2025; <https://t24.com.tr/haber/aralarinda-cemil-cicek-abdullah-gul-orhan-pamuk-ve-pek-cok-hukukcu-var-cezaevinde-ki-sekizinci-yil-donumunde-osman-kavala-ya-destek-mesajlari,1272485>

80. Türkiye Üçüncü Sektör Vakfı—TUSEV

برای توضیح بیشتر بنگرید به مجموعه گزارش‌هایی که از سوی بنیاد سکتور سوم ترکیه (TUSEV) هر سال منتشر می‌شود. منظور از سکتور یا سپهر سوم، جامعه مدنی است که میان دو سپهر حکومت و بخش تجاری انتفاعی قرار دارد. برای گزارش مربوط به ۲۰۲۴ توسو در مورد وضعیت جامعه مدنی ترکیه بنگرید به:

<https://tusev.org.tr/sivil-toplum-icin-elverisli-ortam-izleme-matrisi-2024-turkiye-raporu-yayinda/>
Ali Çarkoğlu and S. Erdem Aytaç, "Individual Giving and Philanthropy in Turkey" (Istanbul, Turkey: Third Sector Foundation of Turkey, 2016).



در سال ۲۰۱۴، میزان کل کمک‌های خیریه در ترکیه حدود ۰٫۸ درصد از تولید ناخالص ملی کشور را تشکیل می‌داد که هنوز رقم قابل توجهی است، چرا که نسبت کمک‌های خیریه به درآمد ناخالص ملی در اروپا ۰٫۲ درصد و در ایالات متحده ۱٫۵ درصد است. ترکیه از این جهت نزدیک به مقیاس جهانی قرار داشت.

با این حال، بخش مهمی از کمک‌های خیریه از طریق سازمان‌های مدنی انجام نمی‌شود. در «شاخص جهانی بخشش»^{۸۱} مربوط به میزان بخشش به سازمان‌های مدنی و میزان ساعات داوطلبانه فعالیت در آنها، ترکیه در همان سال ۲۰۱۴ در رتبه پایین ۱۲۸ از ۱۳۵ کشور قرار داشت^{۸۲}. ریشه این تفاوت چیست؟

توضیح این موضوع را باید تا حدی در رواج پدیده‌های مذهبی «زکات» و «صدقه به فقرا» در ترکیه و جهان اسلام جست که به‌عنوان پدیده‌هایی سنتی عمدتاً از طریق جامعه مدنی رسمی در مقام پدیده‌هایی مدرن انجام نمی‌شود. پژوهش مرکز دین‌سنجی بین‌المللی پیو در ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از مسلمانان ترکیه^{۸۳} گفته بودند زکات پرداخت می‌کنند. ^{۸۴} همزمان ۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در این پژوهش گفته بودند که به دلیل بی‌اعتمادی به نحوه مصرف پول، به سازمان‌های جامعه مدنی کمک نمی‌کنند پدیده‌ای که شاید نشان بی‌اعتمادی به سازمان‌های مدنی در میان اقشار مذهبی ترکیه باشد. این نوع کمک‌ها معمولاً به‌صورت محلی و درون هر باهمستان خاص انجام می‌شوند و جایگزین اشکال رسمی‌تر و قابل اندازه‌گیری‌تر کمک‌های خیریه در کشورهای غربی و غیره با سازمان‌های مدنی خیریه می‌گردند.

81. World Giving Index

82. Charities Aid Foundation, "World Giving Index 2014"(2014)

۸۳. مسلمانان اکثریت مطلق جمعیت ترکیه را در قیاس با سایر ادیان تشکیل می‌دهند.

84. <https://www.pewresearch.org/religion/2012/08/09/the-worlds-muslims-unity-and-diversity-2-religious-commitment/>

فصل سوم

قوانین ناظر بر سازمان های جامعه مدنی در ترکیه



قوانین ناظر بر سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه

در این فصل به قوانین ناظر بر سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه در دوران حکمرانی حزب عدالت و توسعه (آک‌پارتی) می‌پردازیم. گفته شد دوران حکومت آک‌پارتی را می‌توان به دو دوره آغاز ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ (سالهای لیبرالیسم و شکوفایی اقتصادی) و ۲۰۱۳ و خصوصاً ۲۰۱۶ تا امروز (دوران اقتدارگرایی انتخاباتی، همراه با اتحاد آک‌پارتی و حزب حرکت ملی‌گرا [م‌پ]) تقسیم کرد.

مطابق نمودارهایی که در فصل اول آورده شد، در دوران حکمرانی ۲۵ ساله حزب عدالت و توسعه، عضویت و فعالیت «سازمان‌های جامعه مدنی» (از جمله انجمن، بنیاد و الخ) در ترکیه کمابیش ۵۰ درصد افزایش یافته است. شمار سازمان‌های جامعه مدنی ثبت شده از ۲۰۱۵ به بعد همواره بیش از ۱۰۰ هزار بوده که رقم بزرگی است. برای نمونه در ۲۰۱۵، نزدیک به ۱۱۰ هزار انجمن مدنی در ترکیه وجود داشت. این افزایش در درجه اول ناشی از رونق اقتصادی ترکیه و کوشش جدی برای ادغام بیشتر در اروپا در سال‌های آغازین آک‌پارتی بوده است و تاحدی نیز مرتبط با افزایش تعداد سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور، در کنار عوامل دیگر است. مطابق بررسی موسسه یادا (یکی از موسسات معتبر ترکیه در زمینه نظرسنجی جامعه مدنی) در سال ۲۰۱۵، تنها ۱٫۵ درصد در میان بیش از ۱۰۰ هزار انجمن ثبت شده، و تنها نیم‌درصد در میان پنج هزار بنیاد ثبت شده، در زمینه‌های مستقیمی حقوق بشری فعال بودند.^{۸۵} همین به نوبه خود فضای تاحدی غیرسیاسی جامعه مدنی ترکیه را نیز نشان می‌دهد.

با این مقدمه به توضیح قوانین ناظر بر سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه می‌پردازیم. دو «قانون انجمن‌ها» و «قانون بنیادها/اوقاف»، در کنار برخی قوانین دیگر بیشترین تأثیر را بر فعالیت جامعه مدنی در ترکیه داشته‌اند. به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ تغییراتی در قوانین انجمن‌ها و اوقاف ترکیه صورت گرفت که بعد از کاندیداتوری این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا و در راستای پذیرش استانداردهای اتحادیه اروپا رخ داد.

۸۵. بنگرید به: «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۱۰؛ به نقل از:

Yaşama Dair Vakıf (Yada Foundation), "Verilerle Sivil Toplum Kuruluşları" (Report on CSOs through Data), 2015.

مجموعه تغییرات جدید، کار را برای انجمن‌هایی راحت‌تر می‌کرد که بر پایه‌ی هویت‌های مذهبی یا قومی-فرهنگی تشکیل شده و در سال‌های گذشته با خطر تعطیلی بیشتری روبه‌رو بودند. در نتیجه، اصلاحات سازمان‌های مدنی که اهدافی آشکارا برآمده از اسلام سنی دارند، اکنون از سوی حکومت تحمل می‌شدند.

قانون شماره ۵۲۵۳ انجمن‌ها (نوامبر ۲۰۰۴) عملاً جایگزین قانون قدیمی شماره ۲۹۰۸ (مصوب ۱۹۸۳، دوره کودتا) شد. قانون جدید مفاد قانون ۱۹۸۳ را که برای دریافت کمک مالی خارجی یا همکاری با سازمان‌های خارجی نیاز به مجوز دولت وجود داشت حذف کرد، نیروهای امنیتی را ملزم به دریافت حکم قبل از بازرسی دفاتر انجمن‌ها کرد، و به سازمان‌های متنوع جامعه مدنی اجازه داد بتوانند پلتفرم‌ها یا ابتکارات موقتی را برای همکاری گسترده‌تر در مورد مسائل خاص تشکیل دهند. مطابق تغییرات جدید نظارت به‌جای پیشینی (قبل از فعالیت) به پسینی (بعد از تخلف) تبدیل شد. همچنین تشکیل سمن‌ها برای اقلیت‌ها و زنان تسهیل شد. حسابداری نیز طبق استانداردهای اتحادیه اروپا استانداردسازی شد و انجمن‌ها باید گزارش‌های مالی شفاف می‌دادند.

تصویب این قوانین در مجلس ترکیه در واقع بخشی از اصلاحات سیاسی برای پیوستن به «معیارهای کپنهاگ»^{۹۰} بود که بر آزادی اجتماعات و جامعه مدنی تأکید داشت. این بازنگری در هماهنگی با معیارهای اتحادیه اروپا و اصلاحات مرتبط با جامعه مدنی مورد نظر اتحادیه انجام می‌شد.^{۹۱} اصلاحات دهه ۲۰۰۰ در قانون انجمن‌ها (۲۰۰۴) و قانون بنیادها (۲۰۰۸) در حالی صورت می‌گرفت که ترکیه در ۱۹۹۹ به‌عنوان «کاندیدای رسمی اتحادیه اروپا» پذیرفته شده بود و اصلاحات قانونی بخشی از روند دموکراتیزاسیون و همگرایی با اتحادیه اروپا بودند.^{۹۲}

تصویب قانون جدید انجمن‌ها در مجموع حرکتی به سمت کمترکردن فشار دولت بر جامعه مدنی بود. نتیجه این تحولات آن بود که در فاصله ۲۰۰۲ تا امروز، تعداد سازمان‌های مدنی ثبت‌شده در ترکیه بیش از دو برابر شده است.

90. Copenhagen Criteria

۹۱. درهای اتحادیه اروپا در آن ایام بر روی اعضای جدید گشوده بود. جمهوری قبرس (بخش جنوبی که در کنترل ترکیه نیست) در همسایگی ترکیه و تعداد زیادی از کشورهایی که در ایام جنگ سرد جزو بلوک شرق بودند، شامل لهستان، جمهوری چک، اسلواکی، لیتوانی، لاتویا. . . . یک سال قبل به اتحادیه اروپا پیوسته بودند و بحث‌های جدی درباره پیوستن ترکیه به اتحادیه در صورت اصلاحات (و البته موافقت قدرت‌های بزرگ اتحادیه اروپا چون آلمان و فرانسه و غیره) مطرح بود.

۹۲. بنگرید به: «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، صص. ۱۱-۱۲.

وضعیت عام‌المنفعه (کامو یارارینا)

انجمن‌های عام‌المنفعه در ترکیه مانند سایر نقاط جهان از نظرمالیات و قدرت جمع‌آوری کمک در مقایسه با سایر انجمن‌ها از امتیازاتی برخوردارند. مثلاً کمک‌های مالی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به انجمن‌های عام‌المنفعه پنج تا ۱۰ درصد (بسته به میزان توسعه‌یافتگی منطقه در ترکیه) تخفیف مالیاتی دارد.

بند ۲۷ «قانون انجمن‌ها» و نیز بندهای ۴۸ تا ۵۲ «آیین‌نامه انجمن‌ها»^{۹۳} (قانون شماره ۲۵۷۷۲) وضعیت و معیارهای امتیازات «انجمن‌های عام‌المنفعه»^{۹۴} در ترکیه را تعریف می‌کنند. طبق بند ۲۷ قانون انجمن‌ها، وضعیت عام‌المنفعه از سوی «هیئت دولت» اعطا می‌شود، یعنی رئیس‌جمهوری (یا پیمس از او نخست‌وزیر) و هیئت دولت باید در زمینه اعطای این عنوان تصمیم بگیرند. این شیوه مرکزگرایانه است.

«قانون جمع‌آوری کمک‌های مالی»^{۹۵} در ترکیه سازمان‌های جامعه مدنی را ملزم می‌کند تا برای هر فعالیت جدید جمع‌آوری کمک، مجوزی از نماینده دولت مرکزی دریافت کنند فرایندی بروکراتیک و خسته‌کننده که ممکن است با رد مواجه شود. به دلیل نحوه محاسبه مالیات بر درآمد در ترکیه، برای کارمندان کمک‌های مالی به موسسات خیریه مشمول معافیت مالیاتی نمی‌شوند و در نتیجه در مقایسه با مثلاً ایالات متحده، یک منبع کمک‌های خیریه حذف می‌شود.

از سوی دیگر، در ترکیه کل بستر اقتصادی‌ای که سازمان‌های جامعه مدنی در آن فعالیت می‌کنند به شدت سیاسی‌سازی شده است. همان‌طور که اشاره شد، طبق بند ۲۷ «قانون انجمن‌ها»، هیئت وزیران و کابینه (امروز با ریاست اردوغان به عنوان رئیس قوه مجریه) تعیین می‌کند کدام سازمان‌ها از وضعیت «عام‌المنفعه» برخوردار باشند و در نتیجه واجد معافیت مالیاتی گردند. از نظر منتقدان تصمیم‌گیری حاکمیت در این زمینه سیاسی است و لزوماً منصفانه نیست. تعداد «انجمن‌های عام‌المنفعه» به رسمیت شناخته‌شده از سوی دولت در قیاس با تعداد کل انجمن‌ها در ترکیه ناچیز است.

93. DERNEKLER YÖNETMELİĞİ

94. Kamu yararına çalışan dernekler- public benefit association

95. Aid Collection Law No. 2860: <https://share.google/TIDIQ4C3XRuKTbfWp>

AID COLLECTING PERMIT <https://altintas.av.tr/en/blog/aid-collecting-permit>

و نیز:

در سال ۲۰۱۴، تنها ۲۵۸ بنیاد از میان چهار هزار و ۷۸۱ بنیاد موجود در ترکیه آن زمان (حدود پنج درصد از کل) و فقط ۳۹۵ انجمن از میان حدود ۱۱۰ هزار انجمن (کمتر از نیم درصد از کل) توانستند این وضعیت را کسب کنند و طبق آمار ۲۰۱۹ تنها ۰,۳۳ درصد (۳۸۴ مورد از حدود ۱۱۴ هزار انجمن ثبت شده) را تشکیل می‌دادند. طبق لیست ۲۰۲۵ اداره کل روابط با جامعه مدنی در حال حاضر ۳۶۵ انجمن عام‌المنفعه در ترکیه وجود دارد که نسبت به سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ اندکی کاهش نشان می‌دهد.^{۹۶}

بر اساس این آمار، چنان‌که در فصل قبل نیز اشاره شد، تنها شمار اندکی سازمان مدنی بسیار بزرگ در ترکیه بیشترین بهره را از عنوان «عام‌المنفعه» می‌برند.

برخی سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور نیز از وضعیت قانونی «عام‌المنفعه» برخوردارند. این وضعیت به آنها اجازه می‌دهد که از منابع گوناگون آزادانه کمک مالی معاف از مالیات جمع‌آوری کنند. حکومت ائتلافی حاکم بر ترکیه تمایل دارد از سازمان‌هایی حمایت کند که از نظر ایدئولوژیک با آن هم‌سوئی دارند. به علاوه، آنکارا سازمان‌هایی را که خدمات‌محور و غیرسیاسی هستند، بر سازمان‌های متمرکز بر حقوق بشر و مطالبه‌گری سیاسی، اجتماعی، حقوقی ترجیح می‌دهد. (برای توضیح بیشتر بنگرید به فصول آینده)

نتیجه آنکه انجمن‌ها و بنیادهایی که از مزایای اقتصادی مالیاتی عنوان «عام‌المنفعه» بهره‌مند هستند، در چهار دهه اخیر ترکیه تغییر کرده‌اند. اگر پیش از عدالت و توسعه گروه‌های سکولار بیشتری می‌توانستند از این عنوان بهره‌مند شوند، اکنون با گذر زمان برخی از آن سازمان‌ها جای خود را به گروه‌های جدیدتری داده‌اند که ایدئولوژی محافظه‌کارانه مشترکی با حاکمیت جدید دارند.

همچنین دولت می‌تواند به سازمان‌های مدنی وضعیت خاصی اعطا کند که آن‌ها را از الزام اطلاع‌رسانی قبلی برای فعالیت‌های جذب کمک معاف می‌کند. چنین سازمان‌هایی می‌توانند بدون نیاز به مجوز دولتی، کمپین‌های فوری جمع‌آوری کمک را به صورت آنلاین یا تلفنی راه‌اندازی کنند. در مه ۲۰۱۷، تنها ۱۹ سازمان دارای این وضعیت در ترکیه بودند؛ آن تعداد هم به جز چند نهاد خیریه غیرسیاسی قدیمی و یا بسیار شناخته‌شده مانند یونیسف، شامل چندین سازمان مدنی حکومت‌محور می‌شد. در سال ۲۰۲۵ این رقم به ۵۱ سازمان افزایش یافته است، هرچند تغییری کلی در ماهیت سازمان‌هایی که این وضعیت از طرف حاکمیت بدان‌ها اعطا می‌شود، در کار نیست.

96. Third Sector Foundation of Turkey (TUSEV), "Sivil Toplum İzleme Raporu 2013-2014"

آمار ۲۰۱۹ به نقل از «سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه»، ص. ۱۱۸؛ آمار ۲۰۲۵ به نقل از اینجا:

<https://www.siviltoplum.gov.tr/kamu-yararına-calisan-dernekler>



وقف انصار، تورکیه دیانت وقفی، و تورگو (تورکیه گنجلیک و اگیتمه وقفی)^{۹۷}، صاحب دانشگاه ابن‌خلدون) که در این لیست گزینش‌شده قرار دارند، همگی نزدیک به آک‌پارتی هستند.^{۹۸}

کمیسیون اروپا در گزارش خود از «پیشرفت ترکیه» در ۲۰۱۴، نقدهایی را به اختصاص بودجه عمومی برای جامعه مدنی از سوی دولت در ترکیه وارد کرد. به سبب اهمیت بحث و این‌که وضعیت از این نظر تغییری نکرده است، بخشی از این گزارش را می‌آوریم:

«ترکیه به جای تشویق تأمین مالی خصوصی داخلی سازمان‌های جامعه مدنی از طریق اقداماتی مانند مشوق‌های مالیاتی، مدیریت مالی آنها را از طریق الزامات حسابداری اغلب نامتناسب پیچیده کرده است. اختصاص بودجه عمومی برای سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه به اندازه کافی شفاف و قاعده‌محور نیست و [در عمل] معافیت مالیاتی و وضعیت عام‌المنفعه از سوی شورای وزیران و با استفاده از معیارهای نامشخص به تعداد بسیار محدودی از سازمان‌های جامعه مدنی اعطا شده است. در ترکیه اختصاص بودجه عمومی به جامعه مدنی از طریق وزارتخانه‌های دولتی... صورت می‌گیرد و به ندرت از طریق تخصیص کمک‌های بلاعوض یا قراردادهای خدماتی به سازمان‌های جامعه مدنی [که دست جامعه مدنی را در ارائه خدمات باز می‌گذارد و میدان بیشتری به استقلال آنها می‌دهد] رخ می‌دهد.»^{۹۹}

97. TÜRGEV- Türkiye Gençlik ve Eğitime Hizmet Vakfı

۹۸. «گرایش‌ها به جامعه مدنی در ترکیه»، ص. ۲۰-۱۸

99. European Commission, "Turkey Progress Report", October 2014, p. 13: https://enlargement.ec.europa.eu/turkey-progress-report-2014_en



تأثیر قانون ۷۲۶۲ ضدپولشویی

در ادامه، باید به بسته قانونی با عنوان «جلوگیری از تأمین مالی گسترش سلاح‌های کشتار جمعی» (قانون شماره ۷۲۶۲) اشاره کرد که به‌رغم ظاهرش، در محدودیت جامعه مدنی موثر بوده است.^{۱۰۰} این قانون در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۰ به مجلس ترکیه ارائه شد و در ۲۷ دسامبر ۲۰۲۰ -همزمان با همه‌گیری کرونا بدون هیچ بحث عمومی در یک روند سریع در پارلمان تصویب و از ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰ لازم‌الاجرا شد. این قانون، تغییراتی را در شش قانون جداگانه از جمله قانون جمع‌آوری کمک‌های مالی و «قانون انجمن‌ها» وارد کرد و کنترل دولت بر جمع‌آوری کمک‌های مالی به‌دست انجمن‌ها (از جمله از طریق اینترنت) را به میزان قابل توجهی افزایش می‌داد. این تغییرات در قانون انجمن‌ها برای تسهیل مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، ولی طبق رویه قانون‌گذاری سال‌های اخیر، بدون بحث در حوزه عمومی انجام شد. در این تحولات یک لایه امنیتی جدید به قانون انجمن‌ها افزوده شد که در عمل اختیارات دولت برای تعلیق مدیران انجمن‌ها را به بهانه مبارزه با تروریسم بیشتر کرده و موجب نگرانی بخش‌هایی از جامعه مدنی شده است. البته در صورت اجرای درست و عادلانه این قانون می‌توان شاهد پیشرفت در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و پولشویی با سوء استفاده از نام جامعه مدنی بود. دولت از توصیه‌های نهاد بین‌المللی «گروه ویژه اقدام مالی» (FATF)^{۱۰۱} به‌عنوان یکی از استدلال‌ها برای تصویب این قانون استفاده کرده است.

100. Law No. 7262 On The Prevention Of The Financing Of Proliferation Of Weapons Of Mass Destruction (Kitle Imha Silahlarının Yayılması Finansmanının Önlenmesi): <https://www.resmigazete.gov.tr/eskiler/2020/12/20201231M5-19.htm> ;

همچنین بنگرید به:

Turkey: law amendments stifle philanthropy", European Center for Non-Profit Law, 28-01-2021 <https://ecnl.org/news/turkey-law-amendments-stifle-philanthropy>

101. <https://www.fatf-gafi.org/en/home.html>

۲. قانون بنیادها (قانون اوقاف)

بنیادها بخشی مهم از جامعه مدنی در تعریف امروزی به عنوان «فضایی متمایز از فضای سیاسی» هستند. واژه‌ی vakıf وقف که صورت جمع آن evkaf (اوقاف) است در زبان ترکی مدرن معادل foundation در انگلیسی به کار می‌رود و معنی «بنیاد» می‌دهد.

اوقاف به شکل تاریخی در ترکیه به‌طور مشخص در دوران امپراتوری‌های سلجوقیان و عثمانی وجود داشتند. در دوران پیشامدرن وقف/بنیاد عمدتاً نهادی دینی-اجتماعی بود که اموالش برای امور خیریه یا مذهبی اختصاص یافته بود.

اداره‌ی وقف‌ها اغلب در دست علما یا متولیان محلی بود، اما دولت بر آنها نظارت عمومی داشت. همه‌چیز، از مدارس و بیمارستان‌ها تا چشمه‌ها و مساجد، می‌توانست «وقفی» باشد. اوقاف در جامعه آن زمان ترکیه اکثراً با انجمن‌های برادری و سازمان‌های مذهبی مرتبط بود، یکسری وظایف اقتصادی و اجتماعی در قالب خیریه انجام می‌داد، و در برقراری نوعی عدالت توزیعی و کاهش نابرابری درآمدی میان طبقات مردم نقش ایفا می‌کرد. ایده اصلی سیستم اوقاف، تبدیل اموال شخصی به وقف برای امور عام‌المنفعه بود. رسم بود سلاطین و بوروکرات‌های سطح بالا بخشی از اموال‌شان را وقف کنند. همین‌طور ممکن بود ثروتمندانی که از دین دیگری به اسلام گرویده بودند، بخشی از اراضی خویش را به وقف اهدا کنند تا در نظر سلطان اعتبار کسب کنند.

کاروانسراها در دوره سلجوقیان همچون در دوران وزارت جلال‌الدین قاراتای در قرن سیزدهم^{۱۰۲} - به‌عنوان موقوفات نقش مهمی در تأمین مسکن، غذا، خدمات بهداشتی، نظافت و سایر نیازهای مردم و دام‌هایشان داشتند؛ به‌ویژه برای مسافران. در امپراتوری عثمانی میزان کالاها و خدمات عمومی ارائه‌شده از سوی اوقاف در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، بهداشت، کارهای عمومی و تأمین اجتماعی افزایش یافت. تأمین‌کنندگان اصلی بیمارستان‌ها، مدارس، خانه‌های سالمندان و بسیاری از نهادهای اجتماعی دیگر در دوره عثمانی همین اوقاف بودند.^{۱۰۳} علاوه بر اوقاف مذهبی، نهادهای صنفی مدنی در حمایت از حقوق صنعتگران و پیشه‌وران نیز در دوره پیشامدرن ترکیه وجود داشتند.

102. <https://islamansiklopedisi.org.tr/celaleddin-karatay>

۱۰۳. بنگرید به:

Akman, A. (2018). "Eski Vakıflar Hukuku Bağlamında Vakıf Müessesesi ve Günümüzdeki Etkileri". Selçuk Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi, 26(2); Genç, M. (2014). "Klâsik Osmanlı Sosyal-İktisadî Sistemi ve Vakıflar". Vakıflar Dergisi, 42.

امراه آیهان نقش‌ها و خدمات اصلی اوقاف در امپراتوری عثمانی را چنین خلاصه می‌کند:

✍ ایجاد یک فضای منحصر به فرد غیرعمومی

✍ حفاظت از حقوق مالکیت در برابر حکومت مقتدر و استبدادی

✍ ارائه حمایت مالی برای افراد مسن و معلول

✍ ایجاد یک سیستم بیمه برای اصناف و کسبه

✍ ساخت پل‌ها، جاده‌ها، فانوس دریایی، بنادر، فواره‌ها و آب انبار.^{۱۰۴}

با تاسیس جمهوریت در سال ۱۹۲۳ و با سیاست سکولاریسم آتاتورک، نظام وقفی عثمانی که در بسیاری موارد ریشه‌های مذهبی داشت، منحل شد. قانون اوقاف (قانون بنیادها) شماره ۲۷۶۲ در ۱۹۳۵ تصویب شد و بر اساس آن، تمام وقف‌ها تحت نظارت «اداره کل اوقاف ترکیه»^{۱۰۵} قرار گرفت.

این قانون در ظاهر تفاوتی میان وقف‌های مسلمان و غیرمسلمان قائل نبود، اما به سبب تجربه خاص ترکیه در جنگ جهانی اول و جنگ با قدرت‌های مسیحی اروپا برای استقلال و تصور شکل‌گرفته از احتمال وفادار نبودن اقلیت‌های مذهبی به ترکیه و نیز حاکمیت ایدئولوژی ترک‌گرایی، اقلیت‌های مذهبی ارمنی، یونانی، یهودی عملاً در بسیاری موارد اجازه ثبت و مدیریت مستقل موقوفات‌شان را نداشتند. یکی از مشکلات ترکیه از زمان جمهوریت تا امروز عدم توجه کافی به لوازم برابری غیرمسلمانان و مسلمانان بوده است. برای مثال، دولت ترکیه پس از عملیات ۱۹۷۴ ارتش این کشور در شمال قبرس علیه جمعیت یونانی و به نفع ترک‌های قبرس در موارد متعددی املاک متعلق به جمعیت غیرمسلمان را «ضبط» کرد. این عملیات نظامی تنش‌گسترده‌ای بین یونانی‌تباران با ترک‌ها در خود ترکیه، همچون در قبرس، ایجاد کرد و این تنش تا به امروز کماکان کاملاً رفع نشده است.

البته با آغاز روند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ و اصلاحات مرتبط، ورق تاحدی برگشت و وضعیت اوقاف از جمله بنیادهای مربوط به اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان به یک مطالبه جدی در مذاکرات مرتبط با «آزادی مذهب و مالکیت» در ترکیه تبدیل شد. همین مطالبه بنیان قانون اوقاف بعدی شد.

مجلس ترکیه در فوریه ۲۰۰۸ قانون جدیدی با عنوان «قانون بنیادها»^{۱۰۶} شماره ۵۷۳۷، تصویب کرد که هدف آن هماهنگ کردن وضعیت حقوقی بنیادها و اوقاف با قانون در انجمن‌های مصوب ۲۰۰۴ و نیز به‌روزرسانی و مدرن‌سازی نظام وقف‌ها، همسو با معیارهای اتحادیه اروپا بود.

۱۰۴. بنگرید به: «سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه» (صص. ۹۹-۱۰۰)، به نقل از:

Çizakça, M. (2006). Osmanlı Dönemi Vakıflarının Tarihîsel ve Ekonomik Boyutları, Türkiye'de Hayırseverlik: Vatandaşlar, Vakıflar ve Sosyal Adalet Araştırması. İstanbul: TÜSEV Publications, pp. 22-23
105. Directorate General of Foundations (Vakıflar Genel Müdürlüğü)
106. Foundations Law

همان‌طور که بند یکم تصریح می‌کند، این قانون مشابه قوانین ناظر بر بنیادها در بسیاری دیگر از کشورها^{۱۰۷} برای تعیین قوانین و رویه‌های مربوط به مدیریت و نظارت بر بنیادها تهیه شده است «تا اطمینان حاصل شود که اموال منقول و غیرمنقول متعلق به بنیادها در داخل و خارج از کشور ثبت، حفاظت، و تعمیر و نگهداری می‌شوند؛ و تا اطمینان حاصل شود که دارایی‌های بنیاد به صورت اقتصادی مدیریت و بهره‌برداری می‌شوند.»^{۱۰۸}

قانون جدید بنیادها، وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های «اداره کل اوقاف ترکیه»^{۱۰۹} را تعریف می‌کرد.

طبق قانون جدید اقلیت‌های مذهبی دست‌کم روی کاغذ می‌توانستند املاکی را که قبل از ۱۹۷۴ (قبل از عملیات ترکیه در قبرس شمالی) در اختیار داشتند اما پس از آن دولت ضبط‌شان کرده بود، پس بگیرند، و یا اگر ملک‌شان فروخته شده یا از بین رفته باشد، خسارت مالی دریافت کنند. برخی نکات کلیدی مربوط به قانون ۲۰۰۸ (که مطالبه اتحادیه اروپا نیز بود)، از قرار زیر است:

✍ **به رسمیت شناختن اوقاف اقلیت‌های مذهبی (ارمنی، یونانی ارتدوکس، سریانی، یهودی و دیگران) برای نخستین بار به صورت روشن، به صورت «وقف جماعت‌ها»^{۱۱۰}.**

✍ **کاهش کنترل حکومت بر فعالیت‌های روزمره بنیادها: پیش از آن، هر وقفی برای کوچک‌ترین تصمیم (خرید، فروش، اجاره، تغییر مدیر) نیاز به اجازه دولت ترکیه داشت. قانون ۲۰۰۸ این الزامات را کاهش و اختیارات هیئت امنا را افزایش داد.**

✍ **التزام به شفافیت و گزارش‌دهی مالی: این که بنیادها صورت‌حساب‌های سالانه خود را به صورت شفاف ارائه دهند و حسابرسی‌های داخلی را مطابق الگوی قوانین جامعه مدنی در اروپا رعایت کنند.**

✍ **امکان همکاری بیشتر با نهادهای خارجی: بنیادها می‌توانستند راحت‌تر از قبل با نهادهای خارجی کار کنند، بودجه بگیرند، یا پروژه‌های مشترک انجام دهند.**

۱۰۷. بگرید به: «راهنمای قوانین و مقررات ناظر بر جامعه مدنی: به همراه مطالعه موردی هشت کشور اروپایی»، کنش آکادمی، زمستان ۱۴۰۳. فایل پی‌دی اف این اثر به همراه سایر منابع آموزشی تولید شده توسط کنش آکادمی قابل دانلود از وبسایت «اصل ۲۰» است:

<https://asl20.org/%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%86%D9%85%D8%A7%DB8%C-%D9%82%D9%88%D8%A7%D9%86%DB8%C%D9%86%-D9%88%-D9%85%D9%82%D8%B1%D8%B1%D8%A7%D8%AA%-D9%86%D8%A7%D8%B8%D8%B1%-D8%A8%D8%B1-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%-D9%85/>

108. Vakıflar Kanunu- Foundations Law

<https://www.vgm.gov.tr/about-us/about-us/the-regulation-for-foundations>

109. vakıflar genel müdürlüğü- Directorate General of Foundations <https://www.vgm.gov.tr/>

110. cemaat vakıfları- community foundations

قانون فوریه ۲۰۰۸ از جهاتی یکی از مهم‌ترین اصلاحات حقوقی ترکیه در زمینه آزادی نهادهای مدنی وقفی و به‌ویژه حقوق اقلیت‌های مذهبی در زمینه بنیادها بود. اتحادیه اروپا در «گزارش پیشرفت ۲۰۰۸»^{۱۱۱} خود از تصویب قانون ۲۰۰۸ استقبال کرد و آن را «گامی مهم به‌سوی احترام به آزادی دین و مالکیت» دانست؛ هرچند همزمان ابراز نگرانی کرد اجرای آن تحت تاثیر ملاحظات سیاسی-حزبی ناقص باقی بماند.

در نتیجه این قانون جدید در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ ده‌ها ملک به ارمنی‌ها، یونانی‌ها و یهودیان بازگردانده شدند. گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۲۰ می‌گوید هنوز ده‌ها ملک از اقلیت‌های دینی در انتظار بازگردانی است.^{۱۱۲} بعد از کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ و برقراری وضعیت فوق‌العاده برای دو سال، موج جدیدی از مصادره اموال مربوط به مخالفان، خصوصاً گولنیست‌ها، رخ داد.

تفاوت «سازمان دیانت» ترکیه در دوران آتاتورک و امروز

می‌توان تحولات نهادهای ترکیه در دوران زمامداری آک‌پارتی را «بازاسلامی‌سازی بوروکراسی» جمهوری نامید؛ یعنی نهادهای عمدتاً سکولار قدیمی، با حفظ ساختار اداری و حفظ نوعی لعاب ملی‌گرایانه، کارکردی اسلام‌گرایانه پیدا کرده‌اند. می‌توان این موضوع را در تحولات در اداره دیانت ترکیه مشاهده کرد که کارکردی مرتبط با اداره اوقاف و سایر نهادهای مدنی ترکیه دارد. قوانین «لغو خلافت» و «یکدستی آموزش» در فاصله کوتاهی از اعلام جمهوریت در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ وضع شدند که بر اساس آنها، در کنار تحولات گسترده در نظام آموزش و پرورش و نظام قضایی ترکیه، مدارس مذهبی متعلق به طریقت‌ها و شورای اوقاف شرعی دوره عثمانی منحل شدند. همزمان یک نهاد جدید برای اداره امور مذهبی با دستور آتاتورک تأسیس شد که در بسیاری کشورهای دیگر اسلامی سابقه نداشت؛ سازمان دیانت^{۱۱۳}. این نهاد در کنار دیگر نهادهای تأسیس‌شده در دوره آتاتورک همچون «اداره کل اوقاف» امروزهم در ترکیه وجود دارند، اگرچه کارکرد و عملکردشان متحول شده است.

هدف آتاتورک از ایجاد سازمان دیانت، «کنترل اسلام» در خدمت جمهوری تازه‌تأسیس سکولار بود، و نه ترویج دین. هدف بنیان جمهوری از تأسیس اداره دیانت در جامعه مذهبی و سنتی ترکیه، کاهش نفوذ علما، جماعت‌ها و طریقت‌های مذهبی بود. در بازه‌ی زمانی ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰، یعنی در دوره حکومت تک‌حزبی جمهوری خواه خلق (به‌جز پنج سال آخر) بودجه دیانت بسیار اندک بود (کمتر از ۰/۱ درصد بودجه کل کشور) و دین از سیاست و آموزش جدا نگه داشته می‌شد.

111. Progress Report 2008

112. US State Dept 2020

113. Diyanet İşleri Başkanlığı



نقش سازمان دیانت با روی کار آمدن حزب دموکرات و نخست‌وزیری عدنان مندرس (۱۹۵۰-۱۹۶۰) و سپس دیگر دولت‌های احزاب راست‌گرا (دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ میلادی) و در نهایت، زمامداری آک‌پارتی از ۲۰۰۲ به این سو، به تدریج هرچه بیشتر تقویت شد. در این سال‌ها، آموزش دینی که در قالب مدرسه‌های قدیمی برای طلبه‌ها ممنوع شده بود، این بار در چارچوب مدرسه‌های موسوم به «امام-خطیب» احیا شد؛ مدرسه‌هایی که در اصل برای تربیت امام جماعت بودند. با این حال، دیانت تا پیش از حکمرانی حزب عدالت و توسعه هنوز زیر چتر دولت سکولار بود و با بودجه‌ای محدود عمل می‌کرد.

در دوران آک‌پارتی ۲۰۰۲ تا امروز تحولی بنیادین رخ داد: بودجه دیانت از حدود ۵۰۰ میلیون لیره در اوایل دهه ۲۰۰۰ به بیش از ۵۰ میلیارد لیره در دهه ۲۰۲۰ رسید که معادل بودجه وزارتخانه‌های بسیار بزرگ ترکیه است. تعداد کارکنان دیانت نیز از حدود ۶۰ هزار نفر به بیش از ۱۳۰ هزار نفر افزایش یافت.

✍️ دیانت اکنون بیش از ۹۰ هزار مسجد را اداره می‌کند؛
 ✍️ در آموزش، رسانه، سیاست خانواده، مهاجران و خارج از کشور نیز نقش دارد؛
 ✍️ از هلند و بغارستان گرفته تا بالکان و آفریقا و فلسطین، مؤسسات فرهنگی-دینی تأسیس کرده و به نهادی برای سیاست خارجی ترکیه بدل شده است.

نهادهایی که سبک زندگی سکولار را رواج می‌دهند در دوره آک‌پارتی واجد چنین بودجه‌ای نیستند. دیانت از نهادی بوروکراتیک و سکولار که آتاتورک با هدف کنترل اسلام سیاسی تأسیس کرده بود، به بازوی ایدئولوژیک اسلام‌گرایی حکومت اردوغان تبدیل شده است.^{۱۱۴}

۱۱۴. بنگرید به:

Ahmet Erdi Öztürk & Semiha Sözeri, "Diyanet as a Turkish Foreign Policy Tool: Evidence from the Netherlands and Bulgaria", Politics and Religion, Vol 11, Issue 3, September 2018, Cambridge University Press.

۳. قانون اتحادیه‌های کارگری

به‌عنوان بخشی از سازمان‌های جامعه مدنی

پیشتر اشاره شد که در نظام حقوقی ترکیه، اتحادیه‌های کارگری (سندیکاه‌ها)^{۱۱۵}، در کنار انجمن‌ها، بنیادها و برخی سازمان‌های حرفه‌ای یکی از اشکال عمده سازمان‌های جامعه مدنی محسوب می‌شوند.

اتحادیه‌های کارگری عضو جامعه مدنی محسوب شوند، زیرا داوطلبانه تشکیل می‌شوند، بنا به تعریف باید مستقل از حکومت باشند، و باید نقش میانجی را بین افراد جامعه (کارگران) و قدرت اقتصادی/سیاسی ایفا کنند. وضعیت حقوقی اتحادیه‌های کارگری در قانون اساسی ترکیه (اصل ۵۱) و قانون ۶۳۵۶ این کشور تعریف شده است. اصل ۵۱ قانون اساسی ترکیه می‌گوید:

«کارمندان و کارفرمایان حق دارند بدون اجازه قبلی، اتحادیه تشکیل دهند و همچنین حق دارند به منظور حفظ و توسعه حقوق اقتصادی و اجتماعی و منافع اعضای خود در روابط کاری، اعضای اتحادیه‌ها شوند و آزادانه از عضویت در آنها خارج شوند. هیچ کس را نمی‌توان با زور مجبور به عضویت در اتحادیه یا خروج از آن کرد.»

حق تشکیل اتحادیه بر اساس همین اصل از قانون اساسی ترکیه صرفاً به دلایل مرتبط با «امنیت ملی، نظم عمومی، پیشگیری از ارتکاب جرم، سلامت عمومی، اخلاق عمومی و حفاظت از حقوق و آزادی‌های دیگران»، از سوی قانون محدود می‌شود و تشریفات، شرایط و روبه‌های تشکیل اتحادیه‌ها در قوانین دیگری تعیین می‌گردد. بنابراین اصل ۵۱ قانون اساسی ترکیه:

✍️ حق تشکیل اتحادیه، عضویت و خروج آزادانه را برای کارگران و کارفرمایان تضمین می‌کند.
✍️ می‌گوید حکومت حق تحمیل عضویت یا انحلال خودسرانه را ندارد.

این حق به‌صراحت در زمره‌ی آزادی‌های بنیادین مدنی شهروندان در ترکیه آمده است.

قانونی که جزییات را در این زمینه مشخص می‌کند قانون ۶۳۵۶ (مصوب ۲۰۱۲) با عنوان «مقررات اتحادیه‌های کارگری و [چانه‌زنی در زمینه] قراردادهای جمعی کار» است.^{۱۱۶}

این قانون مهم‌ترین سند حقوقی اتحادیه‌های کارگری در ترکیه است و هدف‌هایش شامل تنظیم تشکل‌یابی جمعی، تعیین رابطه میان کارگران، کارفرمایان و دولت و نیز نهادینه‌سازی گفت‌وگوی اجتماعی به‌جای تعارض مستقیم در این مسائل می‌شوند.

115. Sendikalar

116. 6356 Sayılı Sendikalar ve Toplu İş Sözleşmesi Kanunu

اتحادیه‌ها طبق این قانون منافع حرفه‌ای و جمعی کارگران را نمایندگی می‌کنند، و می‌توانند تحت شرایطی مذاکره و قرارداد جمعی کار را بر دولت تحمیل کنند. این نقش‌ها، اتحادیه را به یک بازیگر مدنی سازمان‌یافته بدل می‌کند.

اتحادیه‌های کارگری در ترکیه شخصیت حقوقی مستقل دارند و ارکان داخلی خود را آزادانه انتخاب می‌کنند. با این حال نظارت مالی و اداری حکومت وجود دارد و «وزارت کار و تامین اجتماعی»^{۱۱۷} نقش پررنگی در تأیید برخی صلاحیت‌ها ایفا می‌کند. استقلال حقوقی بالقوه وجود دارد ولی به لحاظ عملی محدود است.

مطابق قانون ۶۳۵۶ هر کارگر بالای ۱۵ سال می‌تواند اتحادیه تأسیس کند، عضو اتحادیه شود و آزادانه از آن خارج شود. برای تأسیس اتحادیه در ترکیه داشتن حداقل هفت نفر عضو کافی است.

مطابق مواد ۴۶ تا ۵۴ این قانون، اتحادیه‌ها می‌توانند با کارفرما برای امضای «قرارداد جمعی کار» مذاکره کنند که حقوق، دستمزد و شرایط کاری را برای مدتی معین می‌کند. به بیان دقیق‌تر، این قراردادهای جمعی معمولاً بین یک تا سه سال معتبر هستند، مقدار دستمزد، ساعات کار و مزایا را تعیین می‌کنند، و برای همه مشمولان الزام‌آور هستند.

یک اتحادیه باید برای داشتن توانایی مذاکره در زمینه قرارداد جمعی کار، درصد مشخصی از کارگران یک بخش را نمایندگی کند؛ یا به عبارت دیگر، شمار اعضای آن از سقف معینی بالاتر باشد. مطابق بندهای ۳۲ تا ۴۵ قانون اتحادیه‌های کارگری (۶۳۵۶)، برای چانه‌زنی در زمینه قراردادهای جمعی کار، یک اتحادیه باید حداقل یک درصد از کل کارگران یک بخش در ترکیه را نمایندگی کند. به علاوه، اتحادیه مزبور باید بیش از ۵۰ درصد از کارگران یک «محل کار» (ایشیری)^{۱۱۸} یا حداقل ۴۰ درصد از کارگران در «سطح بنگاه» (ایشلتمه)^{۱۱۹} را به عنوان عضو در خود داشته باشد.

117. Çalışma ve Sosyal Güvenlik Bakanlığı

118. işyeri

119. işletme



این شرط عملاً تکثر اتحادیه‌ای را محدود، و اتحادیه‌های کوچک مستقل را حذف می‌کند. به بیان دیگر، این شرط از نظر منتقدان «فیلتر حکومتی مشارکت جمعی» ایجاد می‌کند و حق چانه‌زنی برای قرارداد کار را به شمار معدودی سندیکای بزرگ محدود می‌سازد.

دیگر نقاط ضعف: مطابق قانون ۶۳۵۶، بخش بزرگی از نیروی کار غیررسمی، موقت، یا پیمانی عملاً از پوشش اتحادیه‌ای خارج است.

اعتصاب‌ها مطابق قوانین ترکیه به راحتی می‌توانند به دلایل «امنیت ملی» تعلیق شوند.

اتحادیه‌ها در ترکیه خودگردان‌اند، اما کاملاً خودمختار نیستند. آنها همانند سایر بخش‌های جامعه مدنی، عضوی از «جامعه مدنی ثبت شده و نظارت شده» از سوی دولت (در اینجا وزارت کار) هستند.

در نتیجه، وضعیت سندیکاها در این کشور نمونه‌ای از جامعه مدنی نیمه خودمختار در یک نظام سیاسی متمرکز است. جامعه مدنی کارگری ترکیه ضعیف اما زنده است.

۴. قوانین کنترل فضای مجازی

چارچوب حقوقی کنترل فضای مجازی و اینترنت در ترکیه بر اساس چند قانون و اصلاحیه کلیدی شکل گرفته است که از ۲۰۰۷ کلید خوردند و تا امروز توسعه یافته‌اند. این قوانین امروز بیشترین تأثیر را بر آزادی بیان در فضای آنلاین و شبکه‌های اجتماعی ترکیه دارند. قانون اصلی تنظیم انتشار مطالب در اینترنت و مقابله با جرایم [از طریق انتشار آنلاین] (به شماره ۵۶۵۱) در ۴ مه ۲۰۰۷ در مجلس ملی ترکیه تصویب و ۲۳ مه همان سال در روزنامه رسمی منتشر شد.^{۱۲۰}

هدف از این قانون که یکی از پایه‌های اساسی حکمرانی فضای مجازی در ترکیه است، محافظت از خانواده و کودکان در برابر محتوای مضر، تنظیم دسترسی به محتوا و مقابله با جرایم آنلاین اعلام شده. این قانون همچنین حاوی مواردی برای فیلتر و مسدود کردن سایت‌ها در صورت ارتکاب جرایم مرتبط با تروریسم، توهین به رهبران یا نمادهای ملی، و انتشار محتواهای مخرب یا غیرقانونی است.

«لایحه ساماندهی فضای مجازی» در ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰ در مجلس ترکیه به عنوان مکمل قانون بالا تصویب و از تاریخ اول اکتبر ۲۰۲۰ با مسئولیت اجرایی سازمان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات لازم الاجرا شد. قانون جدید شرکت‌های پلتفرم‌های اجتماعی توییتر، فیسبوک، اینستاگرام، الخ را ملزم به داشتن نماینده محلی، ذخیره‌سازی داده‌ها و حذف سریع محتواهای غیرقانونی می‌کرد و می‌کوشید این شرکت‌های بزرگ دنیای مجازی را تابع قوانین ترکیه کند. در این لایحه از مالکان شرکت‌های ارائه‌دهنده شبکه‌های اجتماعی خواسته شده که حساب کاربران متخلف را مسدود و یا محتوای مورد نظر را از حساب کاربر حذف کنند. مطابق این قانون، شبکه‌های اجتماعی بزرگ در صورت همکاری نکردن با درخواست‌های دولت با کاهش پهنای باند یا جریمه‌های سنگین مواجه می‌شوند. این قانون ابزارهای بیشتری برای حکومت فراهم کرد تا محتوای آنلاین را حذف یا محدود کند.^{۱۲۱}

120. Regulation of Publications on the Internet https://en.wikipedia.org/wiki/Turkish_Internet_Law?utm_source=chatgpt.com

برای متن قانون بنگرید به: <https://mbkaya.com/turkish-internet-law>
برای دانش تکمیلی در مورد سانسور در ترکیه بنگرید به:

https://en.wikipedia.org/wiki/Censorship_in_Turkey?utm_source=chatgpt.com

۱۲۱. بنگرید به: «قوانین جدید رسانه‌های اجتماعی در ترکیه»، پایگاه تخصصی-تحلیلی فرهنگ جامعه و ملل، ۵ دی ۱۴۰۴: https://farhangemelal.icro.ir/news/13624/D9%82%D9%88%D8%A7%D9%86D-B8%C%D9%86-D8%AC%D8%AF%DB8%C%D8%AF-D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB8%C-D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9D-B8%C-D8%AF%D8%B1-D8%AA%D8%B1%DA%A9%DB8%C%D9%87?utm_source=chatgpt.com

تغییرات دیگری که به پیشنهاد دو حزب ائتلاف حاکم عدالت و توسعه و حرکت ملی‌گرا و علی‌رغم مخالفت اپوزیسیون حزب جمهوری خلق، حزب دموکراتیک خلق‌ها و حزب خوب (ایبی پارتی) در ۲۰۲۲ با عنوان قانون «مقابله با اخبار جعلی در فضای مجازی» تصویب شد، شامل بیش از ۴۰ ماده تغییر در قانون اینترنت، قانون مطبوعات و قانون کیفری بود و به «سازمان ارتباطات و فناوری اطلاعات» ترکیه^{۱۲۲} قدرت بیش‌تری برای اعمال درخواست حذف محتوا و دریافت داده‌های کاربران می‌داد. بررسی پیش‌نویس این قانون در اوایل ماه اکتبر ۲۰۲۲ در مجلس ترکیه آغاز و در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ تصویب شد. مطابق بند ۲۱۷ این قانون، برای «شخصی که اطلاعات نادرست را در مورد امنیت داخلی و خارجی، نظم عمومی و صحت عمومی کشور به نحوی که برای برهم زدن آرامش عمومی باشد، صرفاً به منظور ایجاد تشویش، ترس یا وحشت در بین مردم منتشر کند از یک سال تا سه سال مجازات حبس در نظر گرفته می‌شود.» منتقدان بر این باورند که این قانون توضیح نمی‌دهد اطلاعات گمراه‌کننده چیست، چگونه اطلاعات غیرواقعی را تشخیص دهیم، و چگونه احساسات تحریک را نکنیم. به همین خاطر، حکومت می‌تواند از این قانون برای سرکوب آزادی‌های مدنی سو استفاده کند.

این قانون را در رسانه‌های اپوزیسیون ترکیه «قانون سانسور» می‌خوانند. سایت‌های خبری اینترنتی، اصحاب مطبوعات و همه کسانی که عضو پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی هستند (در صورت مورد شکایت واقع شدن)، مشمول این قانون می‌شوند.

قانون جدید موسوم به «امنیت سایبری ترکیه»^{۱۲۳} مصوب مارس ۲۰۲۵ نیز برای «انتشار اطلاعات نادرست در مورد نشت داده‌ها»، مجازات زندان از دو تا پنج سال را در نظر گرفته است، امری که با توجه به گزارش‌های متعدد در مورد نشر داده‌های شخصی شهروندان ترکیه در دارک وب در فضای مجازی که مورد استفاده کلاهبرداران و مجرمان حرفه‌ای بوده است، بیش از آنکه راهگشا باشد، محدود کننده برای روزنامه‌نگاران است، و هدف نقد جدی فعالان مدنی و بخشی از اپوزیسیون قرار گرفته است.^{۱۲۴}

122. BTK-Bilgi Teknolojileri Ve İletişim Kurumu

123. The Cybersecurity Act

124. "Discipline and punish: how Turkey controls the internet", Centre for Eastern Studies, 2025-06-24:

https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2025-06-24/discipline-and-punish-how-turkey-controls-internet?utm_source=chatgpt.com

همچنین بنگرید به فیلم مستند به اسم «پانل» توسط گروهی از روزنامه‌نگاران تحقیقی با سابقه در زمینه نشر اطلاعات شناسنامه‌ای شهروندان در فضای مجازی ترکیه (دارک‌وب) توسط هکرها در پلتفرم‌هایی به اسم «پانل»، امری که به رغم شیوع استفاده گسترده از این داده‌ها توسط کلاهبرداران حرفه‌ای، دولت مسئولیت آنرا نمی‌پذیرد:

"panel", 140journos: <https://www.youtube.com/watch?v=5BzGetrwp0U>

فصل چهارم

الگوی اول مواجهه حکومت با جامعه مدنی: سرکوب گزینشی^{۱۲۵}



۱۲۵. Selective repression در این فصل و دو فصل بعدی بینش‌های حاصل از کار میدانی بیلگه یابانجی در شهرهای مختلف ترکیه و پنج کشور اروپایی بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ اساس گرفته شده است. بنگرید به: یابانجی ۲۰۲۳ و یابانجی ۲۰۱۹.

الگوی اول مواجهه حکومت با جامعه مدنی: سرکوب‌گزینشی

همان‌طور که اشاره شد، در «موج سوم اقتدارگرایی» رهبرانی که پیش در یک دموکراسی به قدرت رسیده‌اند، به تدریج نهادهای دموکراتیک را از درون منحل می‌کنند. دگرگونی در این موج سوم، تغییری نامحسوس‌تر از کودتاها یا انقلاب‌های خشونت‌آمیز گذشته است و با کنترل رسانه، تضعیف استقلال قضایی و تهی کردن جامعه مدنی مشخص می‌شود. موج سوم اقتدارگرایی اغلب در کشورهایی رخ می‌دهد که حاکمیت به سبب وجود میراث طولانی نهادها و فرهنگ دموکراتیک، به دشواری می‌تواند انتخابات و رویه‌های دموکراتیک را به کلی حذف کند و بر خلاف موج‌های اول و دوم اقتدارگرایی، فرسایش نهادهای دموکراتیک از طریق گام‌های تدریجی پیچیده‌شده در لفافه تغییرات «قانونی» با پشتوانه مجلس و رای اکثریت پیش برده می‌شود. در اینجا با استفاده از خلأهای قانونی، به تدریج دموکراسی کم‌خاصیت می‌شود و فقط اسمی از آن باقی می‌ماند. روسیه با حکمرانی ولادیمیر پوتین، ترکیه امروزی، چین سرمایه‌داری ذیل حاکمیت حزب کمونیست، و تاحدودی مجارستان به رهبری ویکتور اوربان، از مصادیق برجسته اقتدارگرایی موج سوم هستند.

به باور بیلگه یابانجی، رویکرد حزب عدالت و توسعه به جامعه مدنی (به ویژه بخش سیاسی آن) پس از اعتراضات پارک گزی در بهار ۲۰۱۳ از دو شیوه پیروی کرده است: مهار و تصاحب.^{۱۲۶} مهار از طریق سرکوب‌گزینشی رخ می‌دهد و تصاحب یا رام کردن از طریق ایجاد یک جامعه مدنی جایگزین و حکومت‌محور (موضوع فصل‌های به ترتیب چهارم و پنجم). از سوی دیگر، شاهد مقاومت خلاقانه جامعه مدنی هستیم (فصل ششم).

پس اولین استراتژی که حزب عدالت و توسعه برای کنترل جامعه مدنی پس از گذار به اقتدارگرایی انتخاباتی دنبال کرده و موضوع این فصل است، مهار از طریق سرکوب‌گزینشی دولتی و خشونت سیاسی است. از اعتراضات گزی به بعد، بازرسی‌های گسترده و بی‌دلیل و جریمه‌های مالی مکرر علیه برخی سازمان‌های جامعه مدنی افزایش یافته و در مواردی شامل یورش و مداخله پلیس هم می‌شود. در دو سال برقراری وضعیت اضطراری ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ پس از کودتای نافرجام، درحالی‌که مجلس ترکیه عملاً تعطیل بود (گرچه صوری برقرار بود) و بسیاری اختیارات به هیئت دولت و رئیس‌جمهور منتقل شده بود، دولت اموال بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی را مصادره کرد و در موارد متعدد بدون حکم دادگاه به تعطیل کردن آنها دست زد.

126. Containment and Appropriation/co-optation

پس از کودتا حدود یک‌هزار و ۶۰۰ سازمان جامعه مدنی تعطیل شدند. اخراج گسترده دانشگاهیان فعال در زمینه حقوق بشر موسوم به «دانشگاهیان برای صلح» مثالی دیگر از سرکوب‌گرایی است.^{۱۲۷}

یکی از شیوه‌های سرکوب‌گرایی در موج سوم اقتدارگرایی اجرای دلبخواهانه و سلیقه‌ای بندهای قانون است. چنان‌که اشاره شد، حزب عدالت و توسعه در سال‌های اولیه روی کار آمدن خود در ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ قانون‌های قدیمی انجمن‌ها و بنیادها را تغییر داد. در این قوانین همچنان ثبت، اقدام جمعی و جمع‌آوری کمک‌های مالی از سوی سازمان‌های جامعه مدنی منوط به تأیید و همراهی دولت باقی ماند. چارچوب قانونی همچنان به حکومت این اجازه را می‌دهد که با بوروکراسی دست‌وپاگیر مانع از تأسیس سازمان‌های جامعه مدنی جدید شود و برای نمونه، بودجه خارجی برای این سازمان‌ها را با تأکید بیش از حد بر لزوم اطلاع‌رسانی در این زمینه به حکومت (که ناسازگار با استانداردهای بین‌المللی است) محدود کند. قوانین همچنین به دولت این امکان را می‌دهد که اگر سازمان‌های جامعه مدنی را مغایر با «قوانین و اخلاق»، «اصول جمهوریت»، «خانواده ترک»، «نظم عمومی»، «اخلاق» و «یکپارچگی ملی و منافع ملی» تشخیص دهد، آنها را ممنوع کند.

سرکوب‌گرایی معمولاً سازمان‌هایی را که با مسائل حساس سیاسی مانند نظارت و دفاع از حقوق بشر، حاکمیت قانون، مسائل اقلیت‌ها به ویژه حقوق کردها، گفتگوی فرهنگی، عدالت اجتماعی، صلح و آشتی درگیر هستند، هدف قرار داده است. سرکوب‌گرایی علیه سازمان‌ها یا افراد فعال در زمینه‌هایی رخ می‌دهد که اولاً، از سوی حکومت تهدید محسوب می‌شود، و ثانیاً، تأثیر گسترده‌ای در جامعه دارند. خودسانسوری در چنین وضعیتی رشد می‌کند و از همبستگی جمعیت زیادی از مردم عادی با سرکوب‌شدگان جلوگیری می‌کند. هدف از سرکوب‌گرایی معمولاً ایجاد فضای اضطراب، منفعل کردن جامعه مدنی منتقد، و بی‌اعتبار کردن صداها و آوازه‌ها است. ماهیت خودسرانه سرکوب به‌ویژه در فضای پس از کودتای تابستان ۲۰۱۶ فعالان مدنی منتقد را مجبور کرده است که به جای ایجاد پیوندهای مستحکم‌تر با گروه‌های اجتماعی مخاطب آنها، در وضعیت عدم قطعیت باقی بمانند. تو گویی هر آن ممکن است اتفاقی بد رخ دهد. این وضعیت در تاریخ نیم قرن اخیر ترکیه کم‌سابقه است. به گفته فعالان یک سازمان حقوق بشری، «با اینکه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نیز نقض حقوق اساسی و حاکمیت قانون وجود داشت، حاکمیت قانون [و اجتناب از خودسری] در ترکیه کم و بیش حتی در دوران حکومت‌های نظامی برآمده از کودتاهای نظامیان برقرار بود.»^{۱۲۸}

وضعیت سرکوب منجر به خودسانسوری در میان کنشگران مدنی و مردم عادی شده است. برای مثال، یکی دیگر از طرف‌های گفت‌وگو با یابانجی می‌گوید قصد نوشتن مقاله‌ای در نقد عملکرد دولت ترکیه را داشته، اما جرأت این کار را پیدا نکرده است: «باید ریسک کنید و ریسک، خیلی بالاست. ما در حال حاضر بیشتر به فعالیت‌هایی نیاز داریم که زندگی روزمره را قابل تحمل‌تر کنند.»

127. Baser, B., Akgönül, S., & Öztürk, E. (2017). "Academics for peace" in Turkey: A case of criminalizing dissent and critical thought via counterterrorism policy. *Critical Studies on Terrorism*, 10(2), 274-296 ..

۱۲۸. مصاحبه ۱۳ در گفت‌وگو با بیلگه یابانجی، در: یابانجی ۲۰۱۹. همچنین بنگرید به: یابانجی ۲۰۲۳ («صد سال تنهایی جامعه مدنی»)



ممکن است این دوره [اگر در آینده به آن بنگریم] برای جامعه مدنی بسیار منفعل به نظر برسد، اما این مرحله هم مقدمه‌ای است برای آنچه در مراحل بعدی سر خواهد رسید. « (مصاحبه شماره ۲۲)

یکی از راه‌های چنین کنشگرانی برای درمان ماندن از سرکوب‌گزینشی، تمرکز بر جامعه مدنی محلی به جای پرداختن به موضوعات کلان کشوری، یا پرداختن به مسائل محافظه‌کارانه‌تری است که از نظر حکومت حساسیت کمتری برمی‌انگیزند، همچون: مسائل زیست‌محیطی، حقوق معلولان، کودکان، روماها (کولی‌ها)، و حیوانات. چنانکه شرحش رفت فعالیت در زمینه‌های خیریه کمک به زلزله‌زدگان و فقرا هم معمولاً با هیچ ممانعتی از سوی حکومت مواجه نیست.

البته سرکوب در مورد همه گروه‌ها یکدست نیست. برای مثال، در حالی که اتحادیه‌های کارگری سکولار چپ‌گرا بیشتر در معرض آزار و اذیت حکومت هستند، سازمان‌ها و شبکه‌هایی که ایده‌های اسلام‌گرایانه و چپ را باهم ترکیب می‌کنند (سوسیالیست‌های مسلمان)، با سرکوب کمتری مواجه هستند. نماینده یکی از این سازمان‌ها به بیلگه یابانجی می‌گوید دلیل در امان ماندن آنها از سرکوب تا امروز، میراث «اسلام‌گرایی» آنهاست: «هنگامی که اسلام‌گرا تعریف می‌شوید، تا زمانی که عاملیت ندارید و تأثیری در محافل اسلام‌گرای طرفدار حکومت ندارید، حکومت شما را به عنوان یک تهدید نمی‌بیند. ما هدف قرار نمی‌گیریم زیرا نادیده گرفته می‌شویم.» (یابانجی ۲۰۱۹، ص. ۲۹۳، مصاحبه شماره ۱۵، ترجمه با ویرایش)

به‌علاوه، امکانات حکومت برای سرکوب نیز به‌رغم همه قدرت‌نمایی‌هایش محدود است. حکومت به جای تلاش برای فرسایش یا نابودی کل جامعه مدنی مخالف، «مزنونان همیشگی» را هدف قرار می‌دهد و همزمان با ایجاد فضای رعب‌ووحشت (با ترس از دست‌دادن کار، مزایا و غیره) از تشکیل ائتلاف‌های بزرگ مخالف در جامعه مدنی جلوگیری می‌کند.

۱. سرکوب‌گزینشی با کودتای داخله

و انتصاب «قیم» برای «مظلوم‌در» پس از ۲۰۱۶

اصطلاح «قیمومیت» در فارسی را می‌شود معادل ترکی kayyum atamak دانست؛ یعنی «انتصاب قیم یا سرپرست دولتی» برای یک نهاد مدنی، شهرداری، یا بنیاد. این ترکیب به اصطلاحی رایج در ترکیه پس از کودتای نافرجام ناپستان ۲۰۱۶ در مورد رفتار حکومت با مخالفان بدل شده و آخرین نمونه‌های آن قیم گذاشتن بر برخی شهرداری‌های متعلق به حزب جمهوری خواه خلق در استانبول در ۲۰۲۵ است. قیم گذاشتن (قیمومیت) بر سازمان مدنی و حقوق بشری «مظلوم‌در»^{۱۳۹} پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ به عنوان یکی از نمونه‌های مهم سرکوب‌گزینشی شایسته ذکر است.

«مظلوم‌در» (انجمن مستضعفان) که یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های حقوق بشری اسلام‌گرای ترکیه است، دهه ۱۹۹۰ در ترکیه تأسیس شد و در شهرهای مختلف فعال بوده است. این نهاد به‌طور مشخص در زمینه حقوق کردها، زنان محجبه (استخدام زنان محجبه در ادارات دولتی تا پیش از ۲۰۱۳ در ترکیه ممنوع بود)، بهبود وضعیت قربانیان شکنجه و زمینه‌های مشابه فعالیت می‌کرد. با اینکه ریشه‌های این سازمان مدنی در جریان اسلام‌گرایی بود، در دوره‌های بعدتر به سوی مواضع عمومی‌تر و لیبرال‌تر گرایش یافت. مظلوم‌در با شروع تظاهرات گزی در ۲۰۱۳، از نقض حقوق بشر به‌دست حزب حاکم عدالت و توسعه انتقاد کرد. این انتقادات با اعلام وضعیت فوق‌العاده در شهرهای با اکثریت کرد پس از انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ به اوج خود رسید. در انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵، آک‌پارتی برای اولین بار در تاریخ خود شکست خورد، اما با بی‌اعتبار شمردن انتخابات در فضایی تنش‌آمیز، انتخابات زودهنگامی در نوامبر ۲۰۱۵ برگزار کرد و این بار پیروز شد.

برخی از انجمن‌ها و بنیادها پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶، با استناد به «وضعیت فوق‌العاده»، منحل شدند یا قیم دولتی بر آن‌ها گماشته شد. در بخشی از این اقدام، حکومت از جمله یک کودتای درون سازمانی در انجمن مظلوم‌در طراحی کرد تا رهبری منتقد این سازمان مدنی حقوق بشری را حذف کند. هنگامی که مظلوم‌در یک گزارش میدانی مستند از تلفات غیرنظامیان در مناطق کردنشین دردرگیری با حکومت منتشر کرد، یک شاخه طرفدار حکومت در داخل سازمان که امروز مدیریت مظلوم‌در را در اختیار دارند، مجمع فوق‌العاده‌ای را تحت نظر یک متولی منصوب دادگاه برای برکناری هیئت مدیره وقت تشکیل داد. بهانه این بود که فعالیت‌های هیئت مدیره «انجمن را به یک حزب سیاسی تبدیل کرده است» و اعضای یاغی می‌خواهند از انجمن مظلوم‌در به عنوان ابزاری برای ضربه‌زدن به دولت استفاده کنند.^{۱۳۰}

129. Mazlum-Der (İnsan Hakları ve Mazlumlar İçin Dayanışma Derneği)

۱۳۰. مصاحبه با هیئت مدیره جدید، به نقل از یابانچی ۲۰۱۹، ص. ۲۹۲.

در نتیجه وزارت کشور ترکیه طی تصمیمی رسمی در دسامبر ۲۰۱۶، هیئت مرکزی مظلوم‌در را منحل و برای این نهاد «قیم» منصوب کرد.

این مداخله سراسری شعبه‌های استانی را نیز در بر گرفت. قیم‌ها یا روسای جایگزین‌شده از میان فعالان محافظه‌کار و نزدیک به عدالت و توسعه بودند. دولت به این شیوه ۱۶ دفتر مظلوم‌در را بست (که عمدتاً در شهرهای با اکثریت کردنشین قرار داشتند) و هزاران عضو منتقد حکومت را از سازمان حذف کرد.^{۱۳۱} بسیاری از اعضای اصلی و قدیم مظلوم‌در از جمله چهره‌هایی مانند احمد فاروق اونسال^{۱۳۲} رئیس وقت و عمر فاروق گرگرلی‌اوغلو^{۱۳۳} که اکنون نماینده مجلس از حزب چپ دم‌پارتی در ترکیه است و دیگر فعالان حقوق بشر، این اقدام را «غیرقانونی و سیاسی» دانستند و از سازمان جدا شدند یا وادار به ترک آن شدند. برخی از جداشدگان در ۲۰۱۷ دو انجمن جدید با نام‌های «ینی مظلوم‌در» (مظلوم‌در نو) و «حق اینسیاتیفی» (ابتکار حقوق)^{۱۳۴} را بنیان گذاشتند و کوشیدند رویکرد انتقادی و حقوق بشری مظلوم‌در پیش از کودتا را حفظ کنند، اما امکانات و نفوذ آنها نسبت به قبل بسیار کمتر است.

مظلوم‌در پس از انتصاب قیم، عملاً از یک نهاد مدنی منتقد به یک سازمان غیردولتی حکومت‌محور همسو با گفتمان آک‌پارتی بدل شده است. در حال حاضر فعالیت‌های این نهاد محدود به موضوعات انسانی کم‌هزینه‌تر با حساسیت کمتری برای حاکمیت مانند امدادسانی، امور پناه‌جویان، فلسطین و الخ شده است و نقد سیاست‌های داخلی دیگر در دستور کار این سازمان مدنی عام‌المنفعه قرار ندارد.

۱۳۱. مثلاً بنگرید به:

"MAZLUMDER'in 16 Şubesi Kapatıldı20", Bianet, Mart 2017: [https://bianet.org/haber/mazlum-](https://bianet.org/haber/mazlum-der-in-16-subesi-kapatildi184643-)

[der-in-16-subesi-kapatildi184643-](https://bianet.org/haber/mazlum-der-in-16-subesi-kapatildi184643-)

132. Ahmet Faruk Ünsal

133. Ömer Faruk Gergerlioğlu <https://x.com/gergerliogluof/>

نیز بنگرید به:

Umar Farooq [Ömer Faruk Gergerlioğlu], "Erdogan's Authoritarian Style and Pragmatic Foreign Policy Turn Some Turkish Islamists Against Him," Los Angeles Times, May 10, 2017: <https://www.latimes.com/world/asia/la-fg-turkey-islamists-2017-story.html>

134. Yeni Mazlumder یا Hak İnisyatifi

۲. سرکوب‌گزیشه‌ال‌جی‌بی‌تی کیو پلاس^{۱۳۵} در ترکیه

بسیاری از قوانین ترکیه بندهایی دارند که فعالیت‌های مغایر با «امنیت ملی»، «نظم عمومی» یا «اخلاق و ساختار خانواده‌ی ترک» را ممنوع می‌کنند. این عبارت‌های پرابهام فضای کاری جامعه مدنی ترکیه را تنگ کرده است و شباهت‌هایی نیز با محدودیت‌های اعمال‌شده در ساختار جمهوری اسلامی ایران بر فعالیت‌های مدنی به بهانه حفاظت از اسلام و یا حفظ اخلاق و عفت عمومی کشور دارد، البته در درجاتی متعادل‌تر.

در سال‌های اخیر فشار بر جامعه ال‌جی‌بی‌تی و کنشگری در این زمینه افزایش یافته است که شامل لغو یا ممنوعیت تجمع‌ها و رویدادهای عمومی می‌شود. در استانبول راهپیمایی‌های «هفته‌ی افتخار»^{۱۳۶} که در دوران اولیه حکومت عدالت و توسعه مجاز بود، از ۲۰۱۵ ممنوع شده‌اند.^{۱۳۷} این ممنوعیت پس از تظاهرات سال ۲۰۱۴ وضع شد که بزرگترین رویداد از این دست در تاریخ ترکیه با حضور حدود ۱۰۰ هزار نفر بود. ممنوعیت اولیه در ژوئن سال ۲۰۱۵ به بهانه همزمانی با ماه رمضان اعمال شد و در سال‌های بعد، به‌ویژه پس از کودتا، با بهانه‌های گوناگون همچون کرونا تثبیت شد. در آنکارا نیز ممنوعیت‌هایی که حکومت علیه رویدادهای مربوط به ال‌جی‌بی‌تی کیو پلاس تحت وضعیت فوق‌العاده وضع کرده بود، تا امروز به بهانه‌های مختلف ادامه یافته است.^{۱۳۸}

حکومت محدودیت شدیدی بر تولید محتوای رسانه‌ای در این زمینه اعمال می‌کند. نهاد نظارتی بر رادیو و تلویزیون‌های ترکیه (ریتوک)^{۱۳۹} سال ۲۰۲۵ را «سال مبارزه با محتوای ال‌جی‌بی‌تی کیو پلاس» در رسانه اعلام کرد؛ محدودیتی که شامل ممنوعیت بحث درباره‌ی این موضوع در رسانه‌ها و سریال‌های پرمخاطب می‌شود.^{۱۴۰} در همین سال خبرنگاران، وبسایت‌ها و فعالان رسانه‌ای که درباره‌ی ال‌جی‌بی‌تی کیو پلاس کار می‌کنند، با تهدید بازداشت، فیلترینگ و توقیف مواجه شدند^{۱۴۱} و پیش‌نویس قانونی (موسوم به «بسته‌ی یازدهم عدالت») با تعیین جزای کیفری برای فعالیت‌های مرتبط با ال‌جی‌بی‌تی در ترکیه مطرح شده است.

۱۳۰. LGBTQ+ به اختصار ال‌جی‌بی‌تی

136. Pride https://en.wikipedia.org/wiki/Istanbul_Pride

137. Abby Monteil, "LGBTQ+ People in Istanbul Defied a City-Wide Ban to Celebrate Pride", Them, July 2, 2024: https://www.them.us/story/istanbul-pride-2024-ban-police-crackdown?utm_source=chatgpt.com

138. "Turkey: End Ankara Ban on LGBTI Events: Governor Extends Restrictions Beyond State of Emergency", Feb 14, 2019: https://www.hrw.org/news/2019/02/14/turkey-end-ankara-ban-lgbti-events?utm_source=chatgpt.com

139. Radyo ve Televizyon Üst Kurulu (RTÜK)

140. "Turkish broadcasting watchdog declares 2025 Year of Combatting LGBTQ+ Content", March 7, 2025:

https://stockholmcf.org/turkish-broadcasting-watchdog-declares-2025-year-of-combatting-lgbtq-content/?utm_source=chatgpt.com

141. "Türkiye: Journalists reporting LGBTQ+ issues risk criminalisation", 22 October 2025: https://www.ifj.org/media-centre/news/detail/category/press-releases/article/tuerkiye-journalists-reporting-lgbtq-issues-risk-criminalisation?utm_source=chatgpt.com

اگر پیش‌نویس قانونی مزبور تصویب شود، کسانی که «رفتار یا نگرش متفاوت با جنس زیستی تعیین شده در تولد» را تبلیغ یا تشویق کنند، ممکن است با حبس مواجه شوند. همچنین حداقل سن پیشنهادی عمل تطبیق جنسیت از ۱۸ سال به ۲۵ سال افزایش یافته است.^{۱۴۲} نگاه رسمی حکومت نپذیرفتن جامعه‌ال‌جی‌بی‌تی کیوپلاس است و شخص رئیس‌جمهور ترکیه حساسیت خاصی روی این موضوع دارد. اردوغان در سخنرانی‌هایش تاکید کرده که «ما به عنوان دولت ال‌جی‌بی‌تی را به رسمیت نمی‌شناسیم». موضع رسمی او و حزب عدالت و توسعه حمایت از خانواده سنتی به عنوان بنیان جامعه ترکیه است.^{۱۴۳}

نتیجه‌گیری:

سرکوب‌گزینش و بقا در محیط‌های پر مخاطره

پس از نزدیک ۲۵ سال حکومت حزب عدالت و توسعه در ترکیه، جامعه مدنی این کشور به عرصه‌ای پیچیده تبدیل شده است که در آن نیروهای دموکراتیک و غیردموکراتیک در حال رقابت همزمان با یکدیگر برای نفوذ هر چه بیشترند. غیرقابل پیش‌بینی بودن سرکوب، انتظار آزار و اذیت را تشدید می‌کند و جامعه مدنی را وامی‌دارد که به جای بسیج در عرصه عمومی، به حفظ بقای خود اولویت دهد. در چنین وضعیتی شبکه‌های غیررسمی کنشگری و مقاومت مدنی اهمیت مضاعف می‌یابند. جامعه مدنی مستقل حوزه‌ای برای به چالش کشیدن قدرت حکومت است، همانطور که جنبش‌های مردمی و حتی اعتراضات خیابانی گهگاه در این کشورها، به‌رغم اقتدارگرایی حکومتی، رخ می‌نمایند.

سرکوب‌گزینشی جامعه مدنی را به زمینی غیرقابل پیش‌بینی تبدیل می‌کند که صداهای منتقد از ترس اقدامات سرکوبگرانه، استراتژی‌های احتیاطی اتخاذ می‌کنند. در چنین فضایی خواسته‌های محلی این امکان را نمی‌یابند که تقویت شوند و به مخاطبان گسترده‌تری در سطح ملی منتقل شوند و حوزه تاثیر و سیاست‌گذاری کلان تا حد زیادی در انحصار سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور (موضوع فصل بعد) باقی می‌ماند.

142. "Turkey Moves to Criminalize LGBTQ+ Expression under New Erdoğan Bill", Politis, 15 October 2025 : https://www.en.politis.com.cy/globe/globe-our-neighborhood/962668/turkey-moves-to-criminalize-lgbtq-expression-under-new-erdogan-bill?utm_source=chatgpt.com

143. Maggie Baska, "Turkey's Erdoğan tells supporters he does not 'recognise LGBT' in bizarre speech", Oct 07 2023: https://www.thepinknews.com/2023/10/07/turkey-president-recep-tayyip-erdogan-not-recognise-lgbtq/?utm_source=chatgpt.com

فصل پنجم

الگوی دوم مواجهه حکومت با

جامعه مدنی:

ترویج سازمان های حکومت محور





الگوی دوممواجهه حکومت با جامعه مدنی: ترویج سازمان‌های حکومت‌محور

حکومت‌های اقتدارگرای رقابتی در مورد بخشی از جامعه مدنی که از آن احساس خطر می‌کنند، رویکردی مبتنی بر هضم کردن، تصاحب، رام کردن و حکومت‌محور کردن اتخاذ می‌کنند به بیان دیگر، به نوعی همکاری با جامعه مدنی روی می‌آورند که در راستای وابسته‌سازی آن عمل کند و جامعه مدنی را به پذیرش تدریجی اقتدارگرایی وا دارد.

در حالی که حاکمیت ترکیه غالباً جامعه مدنی را مزاحم تلقی می‌کند، همزمان با یک پارادوکس هم روبروست: بسیاری از فعالیت‌های جامعه مدنی از جمله از طریق ارائه خدمات اجتماعی و امداد رسانی‌های بشردوستانه و خیرانه در واقع به کاهش بار دولت کمک می‌کند. تنها در سال ۲۰۱۵، ۵۱ هزار نفر به‌طور رسمی و تمام‌وقت در سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه مشغول به کار بودند. این رقم شامل داوطلبان، کارکنان پاره‌وقت و پیمانکاران نمی‌شود که بخش عمده نیروی کار در این بخش و گردش مالی مربوط به آن را تشکیل می‌دهند.

این موضوع به خوبی منطق گسترش چشمگیر جامعه مدنی حکومت‌محور^{۱۴۴} در ترکیه را نشان می‌دهد، امری که موضوع این فصل است.

۱۴۴. همان «جامعه مدنی گلخانه‌ای و حکومت‌ساخته»، که در متن «کنشگری مدنی در شرایط محیطی پرمخاطره: راهنمایی برای فعالین مدنی ایرانی» (کنش‌آکادمی، آبان ۱۴۰۳، صص. ۲۹-۲۵) به آن پرداخته شده است. راهنمای فوق قابل دسترسی در وبسایت اصل ۲۰:

<https://asl20.org/da%a9%d9%86%d8%b4%da%af%d8%b1%db8%c%-d9%85%d8%af%d9%86%db8%c%-d8%af%d8%b1%-d8%b4%d8%b1%d8%a7%db8%c%d8%b7%-d9%85%d8%ad%db8%c%d8%b7%-d8%b1%db8%ae%d8%a7%d8%b7%d8%b1%d9%87%-d8%b1%d8%a7/>

سازمان جامعه مدنی حکومت محور چیست؟

حکومت‌ها در اقتدارگرایی‌های رقابتی موج سوم (همچنین موسوم به رژیم‌های ترکیبی^{۱۴۵})، با «معضل یا پارادوکس جامعه مدنی»^{۱۴۶} روبرو هستند. یعنی بر خلاف رژیم‌های دیکتاتوری موج اول و دوم نمی‌توانند جامعه مدنی را کاملاً تعطیل کنند. سرکوب‌گرایی‌های جامعه مدنی و اپوزیسیون در چنین نظام‌هایی، بر خلاف سرکوب مطلق و همه‌جانبه، به‌صرفه‌تر است، زیرا از یک سو با ایجاد ترس به محدود کردن مخالفان و منتقدان می‌انجامد، و از سوی دیگر، سرکوب و خشونت آن‌قدر آشکار نیست که تصویر مشروعیت مورد نظر حکومت برای جامعه بین‌المللی و نیز هوادارانش را مخدوش کند.

نتیجه آنکه نوعی میدان دادن محدود به جامعه مدنی در نظام‌های اقتدارگرایی رقابتی صورت می‌گیرد. در چنین فضایی، «سازمان‌های مدنی حکومت‌محور» (گون‌گو-ها) نقش مهمی در پیوند دادن شهروندان با حکومت اقتدارگرا ایفا می‌کنند. آنها با تعامل فعال با گروه‌های هدف خود در جامعه، می‌توانند نیازها و خواسته‌های آنها را مشاهده کنند و بینش‌های ارزشمندی در مورد ترجیحات و شکایات آنها به حکومت ارائه دهند. بسیج مداوم «در صحنه» به سازمان‌های مدنی حکومت‌محور اجازه می‌دهد تا فضاهای عمومی متمایزی تشکیل دهند که روایت حکومت را بازتولید می‌کند. این سازمان‌ها نماینده‌ی ائتلاف حاکمیت در جامعه مدنی هستند و به تربیت جوانانی می‌پردازند که فعالانه ارزش‌های ایدئولوژیک اقتدارگرایانه را درونی‌سازی می‌کنند و گسترش می‌دهند.^{۱۴۷}

در دوران زمامداری آک‌پارتی، از یک طرف عقب‌نشینی دولت از ارائه خدمات رفاه اجتماعی به‌واسطه نئولیبرالی‌زاسیون به اوج خود رسید و از سوی دیگر، سازمان‌های مدنی حکومت‌محور با ارائه خدمات اجتماعی در بخش‌های آموزش، مراقبت، دین و غیره، به شریکان کلیدی ارائه خدمات خصوصاً به بدنه رای‌دهنده به دولت تبدیل شدند.

سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور می‌توانند به شکل صوری یعنی در مورد فعالیت‌های داخلی و ساختارهای عضویت خود از استقلال نسبی برخوردار باشند، اما به دلیل رابطه‌ی ارگانیک با صاحبان قدرت، از نظر محتوایی مستقل نیستند. وابستگی و تعلق این سازمان‌ها به حکومت، در عوض به آنها آزادی تشکل و برقراری ارتباطات وسیع در درون جامعه می‌دهد؛ آزادی‌ای که برای سازمان‌های مدنی منتقد وجود ندارد و یا به‌شدت محدود است.

145. hybrid regimes

146. civil society dilemma

۱۴۷. یابانچی، «صد سال تنهایی جامعه مدنی»، ص. ۳۷



سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور در ترکیه بخشی از یک سیستم حامی‌پرور^{۱۴۸} توزیع رانت هستند که آنها را برای گروه‌های جمعیتی جستجوگر رانت و ارتقای اجتماعی جذاب می‌کند. سازمان‌های مدنی حکومت‌محور با این شیوه به اعضای فعال خود شغل و درآمد و امکان بالارفتن از نردبان اجتماعی^{۱۴۹} ارائه می‌دهند که با موازین عدالت لیبرال‌دموکراتیک مبتنی بر شایسته‌سالاری سازگار نیست. در ترکیه نیز مشابه ایران، عضویت در حلقه داخلی سازمان مدنی حکومت‌محور، بالقوه می‌تواند فرد را وارد بازار کار و فرصت‌های شغلی مبتنی بر روابط کند و به نوبه خود عاملی جذب جوانانی شود که به دنبال ارتقاء سیاسی-اقتصادی در داخل سیستم خویشاوندسالار/ارتباط‌محور هستند.

به بیان دیگر، سازمان‌های مدنی حکومت‌محور اصطلاحاً «حامی‌پرور» هستند. کسانی که مناصب مدیریتی ارشد این سازمان‌ها را برعهده دارند، از مزیت ارتباط با سیاستمداران سود قابل توجهی می‌برند. اعضای پایین‌رتبه‌ترو کنشگران عادی این سازمان‌ها نیز امیدوارند در آینده ارتقا پیدا کنند و عضو شبکه بهره‌مند از مزایای ارتباط و بده‌بستان با سیاسیون حاکم شوند. این بده‌بستان‌ها دوطرفه است: اعضای ارشد سازمان مدنی حکومت‌محور از مزایای ارتباط با دولت بهره‌مند می‌شوند و در عوض سازمان مزبور هم، با ظرفیت سازمانی گسترده خود و به‌واسطه نفوذ سالیان در زندگی روزمره مردم و گروه‌های هدف خود، حکومت را به بطن جامعه می‌آورد و برای حکومت مشروعیت‌سازی می‌کند.

148. Clientelism
149. social mobility

۱. سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور گولنیستی

پیش از کودتای نافرجام ۲۰۱۶

طبق اصل سکولاریسم در قانون اساسی ترکیه و قانون بسته‌شدن تکیه‌ها و طریقت‌ها در سال‌های اولیه جمهوری، سازمان‌های مدنی مذهبی مجاز نبودند وارد دولت شوند. اما یکی از اصلی‌ترین تشکیلات مدنی که با آمدن آک‌پارتی عملاً شریک حکومت شد «جریان خدمت»^{۱۵۰} گولن بود. اگر اتحاد پیشین آک‌پارتی و جریان خدمت گولن تا زمان وقایع ۲۵-۱۷ دسامبر ۲۰۱۳ را در نظر آوریم، دست‌کم بین ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ سازمان‌های جامعه مدنی حکومت‌محور گولنیستی در ترکیه حضور جدی داشتند. قبل از غیرقانونی اعلام شدن جماعت فتح‌الله گولن بواسطه کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ توسط یکسری از افسران منصوب به این جریان، برای سال‌ها جریان خدمت گولن با آک‌پارتی در اتحادی نانوشته برای تضعیف کمالیسم و سکولاریسم به سر می‌بردند. پیش از به‌قدرت‌رسیدن آک‌پارتی در ۲۰۰۲، تصور اینکه بنیادها و انجمن‌های با گرایش مذهبی و غیرسکولار بتوانند وضعیت سازمان عام‌المنفعه (کامو یارارینا اورگوت) کسب کنند و هدف حمایت دولت قرار گیرند، بسیار دشوار بود. پیش از کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶ و منازعه قضایی دسامبر ۲۰۱۳^{۱۵۱}، گولنیست‌ها شریک جدی عدالت و توسعه در راه‌اندازی سازمان‌های مدنی حکومت‌محور بود. مجموعه وقایع فوق منجر به ظهور شریک رسمی دیگری برای آک‌پارتی در حکومتداری به جای جریان گولن شد. شریک جدید حزب راست‌گرای حرکت ملی‌گرا با رهبری دولت باغچه‌لی است. اتحاد جدید تصویر سیاسی ترکیه و ایدئولوژی سازمان‌های مدنی حکومت‌محور نزدیک به آک‌پارتی را تغییر داده است.

برغم این، گولنیست‌ها تا پیش از بالا گرفتن اختلاف آنها با حزب اردوغان در اواخر ۲۰۱۳ و بالاخره کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶، بار مهمی از ارائه خدمات دولت‌محور جامعه مدنی در ترکیه در زمینه‌هایی مانند آموزش و بهداشت به‌ویژه برای اقشار مذهبی را به دوش می‌کشیدند. عنوان «خدمت» که جماعت مزبور برای عنوان خود انتخاب کرده بود، خود نشانه‌ای از شیوه گسترش آن در جامعه ترکیه برای سال‌ها به واسطه خدمات‌رسانی در امور خیریه و غیره بود.

با تروریستی اعلام شدن جریان گولن پس از کودتای نافرجام تعدادی از افسران گولنیست، و مصادره دارایی‌های افراد منتسب به این جریان به نفع دولت، فعالیت‌های مدنی این جنبش در داخل ترکیه نیز متوقف شد. دگرگونی سازمان‌های مدنی حکومت‌محور پس از تصفیه آنها و قراردادن عناصر نزدیک به ائتلاف حاکم در مدیریت‌شان روش دیگری است که در قبال جریان گولن اتخاذ شد. همزمان، پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶، سازمان‌های مدنی حکومت‌محور جدیدی در سراسر ترکیه در حیطه‌های مربوط به جوانان، آموزش، زنان و خانواده، الخ گسترش یافته‌اند و جای جامعه مدنی حکومت‌محور گولنیستی را گرفته‌اند.

150. Hizmet hareketi

151. https://tr.wikipedia.org/wiki/17-25_Aral%C4%B1k_Yolsuzluk_ve_R%C3%BCC%C5%9Fvet_Operasyonu

حکومت آک پارتی - حرکت ملی گرا همچنين پس از کودتا به دنبال حمايت از برخی سازمان های مدنی محافظه کار جدید، وابسته به طریقت های سنی وفادار به عدالت و توسعه بود. یکی از نمونه ها در این زمینه «بنیاد کمک های بشردوستانه» (اینسانی یارديم وقفی)^{۱۵۲} است که امروزه از حمايت رسمی یا غیررسمی دولت و معافیت مالیاتی وضعیت عام المنفعه برخوردار است. دولت در خدمات رسانی به زلزله زدگان فوریه سال ۲۰۲۳ نقش مهمی به این بنیاد حکومت محور و برخی انجمن های اسلامی دیگر داد که انتقاد نمایندگان مجلس از احزاب مخالف را برانگیخت.^{۱۵۳}

یکی دیگر از اقدامات مرتبط حکومت آک پارتی در این زمینه، سازماندهی اردوها، مدارس تابستانی، کلاس ها و مراسم اجتماعی فوق برنامه دیگر است که مخصوص جوانان دبیرستانی یا دانشجویان عمدتاً از خانواده های مذهبی طراحی می شوند. اردوهای این چنینی برای ترویج فرهنگ اسلامی - ترکی برگزار می شوند و در آنها شرکت کنندگان نیمی از روز را به یادگیری قرآن و الهیات اسلامی می پردازند و بقیه را به سرگرمی و فعالیت های بدنی - ورزشی مشغول هستند. تیراندازی با کمان و یا با تفنگ بادی و نیز اسب سواری به عنوان ورزش های باستانی بیش از سایر فعالیت های بدنی تشویق می شوند. همچنین سمینارها و گفتگوهای منظمی در محل با هزینه دولت برگزار می شود. این شیوه که مشابه آن در ایران نیز وجود دارد (در قالب ساختار سازمان بسیج مستضعفین)، «سیاسی سازی اوقات فراغت»^{۱۵۴} است. چنین برنامه هایی، خصوصاً پس از ۲۰۱۶، جوانان را در معرض روایت های ملی گرایانه و محافظه کارانه از تاریخ کشور اسلامی ترکیه، ملت سازی حول محور خصومت با غرب و یا اقلیت ها، توجیه سیاست های حکومت در لشکرکشی و انجام عملیات در شمال سوریه، لزوم گذار به سیستم ریاست جمهوری از پارلمانی (که با رفراندوم بهار ۲۰۱۷ عملی شد) و حمايت از ائتلاف آک پارتی - م ه پ در انتخابات قرار می دهد.^{۱۵۵}

در ترکیه امروز، سازمان های غیردولتی حکومت محور به بازیگرانی تأثیرگذار با پول وامکانات تبدیل شده اند که با لابی گری پشت درهای بسته می کوشند بر سیاست ها و بودجه حکومت در حوزه های مختلف از جمله زنان و خانواده اثر بگذارند. ماهیت دقیق میزان قدرت لابی گری این سازمان ها در تأثیر بر سیاست های ائتلاف حاکم آک پارتی - حرکت ملی گرا، به سبب شفاف نبودن فضا، همیشه مشخص نیست، ولی این تأثیر یقیناً وجود دارد. در بخش بعدی به مورد سازمان های غیردولتی حکومت محور در حوزه زنان می پردازیم.

152. Humanitarian Relief Foundation, IHH; <https://ihh.org.tr/en>

همچنین بنگرید به: «گرایش ها در جامعه مدنی ترکیه»، صص. ۲۵-۲۲.

153. Nasrettin MAÇIN (Şanlıurfa Milletvekili), "BÜYÜK MİLLET MECLİSİ BAŞKANLIĞI'NA", 10/03/2023; <https://share.google/M558FOCZXnTGnIL2A>

همچنین بنگرید به: میثم بادامچی، «زلزله و لیاقت: ترکیه پس از مصیبت بزرگ»، رادیو زمانه، ۹ اسفند ۱۴۰۱: <https://www.radiozamaneh.com/754810/>

154. politicising leisure

100. برای توضیح تکمیلی مثال اردوهای جوانان بنگرید به:

Bilge Yabancı, "Work for the Nation, Obey the State, Praise the Ummah: Turkey's Government-oriented Youth Organizations in Cultivating a New Nation", 2021, *Ethnopolitics*, 20:4, pp. 467-499.

۲. سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور در حوزه زنان^{۱۵۶}

حاکمیت عدالت و توسعه مدت‌هاست ترویج سبک زندگی محافظه‌کارانه و نوعی محافظه‌کاری اجتماعی را دستورکار خود قرار داده و کوشیده است متفاوت با تعریف نقش زن در دوران جمهوریت، روابط جنسیتی را عمدتاً از زاویه خانواده و مراقبت خانگی بازتعریف کند. حکومت فعلی دستورکار جنسیتی محافظه‌کارانه و ملی‌گرایانه‌ای را ترویج کرده که «رهایی واقعی زنان» را نه در کار کردن بیرون خانه، که در ایفای نقش خانوادگی و مراقبتی در خانه می‌بیند. به زنان خانواده‌های نزدیک به حکومت توصیه می‌شود نقش مادری و تربیت فرزند را در اولویت خود قرار دهند و اولویت را در پرورش نسل‌های جدیدی قرار دهند که به ایدئولوژی ملی‌گرای اسلام‌گرایانه حاکم وفادار باشند. در چنین وضعیتی، سازمان‌های حکومت‌محور زنان با پیوندهای ایدئولوژیک و ارگانیکی با حزب حاکم نقش محوری در کنترل و همسوسازی جامعه مدنی حوزه زنان با دولت ایفا می‌کنند. در نقطه مقابل، سازمان‌های جامعه مدنی حوزه زنان با دولت ایفا می‌کنند. در نقطه گروه‌های مدنی اپوزیسیون ترکیه هستند که می‌کوشند مستقل از دولت و در نقطه مقابل سیاست جنسیتی محافظه‌کارانه رسمی عمل کنند.

به عنوان نمونه، زمانی که اکثریت مجلس ترکیه سیاست جدیدی در حوزه زنان پیشنهاد می‌دهد، سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور زنان معمولاً پیشاپیش از جزئیات آن آگاه هستند. وقتی آک‌پارتی در ۲۰۱۷، برای اولین بار پس از جمهوریت، مجوز انعقاد ازدواج مدنی به دست روحانیون را تصویب کرد، یا در ۲۰۲۰ تصمیم به اعمال تغییراتی در قانون نفقه گرفت، سازمان‌های زنان نزدیک به آک‌پارتی از پیش‌نویس‌های قانونی تهیه‌شده اطلاع داشتند و مطابق با آن کارزارهای تبلیغاتی برای آماده‌سازی افکار عمومی و حمایت از تصویب آنها به راه انداختند.

دولت پیش از قانونگذاری، بر اساس قاعده رایج در نظام‌های دموکراتیک، باید با طیف متنوعی از گروه‌های ذی‌نفع مشورت کند. اما حکومت فعلی ترکیه در سال‌های اخیر تنها از چند سازمان اصلی حکومت‌محور حوزه زنان برای نشست‌های پیش‌اقتنون‌گذاری دعوت می‌کند. سازمان‌های مدنی مستقل و سکولار در حوزه زنان اغلب شکایت دارند که از ۲۰۱۱ به این سو از فرآیندهای مشورتی برای سیاست‌گذاری در حوزه زنان کنار گذاشته شده‌اند و کسی نظر آنها را هنگام تدوین قانون نمی‌پرسد. یعنی مشارکت جامعه مدنی در لابی‌گری و سیاست‌گذاری در حوزه زنان همچون بسیاری دیگر از حوزه‌ها در محیطی نامتقارن صورت می‌گیرد که حکومت پیشاپیش طراحی کرده است.

یکی از کارکردهای سازمان‌های مدنی حکومت‌محور آن است که دیدگاه منفی افکار عمومی نسبت به حاکمان در حوزه زنان را کاهش دهند.

۱۵۶. منبع: مقاله ۲۰۲۱ یابانچی با عنوان: «سازمان جامعه مدنی زنان ترکیه و چالش لابی کردن با ساختار سیاسی استبدادی»؛ Bilge Yabancı, "Lobbying the Autocrat", Democracy and Autocracy, Vol. 19(3) December 2021, American Political Science Association, Published by the Weiser Center for Emerging Democracies (WCED).

حزب عدالت و توسعه در ۲۰۲۰ تغییراتی در قانون مربوط به تجاوز جنسی پیشنهاد کرد که براساس آنها، مجازات متجاوز در صورت ازدواج او با قربانی زیر سن ازدواج، کاهش می‌یافت یا لغو می‌شد. این طرح با اعتراض شدید گروه‌های حقوق زنان و فعالان حقوق کودک در ترکیه روبرو شد و به‌طور گسترده به‌عنوان قانونی که به متجاوز حق فرار از مسئولیت از طریق ازدواج با قربانی می‌دهد، محکوم شد. سازمان‌های زنان نزدیک به دولت در مواجهه با واکنش شدید افکار عمومی علیه این طرح، به توجیه این تغییر در قانون پرداختند و از جمله استدلال می‌کردند که دولت صرفاً در پی حفظ ارزش‌های خانواده بر اساس «سنت‌های ترکی» است.^{۱۵۷} پتانسیل این سازمان‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی در حوزه زنان و جنسیت، و زمینه‌سازی برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های حزب در این حوزه‌ها یکی از دلایل اصلی سرمایه‌گذاری عدالت و توسعه روی آنها است. بدین ترتیب، چنین سازمان‌هایی که بسیاری از همسران و دختران اعضای ارشد آکپارتی نیز عضو آنها هستند از ریزش پایگاه رأی ائتلاف حاکم جلوگیری می‌کنند.

وضعیت کنوانسیون استانبول ضد خشونت علیه زنان نمونه دیگری است. این کنوانسیون پیمانی بین‌المللی است که شورای اروپا در ۲۰۱۱ آن را تصویب کرد و هدف‌اش ایجاد یک چارچوب قانونی برای پیشگیری، مبارزه و مجازات خشونت علیه زنان و خشونت خانگی بود. با اینکه کنوانسیون در استانبول امضا شده بود، ترکیه در مارس ۲۰۲۱ به دستور رجب طیب اردوغان از این کنوانسیون خارج شد. این اقدام با انتقادات گسترده داخلی و بین‌المللی مواجه شد و منتقدان آن را عقب‌گرد در حقوق زنان دانستند.^{۱۵۸}

مقام‌های ترکیه دلیل خروج را مغایرت این کنوانسیون با «ارزش‌های خانوادگی» و وجود قوانین داخلی کافی برای حفاظت از زنان عنوان کردند. اینجا نیز سازمان‌های زنان حکومت‌محور نزدیک به عدالت و توسعه نقش مهمی در توجیه جامعه ترکیه برای خروج از این قانون بر مبنای استدلال‌های محافظه‌کارانه دینی همچون مغایرت این کنوانسیون با «ارزش‌های خانوادگی» و تأکید بر وجود قوانین داخلی بومی برای حفاظت از زنان داشتند. این سازمان‌ها در سال‌های اخیر موفق شده‌اند بخشی از رای‌دهندگان محافظه‌کار را همسو با سیاست‌های حاکمیت علیه اصول برابری جنسیتی مورد دفاع جامعه ال‌جی‌بی‌تی بسیج کنند. به گفته بیلگه یابانجی، محقق این حوزه، این سازمان‌ها در حوزه زنان از الگوی مشابه جنبش‌های محافظه‌کار و پوپولیستی در سراسر جهان پیروی می‌کنند که در آن ارزش‌های «فمونیسم نالیستی»^{۱۵۹} و «پدرسالارانه ناهمجنس‌گرا»^{۱۶۰} اساس است. در این شیوه برابری جنسیتی مفهومی بیگانه با «سنت‌های اصیل ملت» و «ماهیت واقعی زنان» معرفی می‌شود.

۱۵۷. یابانجی ۲۰۲۱، صص. ۱۹-۱۸

۱۵۸. «ترکیه از کنوانسیون منع خشونت علیه زنان خارج شد، شورای اروپا محکوم کرد»، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰ مارس ۲۰۲۱:

<https://www.bbc.com/persian/world56466781-159>

159. Femonationalist

160. heteropatriarchal

سازمان‌های زنان وابسته به حکومت چندین راهبرد اتخاذ کرده‌اند که شباهت‌هایی نیز با راهبردهای رایج در جمهوری اسلامی در حوزه زنان دارند:

- یکی از این راهکارها برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی سالانه و مشارکت در پروژه‌ها و شبکه‌سازی در اروپا و کشورهای دیگر اسلامی است. این شیوه به این سازمان‌ها کمک کرده تا با نهادها، دانشگاهیان و کنشگران همفکر در سایر کشورها، از جمله در میان مسلمانان غرب، پیوند برقرار کنند و شبکه عدالت و توسعه را گسترش دهند.

- شیوه دیگر انتشار یک مجله دانشگاهی حوزه زنان و نیز گزارش‌های تخصصی دیگر است که مفهومی جایگزین «عدالت جنسیتی» را به‌عنوان بدیلی برتر نسبت به «برابری جنسیتی» مطرح می‌کند.^{۱۶۱} مفهوم «عدالت جنسیتی» مورد نظر شاخه زنان آک‌پارتی بر ترکیبی از اسلام و نظریه فمینیستی پسااستعمارگرایانه استوار است. استفاده از نظریه پسااستعمارگرایانه برای آن است که دیدگاه حزب در مورد زنان را در زمینه‌ای فراتر از ترکیه، به‌ویژه در جوامع غیرغربی جنوب جهانی، سایر کشورهای اسلامی و خود غرب در میان جناح چپ دانشگاهی توجیه‌پذیر کند. این موضوع بخشی از سیاست نرم عدالت و توسعه ترکیه در حوزه سیاست خارجی است.

- به لطف دامنه سازمانی گسترده و منابع مالی‌ای که از سوی وزارتخانه‌ها و شهرداری‌های تحت کنترل آک‌پارتی- م ه پ برای سازمان‌های حکومت‌محور تأمین می‌شود، این سازمان‌ها پروژه‌های گوناگونی در سطح ملی و کشوری اجرا می‌کنند که شامل آموزش فنی حرفه‌ای برای زنان بی‌مهارت، حمایت از معتادان، برنامه‌های ادغام برای زنان پناه‌جو، کمک به خانواده‌های فقیر و غیره می‌شود. دسترسی به این پروژه‌ها که قابل قیاس با سازمان‌های غیرحکومت‌محور نیست توانایی این سازمان‌ها را در برقراری ارتباط محلی با گروه‌های هدف افزایش می‌دهد و آنها را به یکی از شریان‌های حیاتی ارتباط حکومت با بدنه جامعه بدل می‌کند. آک‌پارتی به لطف این سازمان‌ها از مطالبات و نارضاایتی‌هایی که درون جامعه می‌گذرد، بی‌خبر نمی‌ماند.

نقش میانجی‌گرانه‌ای که سازمان‌های حکومت‌محور میان گروه‌های هدف و افکار عمومی از یکسو و حکومت آک‌پارتی از طرف دیگر در حوزه‌های مختلف از جمله زنان ایفا می‌کنند، آن‌ها را به دارایی‌هایی ارزشمند برای حکومت اقتدارگرای انتخاباتی در جهت گسترش نفوذ اجتماعی و مشروعیت سیاسی خویش بدل کرده است.^{۱۶۲}

۱۶۱. نگاه به زن در این شیوه از نظر محتوی [نه صورت‌بندی ظاهری] کمابیش مشابه نظر مرحوم مرتضی مطهری در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» است که می‌گفت باید میان برابری و تشابه حقوق زن و مرد در اسلام تفکیک کرد، و اینکه تساوی حقوق غیر از تشابه حقوق است: «آنچه مسلم است این است که اسلام حقوق یک جور و یک نواختی برای زن و مرد قائل نشده است. ولی اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت بزنان قائل نیست، اسلام اصل مساوات انسانها [عدالت] را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است.» بنگرید به: مرتضی مطهری، «نظام حقوق زن در اسلام»، جلد ۱، ص. ۱۴۴.

<https://lib.eshia.ir/50013/1/144/>

۱۶۲. برای توضیح تکمیلی بنگرید به:

Bilge Yabancı, "Acts of Compliance and Tactful Contention: The Polarized Terrain of Women's Organizations in Turkey under Authoritarian Pressure", In Max Grömping & Jessica Teets (eds.) – Lobbying the Autocrat, Michigan University Press, 2023.

فهرست مطالب کتاب اخیر در لینک زیر قابل مشاهده است:

<https://www.liverpooluniversitypress.co.uk/doi/book/3828/9780472075904.10/>

۳. اتحادیه دموکرات‌های ترک:

جامعه مدنی حکومت‌محور دیاسپورای ترک در اروپا^{۱۶۳}

گفتیم حکومت‌کردن صرفاً از راه اجبار و زور و تهدید، پرهزینه و ناپایدار و گاهی ناکارا است. به همین دلیل، حتی رژیم‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرا یا نیمه‌اقتدارگرا مانند ترکیه و ایران برای مشروعیت‌بخشی به خود به شیوه‌های عملکردی و گفتاری مختلفی تکیه می‌کنند. در ادامه خواهیم دید «اتحادیه دموکرات‌های ترک» در همین راستا به بازیگری مؤثر برای مشروعیت‌بخشی به حزب عدالت و توسعه در افکار عمومی جهان و خارج ترکیه بدل شده است؛ آن هم با تکیه بر بخش‌هایی از گفتار مدافع حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها، خصوصاً در بافتار و منطق پسااستعماری. دولت ترکیه در سال ۲۰۰۴ «اتحادیه دموکرات‌های ترک اروپا»^{۱۶۴} را در آلمان بنیان گذاشت که به محور اساسی سازمان‌های غیردولتی حکومت‌محور وابسته به ترکیه در اروپا بدل شده است. قرار دادن کلمه دموکرات در عنوان این سازمان معنادار بود و نشان از کوشش برای هم‌راستا نشان دادن تلاش‌های سازمان با اهداف لیبرال-دموکراتیک اتحادیه اروپا. این نهاد بعدها حوزه کار خود را بزرگ‌تر کرد تا شامل مهاجران مسلمان غیرترک نیز بشود و در ۲۰۱۸ به «اتحادیه دموکرات‌های بین‌المللی»^{۱۶۵} تغییر نام داد.

در این فصل با الهام از ادبیات انتقادی جامعه مدنی، به تحلیل فضای مدنی حکومت‌محور در جامعه دیاسپورای ترکیه در اروپا می‌پردازیم و نشان می‌دهیم چطور عدالت و توسعه از بدو تأسیس، با توجه به ریشه‌های اسلام‌گرایانه‌اش، کوشیده خود را مدافع مظلومان و مستضعفان در جهان نشان دهد امری که مشابه روش‌های جمهوری اسلامی برای کسب مشروعیت خصوصاً در میان مسلمانان جهان است. سازمان حکومت‌محور «اتحادیه دموکرات‌های ترک / اتحادیه دموکرات‌های بین‌المللی» با بهره‌گیری از تجربه‌های روزمره تبعیض و طرد اجتماعی مهاجران در اروپا کوشیده است هویت جمعی تازه‌ای برای ترک‌های مهاجر بر پایه وفاداری به حزب حاکم بسازد؛ هویتی مبتنی بر احساس افتخار به ترکیه قدرتمند با رهبری رجب طیب اردوغان.

۱۶۳. منبع این فصل که در ادامه از آن با عنوان یابانچی ۲۰۲۱ یاد شده از قرار زیر است:

Bilge Yabancı. 2021. "Home State Oriented Diaspora Organizations and the Making of Partisan Citizens Abroad: Motivations, Discursive Frames, and Actions Towards Co-Opting the Turkish Diaspora in Europe", *Diaspora: A Journal of Transnational Studies*, Vol 21, No 2, pp. 139-165.

164. Union of European Turkish Democrat (UETD)

165. Union of International Democrats (UID) <https://u-id.org/en/home/>

پژوهش بیلگه یابانجی در این باره که اساس نگارش بخش پیش رو است، بر اساس ۲۴ مصاحبه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با نمایندگان اتحادیه مزبور و همچنین سازمان‌های مهاجران علوی، کرد و اسلام‌گرا در سوئد، اتریش، بوسنی و هرزگوین و آلمان انجام شده است. گفت‌وگو با دانشگاهیان و روزنامه‌نگارانی که در زمینه مهاجرت و ادغام دیاسپورای ترک در این چهار کشور کار کرده‌اند، منبع دیگر نویسنده بوده است. یابانجی همچنین در چندین مراسم عمومی که سازمان دیاسپورای طرفدار حزب عدالت و توسعه در اروپا سازماندهی کرده، شرکت کرده است. پژوهش او به درک شیوه‌های حکمرانی غیرسرزمینی کشورهای غیردموکراتیک در خارج از مرزهایشان کمک می‌کند. او نشان داده رشد راست افراطی با گرایش ضد مهاجرت و اسلام‌ستیزانه در اروپا به نوبه خود در میان دیاسپورای مذهبی ترک به محبوبیت تصویر «وطن نیرومند و رئیس‌جمهور مقتدر» در برابر غرب دامن زده است. این مثال همچنین نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتدارگرایانه به مرزهای ملی یک کشور محدود نمی‌مانند، بلکه می‌توانند از طریق بازیگران مدنی ولی حکومت‌محور در خارج از مرزها تداوم یابند.

در دهه‌های اخیر، مرکزیت، اهمیت و کارکرد سازمان‌های مهاجران ترکیه‌ای به واسطه تغییر جمعیت دیاسپورای ترک در اروپا و تفاوت در دلایل مهاجرت، یکسان و ثابت نبوده‌اند. شکل‌گیری بسیج دیاسپورایی از طریق سازمان‌های مدنی ترک به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد؛ همزمان با نخستین موج گسترده مهاجرت ساکنان ترکیه به اروپا برای کار و تأسیس انجمن‌های اتنیک و فرهنگی به‌ویژه در آلمان.

با این حال، فعالیت‌های فراملی سازمان‌های دیاسپورای ترک در دهه‌های اولیه محدود بود. اولاً، بسیاری مهاجران ترک هنوز خود را مهاجران موقتی می‌دیدند که قرار است روزی به وطن بازگردند. دوماً، سیاست دولت ترکیه قبل از آک‌پارتی (و در دوران دولت‌های عمدتاً ائتلافی دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی) نسبت به شهروندان مقیم خارج، غالباً به مدیریت و نظارت ارزهای ارسالی آنها محدود می‌شد. این سازمان‌ها نیز بیشتر با کشورهای میزبان اروپایی، با هدف تقویت چندفرهنگی و تسهیل ادغام مهاجران، در ارتباط بودند و فعالیت‌های فراملی مرتبط با کشور مبدأ، یعنی ترکیه، تشویق نمی‌شد.

پس از کودتای نظامی بزرگ ۱۹۸۰ در ترکیه، فضای مدنی دیاسپورایی در میان مهاجران ترک در اروپا در سه جهت گسترش و تنوع یافت. این روند عمدتاً از آلمان آغاز شد و به تدریج به کشورهای اروپایی دیگر گسترش یافت.

در این فصل تمرکز ما بر چهار کشور آلمان، اتریش، سوئد و بوسنی هرزگوین است. این سه روند عبارتند از:

یک. ظهور انجمن‌های زنان و جوانان که بر ترویج حقوق زنان و جوانان مهاجر در کشورهای میزبان تمرکز داشتند و واکنشی به غلبه پیشین مردان مسن در انجمن‌ها بود.

دو. شکل‌گیری سازمان‌های جدید دیاسپورا در پیوند با جریان‌های مذهبی فعال در درون ترکیه، مانند حرکت خدمت فتح‌الله گولن، جنبش «نگاه ملی» (میلی گوروش) با رهبری نجم‌الدین اربکان که پدر معنوی آک‌پارتی و جریان‌های اسلام‌گرای مشابه محسوب می‌شود، و طریقت‌های متشرع و صوفیانه کوچک‌تر اسلام سنی.

سه. پناهندگان سیاسی ترکیه پس از کودتای ۱۹۸۰ که وابسته به اقلیت‌های اتمیکی و دینی کرد و علوی بودند، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انجمن‌های خود را در دیاسپورا تأسیس کردند و به سیاسی‌تر شدن دیاسپورای ترکیه دامن زدند. این تأثیر از جهتی شبیه تأثیر گروه‌های اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی است که به سیاسی شدن دیاسپورای ایرانی دامن زد. اما هدف اصلی این بخش بررسی دوران آک‌پارتی است. زمانی که حزب عدالت و توسعه در نوامبر ۲۰۰۲ در انتخابات پارلمانی پیروز شد، فضای مدنی دیاسپورای ترکیه در اروپا پویا، متنوع و سیاسی بود. سازمان‌های دیاسپورایی کرد و علوی که سکولارتر بودند، نگاهی انتقادی به وضعیت دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه تحت کنترل کمالیست‌ها داشتند. در سال‌های اولیه بعد از ۲۰۰۲، متولیان دولتی امور دیاسپورا نیز نسبت به گروه‌های کرد و علوی رویکردی نسبتاً باز و چندصدایی داشتند. اما این وضعیت به تدریج با تحولاتی که درون آک‌پارتی رخ داد، تغییر کرد.

با تأسیس «اتحادیه دموکرات‌های ترک» در سال ۲۰۰۴ حزب عدالت و توسعه به تدریج یک سیاست از بالا به پایین، آمرانه و پدرسالارانه در قبال دیاسپورای ترک ساکن اروپا اتخاذ کرد و این سیاست را به واسطه نهادهای دولتی و رسمی به پیش برد تا فضای مدنی دیاسپورایی را به شکل سازمان‌مند تحت کنترل خود درآورد. دیگر از سازمان‌های جامعه مدنی که رویکردی انتقادی نسبت به دولت داشتند، استقبال نمی‌شد و ارتباط دولت با دیاسپورا به یک خیابان یک‌طرفه بدل شده بود. این رویکرد به‌رغم یک‌طرفه و آمرانه بودن، همچنان برای بخش‌های مهمی از دیاسپورای ترک در اروپا جذاب بود؛ به‌ویژه برای جمعیت‌هایی که به سبب ادغام نشدن در جامعه مقصد، حس نادیده‌انگاشته‌شدن و تحقیر، هم از سوی جامعه اروپایی و هم الیت‌های سکولار ترکیه، داشتند.



«اتحادیه دموکرات‌های ترک» (نام امروزی «اتحادیه دموکرات‌های بین‌الملل») ابتدا در کلن ثبت شد، اما به سرعت در سراسر اروپا گسترش یافت و در ۱۶ کشور، از جمله بوسنی و هرزگوین، مقدونیه، مجارستان، و جمهوری چک دفتر تاسیس کرد.

رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت، در زمان تأسیس این اتحادیه در ۲۰۰۴ شخصاً به اتریش رفت و از سازمان‌های دیاسپورای ترک خواست تا به واسطه این سازمان مدنی تازه تاسیس، از اهداف آک‌پارتی در داخل ترکیه و خارج از آن حمایت کنند. سازمان غیردولتی حکومت‌محور مزبور پس از تأسیس، اهداف خود را دفاع از حقوق مهاجران ترک در اروپا و تقویت پیوند میان ترک‌های اروپایی و دولت ترکیه را اعلام کرد. اتحادیه که شعبه‌های جداگانه‌ای برای زنان و جوانان داشت، می‌کوشید جوانان مهاجر ترک را با «هویت اصیل» و ارزش‌های اخلاقی ترکی آشنا سازد و پیوندشان را با وطن «مستحکم» کند. اتحادیه با پشتیبانی مالی و سیاسی گسترده دولت ترکیه و ادغام داوطلبانه برخی گروه‌های مستقل زیر چتر این سازمان، توانست بخش بزرگی از فضای مدنی ترکان مهاجر در اروپا را زیر کنترل خود درآورد.



به طور خلاصه:

✍ حزب عدالت و توسعه نه تنها در تأسیس و برکشیدن اتحادیه دموکرات‌های ترک نقش داشت، بلکه مستقیماً از این سازمان غیردولتی حکومت‌محور از نظر مالی و انسانی پشتیبانی می‌کند. گزارش نهاد اطلاعاتی آلمان تأیید می‌کند که اتحادیه تحت هدایت متین گلونک^{۱۶۶}، از نزدیکان اردوغان و اعضای ارشد آک‌پارتی، فعالیت می‌کند.^{۱۶۷}

✍ تفاوت اتحادیه با سایر سازمان‌های دیاسپورایی مستقل در پیوند مستقیم و وفاداری آشکار آن به رجب طیب اردوغان است. اصطلاح «رئیس‌چی»^{۱۶۸} - طرفدار رئیس درمیان اعضای اتحادیه، چنان‌که در میان اعضای آک‌پارتی در داخل ترکیه، رایج است و مستقیماً به اردوغان اشاره می‌کند. وفاداری شخصی به اردوغان در هویت این سازمان حکومت‌محور نقشی محوری دارد. این وفاداری در حدی است که یابانجی از برخی اعضای اتحادیه دموکرات‌های ترک نقل می‌کند: «اگر اردوغان فردا حزب جدیدی تأسیس کند، همه ما از او حمایت خواهیم کرد.»

پس از اعتراضات پارک گزی در ۲۰۱۳ و افزایش گرایش‌های اقتدارگرایانه در حکومت خصوصاً پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶، جمعیت‌های بیشتری از سیاست دیاسپورایی حزب حاکم فاصله گرفتند، ترجیح دادند استقلال خود را حفظ کنند و نگران دخالت حکومت در امور داخلی‌شان شدند. اما جمعیت‌های ملی‌گرا و اسلام‌گرا مشخصاً «میللی گوروش» و «انجمن ترک‌های برلین»^{۱۶۹} - بخشی اساسی از فضای مدنی طرفدار عدالت و توسعه باقی ماندند.

166. Metin Külünk https://en.wikipedia.org/wiki/Metin_K%C3%BCI%C3%BCnk

۱۶۷. یابانجی ۲۰۲۱، ص. ۱۴۷؛ برای توضیح تکمیلی بنگرید به ادامه.

168. reisçi

می‌شود گفت عبارت «رئیس» همانطور به عنوان لقب مشخص اردوغان در بدنه آک‌پارتی - حرکت ملی‌گرا به کار می‌رود، که عبارت «آقا» در ایران خطاب به خامنه‌ای در میان حزب‌اللهی‌ها و طرفداران حکومت.

169. Türkische Gemeinde zu Berlin (TGB)

بسیج انتخاباتی

در کشورهایمانند ترکیه که پیروزی انتخاباتی در آنها منبع اصلی مشروعیت دولت است، رأی دیاسپورا اهمیت حیاتی دارد. طبق داده‌های وزارت خارجه ترکیه در سال ۲۰۱۹، حدود ۶٫۶ میلیون شهروند ترک در خارج زندگی می‌کنند که اکثریت آنها (۵٫۵ میلیون نفر) در اروپا هستند. حق رأی برای ساکنان دیاسپورا پیش‌تر در ترکیه وجود نداشت، اما آک‌پارتی با تغییر قانون حق رأی را به دیاسپورا نیز گسترش داد و به این شیوه پایگاه مشروعیت خود را وسیع‌تر کرد. دولت ترکیه در ۲۰۱۲ قانونی تصویب کرد که به رأی‌دهندگان مقیم خارج اجازه می‌داد در همان کشورهای محل اقامت‌شان رأی دهند.

این تغییر تاثیر خود را به‌زودی نشان داد. وقتی آک‌پارتی در انتخابات ژوئن ۲۰۱۵ برای اولین بار پس از مدت‌ها شکستی نسبی خورد و اکثریت مطلق خود را برای تشکیل دولت طبق قوانین آن زمان از دست داد، اتحادیه دموکرات‌های ترک کارزاری بزرگ در اروپا و در میان مهاجران به نفع برگزاری انتخابات زودهنگام به راه انداخت. در نهایت با برگزاری مجدد انتخابات در نوامبر ۲۰۱۵ آک‌پارتی دوباره به پیروزی رسید اما این بار با حزب حرکت ملی‌گرا ائتلاف کرد که از ابتدای تشکیل دولت عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ تا آن زمان اپوزیسیون محسوب می‌شد.

اتحادیه در ۲۰۱۷، در جریان فراندوم برای گذار به سیستم متمرکز ریاستی و تغییر قانون اساسی، نیز کارزاری در حمایت از رأی «آری» در سراسر اروپا به راه انداخت. شعاراین کارزار- «دوستانارن میهن بله می‌گویند»^{۱۷۰} نشان از استفاده آک‌پارتی از احساسات ملی‌گرایانه برای تغییرات مورد نظر بود. آن فراندوم هم با کوشش دستگاه تبلیغاتی آک‌پارتی به نفع اردوغان پایان پذیرفت. اتحادیه در جریان همه‌پرسی تغییر قانون اساسی ۲۰۱۷ در میان ترک‌های ساکن اروپا تبلیغ می‌کرد که اگر رأی آری ندهند و در انتخابات (به نفع اردوغان) شرکت نکنند، در ترکیه «جنگ داخلی» خواهد شد. قدرت گرفتن احزاب راست افراطی و اسلام‌هراس و بیگانه‌ستیز در برخی کشورهای اروپایی به نوبه خود خوراک تبلیغاتی برای برانگیختن احساسات مهاجران ترک به نفع آک‌پارتی را فراهم کرد.

170. memleket sevdalıları evet diyor

سازمان‌های مدنی حکومت‌محور در داخل و خارج ترکیه برای همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۱۷ فعالانه با گروه‌های هدف خود تماس می‌گرفتند تا متقاعدشان کنند به تغییرات مورد نظر اردوغان آری بگویند. در داخل اعضای این سازمان‌ها در محلات گشت‌زنی می‌کردند و با اصناف و زنان خانه‌دار در مورد این مزایای ادعایی به گفت‌وگو می‌نشستند. میزهای اطلاع‌رسانی در مکان‌های کلیدی شهرهای بزرگ و سمینارهایی توجیهی در دانشگاه‌ها ترتیب داده شد. حتی کارزاری به نام «تاکسی برای آری» ایجاد شد که مردم را به رایگان جابجا می‌کرد تا آنها را از «مزایای سیستم جدید ریاست جمهوری» آگاه کند. همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۱۷، با موفقیت ائتلاف آک‌پارتی- م پ نظام ترکیه را از نظام متکثر پارلمانی به نظام فاقد ریاستی با تمرکز قوا نزد رئیس‌جمهور تبدیل کرد. البته به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان در پژوهش یابانجی، ترک‌های مقیم اروپا در جریان همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۱۷ در موقعیت دشواری قرار گرفتند: «عدالت و توسعه دولت‌های اروپایی و آمریکا را دشمن معرفی می‌کند، اما ما می‌خواهیم اینجا زندگی کنیم.»^{۱۷۱}

در انتخابات شدیداً قطبی‌شده ریاست‌جمهوری و مجلس ترکیه در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ نیز رأی شهروندان ترکیه‌ای ساکن اروپا که بیشترشان دارای تابعیت دوگانه‌اند، در پیروزی آک‌پارتی نقشی مهم داشت. شورای عالی انتخابات ترکیه آن زمان اعلام کرد که حدود ۳٫۵ میلیون شهروند خارج‌نشین برای شرکت در انتخابات ثبت‌نام کرده بودند، گرچه بخش مهمی برغم تبلیغات به آک‌پارتی رای ندادند.



۱۷۱. (به نقل از یابانجی، ۲۰۲۱)

«اتحادیه» به عنوان بازوی سیاست خارجی آک‌پارته در اروپا

«اتحادیه دموکرات‌های ترک/دموکرات‌های بین‌الملل» علاوه بر برگزاری کارزار در ایام انتخابات، در زمان بحران‌های سیاسی در داخل ترکیه به نفع آک‌پارته در اروپا تظاهرات خیابانی راه می‌اندازد و از تظاهرات برای فشار از پایین علیه دولت‌های میزبان اروپایی جهت محدود کردن انتقاد از اردوغان استفاده می‌کند. این اعتراضات همچنین با هدف شکل‌دهی به افکار عمومی اروپا و کم‌اثر کردن تظاهرات مخالفان در ترکیه و دیاسپورا انجام می‌شود. به عنوان نمونه، اتحادیه در پاسخ به اعتراضات گزی در ۲۰۱۳، تظاهرات بزرگی با نام «احترام به دموکراسی» در شهر دوسلدورف ترتیب داد که ۲۵ هزار ترک‌تبار از آلمان و کشورهای همسایه در آن شرکت کردند. سلیمان چلیک، رئیس وقت اتحادیه در این گردهمایی گفت که ترکیه پیش از اردوغان، کشوری با بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی عقب‌مانده بود. چلیک افزود «قدرت آک‌پارته قدرت ماست . . . ما [پیش از اردوغان] شهروند کشوری بودیم که صدایی در عرصه جهانی نداشت و دموکراسی‌اش با کودتا قطع می‌شد.» اتحادیه تجمع دوسلدورف را فرصتی می‌دانست تا جامعه ترک‌های اروپا حمایت خود را از دولت اردوغان ابراز کند. تظاهرات طرفداران آک‌پارته در نقاط مختلف اروپا پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ یا در پی عملیات «شاخه زیتون» ارتش ترکیه در سوریه (۲۰۱۸) نیز با دعوت اتحادیه برگزار شد. در انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری و پارلمانی ۲۰۱۸، آلمان مرکز فعالیت‌های انتخاباتی اتحادیه بود، چرا که نیمی از رأی‌دهندگان دیاسپورایی به عدالت و توسعه در آلمان زندگی می‌کنند.^{۱۷۲}

البته پس از اوج گرفتن سرکوب آزادی‌ها و نقض حقوق بشر در داخل ترکیه، روابط آنکارا با اتحادیه اروپا وخیم‌تر شد و دولت‌های اروپایی مانند آلمان، اتریش و هلند شروع به گذاشتن محدودیت برای تظاهرات‌های انتخاباتی اتحادیه به نفع اردوغان کردند.

پس از همه‌پرسی تغییر قانون اساسی، انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در یک روز برگزار می‌شوند که باعث تمرکز قدرت و کم‌رنگ شدن احتمال برآمدن مجلسی منتقد رئیس‌جمهوری شده است.

آلمان، اتریش و هلند که بیشترین مهاجران ترکیه‌ای در اتحادیه اروپا را در خود جای داده‌اند، در مه ۲۰۱۸ و در اعتراض به فضای ناعادلانه انتخابات، سیاستمداران حزب عدالت و توسعه را از تبلیغات انتخاباتی در خاک خود پیش از انتخابات آن سال منع کردند. در واکنش، رجب طیب اردوغان، نامزد اصلی در انتخابات از طرف آک‌پارته و حرکت ملی‌گرا، با همکاری «اتحادیه دموکرات‌های ترک» تصمیم گرفت تجمع بزرگ انتخاباتی را در ساریوو، پایتخت بوسنی، برگزار کند.^{۱۷۳}

۱۷۲. بیانچی ۲۰۲۱، ص. ۱۴۹

173. Mersiha Gadzo, "Turkish elections: Erdogan holds rally in Bosnia's Sarajevo", Aljazeera, 20th May

2025:

<https://www.aljazeera.com/news/2018/5/20/turkish-elections-erdogan-holds-rally-in-bosnias-sarajevo>

روابط شخصی اردوغان با باقر عزت بگوویچ، رهبر حزب اصلی ائتلاف حاکم بر بوسنی، و عضو نبودن این کشور در اتحادیه اروپا، امکان این انتقال را فراهم کرد. اتحادیه دموکرات‌های ترک اتوبوس‌هایی از اتریش، آلمان، هلند، دانمارک و فرانسه برای انتقال هواداران به بوسنی تدارک دید، چرا که جمعیت ترک‌های بوسنی که بخواهند به استقبال اردوغان بروند، اندک بود. رسانه‌های آک‌پارتی جابجایی محل برگزاری تجمع از اتحادیه اروپا به سارایوو را با «روایت پیروزمندانه‌ای» بازگو کردند که اروپا را به‌عنوان «سرکوبگر آزادی بیان» معرفی می‌کرد و حاکمان ترکیه را طرفدار «همزیستی و آزادی بیان».

اتحادیه دموکرات‌های ترک همچنین نقشی نظارتی در رابطه با مخالفان حکومت در اروپا ایفا می‌کند و مشخصاً پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ در ترکیه پیروان جنبش فتح‌الله گولن را هدف قرار داده است.

به‌علاوه، این اتحادیه به‌عنوان واسطه‌ای برای جمع‌آوری و انتقال پول از دیاسپورا و انتقال آن به نهادهای امدادی بشردوستانه چون هلال احمر، زیر نظر دولت ترکیه، عمل می‌کند. این کارزارهای جمع‌آوری خیریه هم‌راستا با اهداف سیاست خارجی آک‌پارتی پیش برده می‌شوند در قالب کارزارهایی که در آنها اردوغان به‌عنوان «صدای مظلومان مسلمان در سراسر جهان» معرفی می‌شود. برای مثال، اتحادیه در کارزاری در ۲۰۱۷، مبلغ سه میلیون یورو برای مسلمانان گریخته از میانمار جمع‌آوری کرد. در جریان این کارزار، ظفر سیراکایا، رئیس وقت اتحادیه دموکرات‌های ترک، تاکید می‌کرد که ترکیه نخستین کشوری است که به یاری مسلمانان آراکان در میانمار شتافته است. به گفته او، اتحادیه همچنین توانسته بود سه میلیون یورو برای هلال احمر جمع‌آوری کند که بزرگ‌ترین کمک مالی به این نهاد در تاریخ ترکیه از سوی یک سازمان مدنی اروپایی بود.^{۱۷۴} این نمونه در کنار نمونه‌های متعدد مشابه دیگر به فقدان مرزبندی بین دولت و جامعه مدنی در فعالیتهای مدنی حکومت‌محور اشاره دارد. در واقع آک‌پارتی به‌واسطه اتحادیه دموکرات‌های ترک، به بازتولید «ژئوپلیتیک تمدنی» و پان‌اسلامیستی خود در میان دیاسپورای مقیم اروپا می‌پردازد.



نقش منافع اقتصادی - سیاسی برای اعضای وفادار به عدالت و توسعه

اتحادیه دموکرات‌های ترک در کنار جذب کمک‌های مالی و معنوی از دیاسپورا در مواقع نیاز، نقش میانجی در انتقال منافع مادی، پرستیژ و امتیازات به اعضای وفادار دیاسپورا را نیز برعهده دارد.

اعضای این جامعه مدنی حکومت‌محور در حالت کلی به دو طبقه تقسیم می‌شوند: جوانان و اعضای دون‌پایه‌تر و منفعل‌تر که از بورسیه‌ها، دوره‌های آموزشی، اردوهای تابستانی و سهمیه‌های دانشگاهی ویژه ترک‌های خارج‌نشین در ترکیه بهره‌مند می‌شوند؛ و اعضای ارشد و فعال (معمولاً مردانی مسن با گرایش محافظه‌کارانه و ملی‌گرا) که از امتیازات سیاسی، مادی و پرستیژ اجتماعی مختص آک‌پارتی برخوردار می‌شوند. اتحادیه برای آنها به نردبانی برای ارتقای شغلی و منفعت مادی شخصی در ترکیه نیز تبدیل می‌شود.

برای نمونه، ظفر سیراکایا^{۱۷۵}، رئیس اسبق اتحادیه و فردی که در کمپین‌های انتخاباتی ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ نقش مهمی برای تبلیغ به نفع اردوغان در اروپا داشت، از ۲۰۱۸ تا امروز (اویل ۲۰۲۶) دو دوره به‌عنوان نماینده پارلمان ترکیه از حزب عدالت و توسعه انتخاب شده است. به طریق مشابه، اعضای خانواده برخی اعضای ارشد اتحادیه در رسانه‌های دولتی نزدیک به آک‌پارتی به مقام‌های کلیدی رسیده‌اند^{۱۷۶}.

یک روزنامه‌نگار ترک‌تبار آلمانی و رأی‌دهنده به آک‌پارتی در پاسخ به این پرسش که چرا برخی نمایندگان اتحادیه از مصاحبه با یابانجی طفره می‌روند، به طعنه گفته بود: «چون چیزی برای گفتن درباره ترک‌های اینجا ندارند! ولی اگر می‌گفتی در ترکیه فرصت سرمایه‌گذاری سودآور داری، فوراً جواب می‌دادند!»

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در جامعه‌ی دیاسپورای آلمان به یابانجی می‌گوید: «اعضای ارشد اتحادیه امروز علاقه‌ای به مشکلات دیاسپورا ندارند. آنها بیشتر در فکر مهاجرت دوباره به ترکیه‌اند، با این دغدغه که آنجا سمتی دولتی بگیرند. هرچه بیشتر با دولت‌های اروپایی درگیر شوند (و در پی منافع آک‌پارتی آنها را ضدترک و ضداسلام بنامند)، پست‌های بهتری از آنها می‌گیرند!»

همان‌طور که یابانجی در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد، نظام انتقال منابع و روابط به شیوه حزب‌بازانه (به تعبیر فارسی، پارتی‌بازی) میان اتحادیه و آک‌پارتی نشان می‌دهد که چگونه سازمان‌های دیاسپورایی می‌توانند به‌واسطه وابستگی متقابل مادی و سیاسی به حکومت در کشور مبدأ، اقتدارگرایی و خویشاوندمحوری را تقویت کنند و از آن سود اقتصادی و سیاسی ببرند.

175. Zafer Sirakaya

۱۷۶. در فضای پس از کودتای نافرجام تابستان ۲۰۱۶، آک‌پارتی کنترل تقریباً ۸۰ درصد رسانه‌های ترکیه، اعم از تلویزیون و روزنامه را در اختیار دارد و فضای رسانه‌ای برای مخالفان بسیار تنگ و باریک است.

خرید مشروعیت بین المللی

با تکیه بر گفتار حقوق بشری و مبارزه با اسلام‌هراسی

یکی از مهم‌ترین راهبردهای عدالت و توسعه در مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های ترکیه در سال‌های اخیر، جلب توجه دائمی به شیوع اسلام‌هراسی در اروپا و قدرت‌گرفتن گرایش‌های راست افراطی ضد‌مهاجرت در آنجاست. در این راستا، اتحادیه دموکرات‌های ترک، به شیوه‌ای متناقض با سیاست عدالت و توسعه در داخل ترکیه، کشورهای اروپایی را به ناکامی در ترویج چندفرهنگی‌گرایی، تکثرگرایی و رفتار برابر متهم می‌کنند. رئیس پیشین اتحادیه دموکرات‌های ترک در پیامی به مناسبت سال نو میلادی ۲۰۱۸ گفته بود:

«اتحادیه اروپا که پروژه‌ای بر مبنای صلح و چندفرهنگی‌گرایی و تکثرگرایی و چندزبانگی است، امروز با تهدیدی به نام اسلام‌هراسی روبه‌روست. . . ما با نگرانی بسیار، افزایش نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی را در اروپا دنبال می‌کنیم. حقوق اقلیت‌های مسلمان پاس داشته نمی‌شود و . . . ترک‌های اروپا از حقوق بنیادین خود محروم شده‌اند. سال‌هاست که این موضوع مورد غفلت دولت‌های اروپایی است.»

اتحادیه با بهره‌برداری از گفتار حقوق بشری برای قربانیان حملات نئونازی‌ها در اروپا مراسم یادبود برگزار می‌کند و به صدور بیانیه‌های مطبوعاتی در مورد تبعیض و نفرت‌پراکنی علیه مهاجران ترک و مسلمان می‌پردازد. اتحادیه (و در واقع آک‌پارتی) به این شیوه گفتاری می‌سازند که به جای تمرکز بر موارد نقض حقوق بشر در ترکیه، نقض حقوق بشر در اتحادیه اروپا را برجسته می‌کند. به تعبیر بیلگه یابانجی، این گفتار به بسیج احساسات به نفع آک‌پارتی در میان مهاجران ترک یاری می‌رساند.

در این زمینه پژوهش خلیل ابراهیم ینی‌گون و سینم آدار نیز شایسته توجه است.^{۱۷۷} اگر تحلیل آنها را مبنا قرار دهیم، اتحادیه با بهره‌گیری از گفتار حقوق بشری و نوعی «چارچوب‌گذاری تمدنی»، شبه‌دانشی ضد‌هژمونیک تولید می‌کند که در آن ترکیه به رهبری آک‌پارتی به‌عنوان حامی خیرخواه و انسان‌گرای مقاومت «ضد امپریالیستی» و «ضد غربی» و مدافع چندفرهنگی‌گرایی و حقوق مهاجران تصویر می‌شود.

۱۷۷. بنگرید به:

Adar, Sinem, & Halil Yenigün. May 6th, 2019. "A Muslim Counter-Hegemony?: Turkey's Soft Power Strategies and Islamophobia". *Jadaliyya*, <https://www.jadaliyya.com/Author/8134>



در این چارچوب تمدنی انحصارگرایانه که خصوصاً پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ در گفتار سیاسی حزب عدالت و توسعه و سازمان‌های وابسته به آن غلبه یافته است با تأکید بر بحران پناهجویان در غرب و حضور نزدیک به سه میلیون پناهجوی سوری در ترکیه پس از جنگ داخلی در آن کشور، تقابل روشنی میان «غرب دشمن پناهجویان و مهاجران» از یک‌سو، و «ترکیه مهمان‌نواز و بردبار» از سوی دیگر ترسیم، و از آن برای تولید مشروعیت به نفع حزب حاکم استفاده می‌شود. این کار همزمان پوششی برای نقض حقوق بشر در داخل ترکیه است.

احساس نادیده‌انگاری، تبعیض و برخورد نابرابر در میان ترک‌تباران آلمان و نگرانی‌ها در میان مهاجران مسلمان نسبت به احساسات ضد مهاجرتی در کشورهای محل اقامت‌شان در اروپا، به اتحادیه این امکان را داده که دیاسپورای ترک را به‌طور مؤثری به نفع گفتار آک‌پارتی بسیج کند. تغییر نام از «اتحادیه دموکرات‌های ترک اروپا» به «اتحادیه دموکرات‌های بین‌المللی» در ۲۰۱۸، در چارچوب گسترش افق جغرافیایی و سیاسی این سازمان به فراتر از اروپا صورت گرفت.

گسترش دامنه فعالیت‌های اتحادیه به منطقه بالکان (بوسنی، سارایوو و ..) نشان‌دهنده تمایل آن به جذب ساکنان مسلمان اروپا، فراتر از مهاجران آمده از ترکیه است و باید آن را هماهنگ با سیاست خارجی پان‌اسلامیستی و اهداف قدرت‌طلبانه حزب عدالت و توسعه دانست. این هدفی است که جمهوری اسلامی ایران نیز از بدو انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در پی آن بوده است، اما به سبب تضعیف نظامی در سال‌های اخیر زیر سایه جنگ و تحریم‌های گسترده، دیگر آن ابهت و تأثیر قبلی را ندارد. در نتیجه کنشگرانی چون ترکیه و قطر امروز تا حدی جای ایران را در حوزه قدرت نرم اسلامگرایی در حوزه بین‌المللی گرفته‌اند.

جامعه نامدنی:

استفاده ابزاری از اتحادیه برای سرکوب در خارج

دایره‌المعارف بین‌المللی جامعه مدنی، از عبارت «جامعه نامدنی»^{۱۷۸} در توصیف سازمان‌ها و شبکه‌هایی استفاده می‌کند که به ترویج و گسترش افکار دگماتیک و انحصارگرایانه و ناسازگار با رواداری، قانون‌شکنی عمومی و حتی خشونت دامن می‌زنند.^{۱۷۹} پس از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، گزارش‌هایی در رسانه‌های اروپایی منتشر شد که اتحادیه دموکرات ترک را به لفزیدن به سمت «جامعه نامدنی» متهم می‌کرد. بر اساس این گزارش‌ها، اتحادیه از ابزارهای فراحقوقی و فراقانونی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده است و به‌طور مشخص شبکه‌های محلی خود را تشویق کرده است تا طرفداران جنبش گولن را شناسایی کنند، به خیرچینی از آنها دست بزنند، و نام‌های آن‌ها را به دولت ترکیه بدهند. هدف اتحادیه نظارت بر فعالیت گولنیست‌ها در اروپا و جلوگیری از گسترش آنها بود. اعضای دیاسپورای ترک در اروپا گاه تحت فشارهای درون‌گروهی قرار گرفتند تا گولنیست‌های احتمالی میان خویش را از جمله در میان پناهندگان معرفی کنند، از آنها فاصله بگیرند، و حتی مانع اجاره خانه به آنها یا اقامت‌شان در محله‌هایی با جمعیت زیاد ترک‌تبار شوند.

در این زمینه همچنین لازم است به گروه «عثمان ژرمانیا» (عثمانیان آلمان)^{۱۸۰} باشگاهی رزمی با هویت ملی‌گرای ترک اشاره کرد. عثمان ژرمانیا که وزارت کشور فدرال آلمان فعالیت آن را از ۲۰۱۸ ممنوع اعلام کرد، یک گروه راست افراطی بود که در اوایل ۲۰۱۵ در آلمان تشکیل شد و در میان مهاجران ترک طرفدار داشت.

دستگاه اطلاعاتی آلمان ۲۰۱۷ گزارشی از روابط بین عثمان ژرمانیا و متین گلونک، از نزدیکان اردوغان و نماینده مجلس کنونی از آک‌پارتی منتشر کرد. بر اساس این گزارش، گلونک اجرای مأموریت «ارباب بومرمان»^{۱۸۱} را به عثمانیان آلمان سپرده و ۲۰ هزار یورو نیز به این کار اختصاص داده بود. بومرمان در برنامه‌ای تلویزیونی شعری تمسخرآمیز درباره اردوغان خواند که بحران دیپلماتیکی بین ترکیه و آلمان به دنبال داشت. به گزارش سرویس اطلاعاتی آلمان، گلونک همچنین به اعضای عثمانیان آلمان دستور داده بود که «کردها را با چوب بزنید و فیلمش را بگیرید» تا بقیه مخالفان در خارج از کشور درس عبرت بگیرند.

مقامات دانمارک نیز در ۲۰۱۸ عثمانیان آلمان را به برنامه‌ریزی برای ترور گولنیست‌ها متهم کردند و پس از آن بود که وزارت کشور آلمان این گروه را به اتهام تهدید به قتل، پولشویی، مواد مخدر و . . . ممنوع اعلام کرد. برخی از اعضای گروه دستگیر شدند و برخی دیگر از کشور گریختند.

178. Uncivil Society

179. Glasius, Marlies. 2010. "Uncivil Society." In International Encyclopedia of Civil Society, ed. Helmut Anheier and Stefan Toepler, 1583 – 88. New York : Springer. به نقل از مقاله یابانجی

181. Jan Böhmermann https://en.wikipedia.org/wiki/Jan_B%C3%B6hmermann

در پی این اتفاقات، سازمان اطلاعات فدرال و وزارت کشور آلمان تحقیقات رسمی درباره اتحادیه دموکرات‌های ترک و سازگاری فعالیت‌های آن با نظم دموکراتیک و قانون اساسی در آلمان را آغاز کرد و نتیجه گرفت که اتحادیه در راستای منافع داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه، بر دیاسپورای ترک و فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی در آلمان تأثیر می‌گذارد.

گزارش جداگانه مقامات امنیتی اتریش نیز تأیید می‌کرد که اتحادیه وفاداری بی‌قید و شرطی به دولت ترکیه و حزب عدالت و توسعه دارد.^{۱۸۲}

مطابق تحقیقات سینم آدار، پژوهشگر ترک مقیم آلمان، درهم‌تنیدگی عرصهٔ انجمنی و سیاسی در فضای مدنی حکومت‌محور دیاسپورا بر پایهٔ تماس روزافزون میان حزب حاکم عدالت و توسعه و بازیگران جامعه مدنی شکل گرفته است.^{۱۸۳} بدین ترتیب، اتحادیه دموکرات‌های ترک و نیز «اتحادیه تورک-اسلام» (دیانت ایشلری تورک ایسلام بیرلیگی)^{۱۸۴} شبکه‌ای از روابط مبتنی بر حمایت و پاداش میان دولت و فضای مدنی دیاسپورا ایجاد کرده‌اند.

اتحادیه تورک-اسلام که در سال ۱۹۸۴ در فضای پس از کودتا با نیت تقویت مذهب در برابر کمونیسم در میان ترک‌تباران مقیم دیاسپورا تاسیس شد، در واقع بازوی سازمان دیانت ترکیه است که در دوران آک‌پارتی توسعه یافته است. به گزارش نشریه اکونومیست در سال ۲۰۱۶، این نهاد بودجه ۹۰۰ مسجدا را در آلمان تأمین می‌کند. اگرچه اتحادیه تورک اسلام ادعا می‌کند که مستقل از دولت ترکیه است، امامان جماعت و معلمان مذهبی آن که رسماً به عنوان کارمندان سازمان دیانت دولت ترکیه طبقه‌بندی می‌شوند همچون هم‌تایان‌شان در در مساجد ترکیه، در آنکارا آموزش می‌بینند و از ترکیه به آلمان اعزام می‌شوند.^{۱۸۵}

۱۸۲. یایانچی ۲۰۲۱، صص. ۱۵۶-۱۵۴

183. Adar, Sinem. 2019. "Rethinking Political Attitudes of Migrants from Turkey and Their Germany-Born Children" SWP Research Paper 7, Berlin.

184. DİTİB: Diyanet İşleri Türk-Islam Birliği https://en.wikipedia.org/wiki/Turkish-Islamic_Union_for_Religious_Affairs

185. Old faultlines, The Economist, August 6th 2016, <https://www.economist.com/europe/2016/08/06/old-faultlines>



نتیجه‌گیری

مباحث این فصل این پرسش را بی‌پاسخ گذاشت: سازمان‌های مدنی وابسته به دولت مبدأ در دیاسپورا تا چه اندازه پایدار و مقاوم هستند و چقدر می‌توانند دوام بیاورند؟ پاسخ تا حدی به منابع این سازمان‌ها بستگی دارد. اتحادیه دموکرات‌های ترک در دیاسپورا هنوز به دلیل جایگاه خود به‌عنوان بازوی خارجی حزب حاکم عدالت و توسعه، از منابع مالی گسترده برخوردار است. اما این به معنای کنترل کامل دولت بر فضای مدنی دیاسپورای ترک در اروپا نیست و هنوز صداهای منتقد و مستقل در آن به گوش می‌خورند.

دوام سازمان‌های مدنی حکومت‌محور به تداوم حاکمیت آک‌پارتی در داخل ترکیه وابسته است. این نهادهای شبه‌مدنی از یک سو حکومت آک‌پارتی را تقویت می‌کنند و از سوی دیگر تداوم آنها به تداوم تسلط آک‌پارتی (و حزب دست راستی حرکت ملی‌گرا) بر کلیت دولت وابسته است. پس می‌توان حدس زد که در صورت گذار سیاسی و تحول رژیم حاکم در ترکیه، شکاف‌ها و تنوع‌های درون جامعه مدنی نیز به نفع منتقدان ایدئولوژی ملی‌گرای محافظه‌کار حاکم تشدید خواهد شد.

فصل ہشتم

مقاومت خلافانہ جامعہ مدنی برابر اقتدار گرایے



مقاومت خلاقانه جامعه مدنی برابر اقتدارگرایی

در اینجا منظور از «مقاومت» آن است که هرچه حزب حاکم بیشتر عرصه‌های انتخاباتی و حزبی را دستکاری می‌کند، نیروهای اجتماعی مخالف نیز به همان اندازه به جست‌وجوی اشکال سازمانی جایگزین در جامعه مدنی می‌پردازند. افول دموکراسی در ترکیه در سال‌های اخیر چالش‌های جدی‌ای برای سازمان‌ها و جنبش‌های مستقل جامعه مدنی به وجود آورده است. حزب عدالت و توسعه پس از اعتراضات سراسری گزی در بهار و تابستان ۲۰۱۳، هدف قرار دادن گروه‌های ذی‌نفع و کنشگران مدنی را آغاز کرد که توانایی بسیج افکار عمومی در زمینه مسائل مهم را دارند. این وضعیت پس از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ به اوج رسید و امنیتی‌سازی کنشگری در حوزه‌های مرتبط با حقوق بشر و دموکراسی تشدید شد. آنچه کار را برای گروه‌های مدنی جز خود سرکوب دشوار کرد، دشوار بودن پیش‌بینی سرکوب سیاسی است، یعنی فضایی که در آن مسائلی که روزی مجاز تلقی می‌شدند، چه بسا چندسال بعد به خطوط قرمز تبدیل شوند. همین به نوبه خود به بازآرایی و تغییر راهبرد در جامعه مدنی اپوزیسیون و مستقل منجر شده است.^{۱۸۶}

گروه‌های مدنی مستقل منتقد وضع موجود در ترکیه در سال‌های اخیر کوشیده‌اند خود را با تغییر سریع در شیوه‌های سرکوب از طرف حاکمیت سازگاری دهند. آنها به متنوع‌سازی و نوآوری در کنش‌ورزی دموکراتیک خویش در قالب اعتراضات، پیگیری قضایی، لابی‌گری غیرمستقیم و سایر کمپین‌های آگاهی‌بخشی عمومی دست زده‌اند، و نیز روابط ساختاری جدیدی براساس ائتلاف‌های تقاطعی با گروه‌های مختلف ایجاد کرده‌اند. جنبش‌های برابری جنسیتی، زنان، کارگری و زیست‌محیطی در سال‌های اخیر مهارت‌های قابل توجهی در این زمینه‌ها پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند در فضای بسته به بقای خود ادامه دهند. بیلگه یابانچی استراتژی این گروه‌ها را «جدال سنجیده»^{۱۸۷} نام می‌نهد و توضیح می‌دهد این روش‌ها طی سال‌ها با آزمون و خطا توسعه یافته است.

به بیان دیگر، در بحبوحه‌ای که سیستم سیاسی به سرعت در حال حرکت به سمت اقتدارگرایی است، جامعه مدنی به دنبال شیوه‌های کنشگری جایگزین رفته و به طور فزاینده‌ای خود را در قالب شبکه‌ای از جنبش‌های اجتماعی با سازماندهی افقی، گروه‌های غیررسمی و موقت، گروه‌های محلی و اجتماع‌محور، و پلتفرم‌های منطقه‌ای موضوع‌محور بازسازی کرده است. این استراتژی‌ها همچنین شامل غیررسمی‌سازی فعالیت (برای پنهان‌ماندن از دید حکومت)، و نیز ابراز خشم‌های محلی و فوری به شیوه‌هایی است که طنین جهانی و تاثیر بیشتری دارند. به قول یکی از پاسخ‌دهندگان به بیلگه یابانچی: «اگر یک راه را بر ما ببندند، راه دیگری اختراع می‌کنیم.» این کلید تاب‌آوری جامعه مدنی منتقد حکومت در ترکیه است.^{۱۸۸}

۱۸۶. یابانچی ۲۰۲۱، صص. ۱۹-۲۰.

187. tactful contention

۱۸۸. «صد سال تنهایی جامعه مدنی ترکیه؟»، یابانچی ۲۰۲۳

۱. سازمان‌های مستقل زنان ترکیه

فروپاشی دموکراسی در ترکیه باعث شده سازمانهای زنان در این کشور با دگرگونی در ساختارهایشان به سمت شبکه‌های افقی‌تر و بسیج نیرو در سطح توده‌های مردم حرکت کنند. ظهور شبکه‌های جدید زنان در سال‌های اخیر از این منظر قابل توجه است. در این شبکه‌ها کنشگرانی عمدتاً از زنان تحصیل کرده و شهری ۲۰-۳۰ ساله رهبری را در دست دارند. این سازمان‌ها توانسته‌اند تا حدی جایگزین سازمان‌های مردم‌نهاد حرفه‌ای‌تر شوند و از طبقات، مناطق، و سنین مختلف نیرو جذب کنند.

سازمان‌های مدنی مستقل زنان امروز در ترکیه می‌کوشند با زنان از پیشینه‌های گوناگون و متنوع و نه لزوماً از میان افراد مشابه خود ارتباط برقرار کنند و با تشکیل ائتلاف‌ها، بر شکاف‌های سنتی در جامعه ترکیه سکولار- مذهبی، ترک-کرد، چپ-راست و غیره غلبه کنند. اکنون در ترکیه فمینیست‌های سکولار و مسلمان با یکدیگر همکاری می‌کنند تا از حق تصمیم‌گیری زنان بر سر بدن، پوشش، و نقش اجتماعی‌شان در برابر مداخله حکومت دفاع کنند.^{۱۸۹} این تجربه‌ها می‌تواند برای گروه‌های فمینیستی ایران نیز جالب و آموزنده باشد.

البته که سازمان‌های زنان با گرایش مذهبی و سکولار از گفتارهای متفاوتی بهره می‌گیرند. فمینیست‌های اسلامی با استناد به متون دینی، تفاسیر مردسالارانه توجیه‌کننده تبعیض و خشونت علیه زنان را به چالش می‌کشند، و شبکه‌های سکولار زنان نیز غالباً بر مفاهیمی از برابری جنسیتی تأکید می‌کنند که جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو پلاس را نیز در برمی‌گیرد. این شیوه آگاهی متقابل گروه‌ها نسبت به یکدیگر را افزایش داده است: بر خلاف گذشته زنان سکولار ترکیه نگرش بازتری نسبت به عاملیت زنان مسلمان پیدا کرده‌اند، و زنان مسلمان نیز آمادگی بیشتری برای بحث در مورد موضوعات تابو از منظر فقه اسلامی مانند سقط جنین، همجنس‌گرایی، یا طلاق یافته‌اند. بسیاری از این فعالان معتقدند که در سال‌های اخیر، زنان و جوانان چه مذهبی و چه سکولار و غیرمذهبی با چالش نقش‌های جنسیتی تحمیل شده از سوی حکومتی روبرو هستند که گرایش‌های ملی‌گرایانه، محافظه‌کارانه، اسلام‌گرایانه و اقتدارگرایانه را در خود دارد و راه مقاومت در برابر آن دستیابی به اتحاد در کنار پذیرش تکثر است.

مجمع‌های گفت‌وگوی موسوم به «مجالس زنان»^{۱۹۰} نمونه‌ای موفق از مشارکت مدنی‌اند که اخیراً در ۲۵ شهر، منطقه و یا دانشگاه در مناطق شهری پرجمعیت ایجاد شده‌اند. این مجامع، به عنوان نوعی تجربه دموکراتیک، زنان را ترغیب می‌کنند تا فارغ از وابستگی سیاسی یا ایدئولوژیک، خواسته‌های خود را مستقیم طرح کنند.

۱۸۹. یابانچی ۲۰۲۱، ص. ۲۰

190. Kadın Meclisleri

موضوعات مورد بحث در جلسات از محکومیت ازدواج‌های زودهنگام و اجباری تا محکومیت خشونت تا مطالبه دستمزد برابر زن و مرد را شامل می‌شوند و به اشتراک‌گذاری تجربه، دانش، شبکه‌سازی و افزایش دانش حقوقی می‌انجامند.

با وجود خشونت پلیس و دشواری تظاهرات و تجمع‌های بزرگ، به‌ویژه پس از کودتای ۲۰۱۶، سازمان‌های زنان همچنان در مناطق شهری تظاهرات مسالمت‌آمیز برگزار می‌کنند و از فضای مجازی نیز بهره می‌برند. شبکه‌های اجتماعی به پلتفرم اصلی برای سازماندهی و گسترش اعتراضات تبدیل شده‌اند.

هرچند اعتراضات لزوماً مانع تصویب قوانین جدید ناقض حقوق زنان نمی‌شوند، اما تداوم آنها به حفظ همکاری بین سازمان‌های زنان و نیز آگاهی‌رسانی عمومی در شرایط خفقان رسانه‌ای یاری می‌رسانند. برای نمونه، پس از تصمیم ناگهانی دولت برای خروج از «کنوانسیون منع خشونت علیه زنان» در ۲۰ مارس ۲۰۲۱ و به‌رغم همه‌گیری کرونا، تظاهراتی گسترده فوراً از طریق شبکه‌های اجتماعی سازماندهی شد و نشست‌های متعددی نیز به‌صورت آنلاین برگزار شد.

در سال‌های اخیر سازمانی متشکل از وکلای کنشگر به نام «ما قتل زنان را متوقف خواهیم کرد»^{۱۹۱}، به‌صورت حقوقی از قربانیان خشونت خانگی یا خانواده‌های آنها در پرونده‌های قتل حمایت می‌کند و با حضور در جلسات دادرسی، فشاری وارد می‌کند که نیروهای امنیتی، دادستان‌ها و قضات نتوانند به آسانی در قبال متهمان کوتاه بیایند. این پلتفرم همچنین «پایگاه داده ملی قتل‌های زنان» را ایجاد کرده که می‌کوشد تمام موارد زن‌کشی^{۱۹۲} را با استفاده از داده‌های اینترنتی ثبت کند. این مستندسازی‌ها، علاوه بر کمک به پیگیری حقوقی «قتل‌های ناموسی»، حافظه جمعی جنبش زنان را نیز شکل می‌دهد، و با افزایش آگاهی، بر حکومت برای مقابله با جرایم حوزه زنان و جنسیت فشار می‌آورد. در مجموع، به باور بیلگه یابانجی، گروه‌های زنان با وجود محدودیت‌ها و فرسایش نهادهای دموکراتیک، مسیرهای جایگزین مشارکت و مطالبه‌گری و فشار بر حاکمیت را در ترکیه ابداع کرده‌اند که می‌تواند درس‌هایی برای کنشگران مدنی در ایران نیز داشته باشد.

۱۹۱. وبسایت این موسسه به ترکی و انگلیسی:

<https://www.kadincinayetlerinidurduracagiz.net/>
192. femicide



۲. کانون وکلان اتحادیه مهندسان و معماران ترکیه، اتحادیه پزشکان

برخی از اتحادیه‌های صنفی ترکیه در گذشته طبق قانون تأسیس شده‌اند و عضویت در آنها گاه به واسطه قانون کار و برای اشتغال در آن حرفه اجباری است. این سازمان‌ها که عموماً مستقل از دولت هستند، به‌عنوان سازمان‌های جامعه مدنی در نظر گرفته می‌شوند، گرچه معیار داوطلبانه بودن عضویت را دقیقاً رعایت نمی‌کنند.

نمونه‌های برجسته و تاثیرگذار این دست سازمان‌ها «کانون وکلای ترکیه» (تورکیه بارولار بیرلیگی)^{۱۹۳}، «اتحادیه اتاق‌های مهندسان و معماران ترکیه»^{۱۹۴}، و «اتحادیه پزشک‌های ترک» (تورک طبیب‌لر بیرلیگی)^{۱۹۵} هستند که همگی در طول سال‌های اقتدار عدالت و توسعه مقاومت قابل توجهی برای حفظ استقلال حوزه‌های حرفه‌ای خود در برابر دولت داشته‌اند.

شرط عضویت اجباری در این نهادها از یک سو به پرجمعیت شدن آنها و نتیجتاً افزایش قدرت لابی‌گری آنها در قیاس با سازمان‌های کوچک انجامیده و آنها را قدرتمندتر کرده است. همزمان، ساختار فدرال این سازمان‌ها و حضور شاخه‌های محلی متعدد در آنها باعث شده است که جناح‌بندی‌های سیاسی در آنها نیز وجود داشته باشد و شعبه‌های مختلف‌شان همگی یک‌گرایش نداشته باشند. به‌علاوه، دولت می‌تواند از طریق تغییر مقررات حرفه‌ای و یا حتی اقدامات قضایی، این گروه‌ها را هدف قرار دهد.

کانون وکلای ترکیه در سال‌های اخیر به‌صراحت از تضعیف استقلال قضایی در مقابل دولت انتقاد کرده و به همین خاطر، با تهدید و ارباب نیز مواجه شده است.

193. Turkish Bar Association (TBB)

194. Union of Chambers of Turkish Engineers and Architects (TMMOB)

195. Türk Tabipleri Birliği (TTB)

در سپتامبر ۲۰۲۵، اعضای هیئت‌مدیره «کانون وکلای استانبول»، یکی از مهم‌ترین شعبه‌های این نهاد، به «تبلیغ برای گروه‌های تروریستی» و «اشاعه اطلاعات گمراه‌کننده» متهم شدند، زیرا کانون پیش از آن در بیانیه‌ای خواهان تحقیقات درباره کشته‌شدن دو روزنامه‌نگار کرد در حمله‌های پهبادی در شمال سوریه شده بود.^{۱۹۶} چند ماه قبل از آن نیز دادگاه مدنی استانبول در مارس ۲۰۲۵ حکم به برکناری رئیس و اعضای هیئت‌مدیره کانون وکلای استانبول داد.^{۱۹۷}

«اتحادیه اتاق‌های مهندسان و معماران ترکیه» هم بارها علیه ساخت‌وساز بدون قاعده و تخریب محیط‌زیست در مناطق مختلف این کشور از جمله علیه تخریب‌هایی که به اعتراضات پارک گزی انجامید موضع‌گیری کرده است و تحت فشار امنیتی و قضایی قرار گرفته است.



196. "Türkiye: Proceedings against Istanbul Bar Association board a 'direct assault' on independence of legal profession", Wednesday 10 September 2025, https://www.ibanet.org/Turkiye-Proceedings-against-Istanbul-Bar-Association-board-a-direct-assault-on-independence-of-legal-profession?utm_source=chatgpt.com

۱۹۷. بنگرید به گزارش نهاد حقوق بشر سازمان ملل با عنوان «جرم‌انگاری کانون وکلای استانبول و برکناری هیئت‌مدیره، حمله‌ای هولناک به استقلال وکلا»:

https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/05/criminalisation-istanbul-bar-association-and-dismissal-executive-board?utm_source=chatgpt.com

۳. مقاومت مدنی چپ‌های مسلمان در ترکیه^{۱۹۸}

همان‌طور که اشاره شد، جامعه مدنی مستقل که رفته‌رفته دسترسی‌اش به نهادهای سیاسی رسمی در ترکیه کاهش یافته، به دنبال راه‌حل‌های جایگزین برای سازماندهی و بسیج نیروها به شکل از پایین به بالا بوده است. یکی از نمونه‌های مهم از این جنبه، جنبش چپ‌های مسلمان^{۱۹۹} است. همه مذهبی‌ها در ترکیه طرفدار آک‌پارتی و سیاست‌هایش نیستند و شمار دینداران مخالف وضع موجود به‌تدریج افزایش یافته است.

اسلام در ترکیه معاصر تاریخاً آنتی‌تیز سوسیالیسم به حساب آمده است. این تقابل در سیاست‌های غرب در دوران جنگ سرد نیز ریشه دارد که هدف‌شان محدود کردن جذابیت ایدئولوژی‌های چپ در کشورهایی چون ترکیه بود. این سیاست‌ها، به‌ویژه پس از کودتای ۱۹۸۰ و سپس نخست‌وزیری تورگوت اوزال، زمینه را برای گسترش قرائتی سازگار با بازار آزاد و سرمایه‌داری از اسلام سنی در جامعه ترکیه فراهم کرد.

شخصیت‌هایی مانند علی شریعتی که اسلام و سوسیالیسم را ترکیب کردند، در جریان اسلامگرایی در ترکیه پیش از کودتای ۱۹۸۰ نفوذ جدی نداشتند و در نتیجه، دو ایدئولوژی اسلام‌گرایی و سوسیالیسم در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از هم جدا ماندند و حتی دشمن یکدیگر بودند. البته چهره‌هایی استثنائی نیز در محافل روشنفکری ترکیه وجود داشتند که کوشیدند اسلام‌گرایی را با چپ ترکیب کنند. شاید اصلی‌ترین آنها نورالدین توپچو^{۲۰۰} (۱۹۷۵-۱۹۰۹) بود که از منظری اسلامی به ترویج عدالت اجتماعی و ضدیت با سرمایه‌داری می‌پرداخت. از ۱۹۷۹ به بعد، انقلاب ایران و چهره‌هایی چون علی شریعتی به پذیرش سوسیالیسم در میان برخی از محافل اسلام‌گرای ترکیه کمک کرد، گرچه صدای این جریانات غالب و همه‌گیر نشد و تلاش‌ها برای ایجاد پل بین اسلام و سوسیالیسم از سوی جریان‌های اصلی در هر دو اردوگاه رقیب به‌شدت محکوم شد. جریان فتح‌الله گولن که با بازشدن فضا به نفع جریانات مذهبی در ترکیه فعال شد، طرفدار سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم بود و مخالف چپ‌گرایی. خود رجب طیب اردوغان نیز که در دل جریان اسلام‌گرای ترکیه پرورش یافته و از خانواده‌ای با سابقه بازاری می‌آید، هیچ‌گاه علاقه‌ای به چپ نداشته است.

ولی این همه ماجرا نیست. در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه و همزمان با رشد مضاعف اقتصاد نئولیبرال در این کشور، خصوصاً از همه‌پرسی قانون اساسی ۲۰۱۰ به این طرف، تلاش‌ها برای ایجاد پلی بین چپ‌گرایی و اسلام‌گرایی در فضای جامعه مدنی ترکیه دوباره جان گرفت.

۱۹۸. منبع اصلی این بخش یابانچی ۲۰۲۲ می‌باشد، با برخی تغییرات و اضافات از سوی تیم پژوهشی کنش آکادمی: Yabancı, Bilge. 2022. "Civil Society and Latent Mobilisation Under Authoritarian Neoliberal Governance". In: Borsuk, I., Ding, P., Kavak, S., Sayan, P. (eds) *Authoritarian Neoliberalism and Resistance in Turkey*, Singapore: Palgrave Macmillan, pp. 211-234.
199. Muslim Left movement
200. Nurettin Topçu

حتی حزبی به اسم «صدای مردم» (هاس پارٹی) با ادعای ترکیب ایدئولوژی‌های چپ‌گرایانه و اسلام‌گرایانه در سیاست حزبی ترکیه تشکیل شد، هرچند نعمان قورتولموش رهبر آن به سرعت و با وساطت اردوغان در کادر رهبری حزب عدالت و توسعه ادغام شد تا رقیبی اسلامی برای حاکمیت درست نشود. مجموعه رخداد‌های سال‌های اخیر نسل جوانی از فعالان مدنی با پیشینه مذهبی و علائق عدالت اجتماعی را به جستجوی راه‌های جایگزین خارج از چارچوب حزبی و تشکیل پلتفرم‌های مدنی جدید ترغیب کرده است. عمده گروه‌های سوسیالیست اسلامی که در ادامه شرح داده می‌شوند، به دلیل ساختار شبکه‌ای افقی و قابلیت بسیج در میان توده‌های مردم، در تعریف کلاسیک سازمان‌های مدنی متعلق به «جنبش‌های اجتماعی» جای می‌گیرند.

طبق تحقیقات بیلگه یابانجی، برخی کنشگران مدنی سوسیالیست مسلمان، اصطلاح «سازمان جامعه مدنی» را تداعی‌کننده سازمان‌های خیریه بزرگ حرفه‌ای می‌دانند و مخالف تعریف شدن به عنوان «سازمان جامعه مدنی» هستند. برخی دیگر حتی عنوان «چپ مسلمان» را در توصیف خویش نمی‌پسندند. یاسین، یکی از مصاحبه‌شوندگان در پژوهش یابانجی، در این باره می‌گوید: «این برچسب‌ها مصنوعی هستند و از بیرون به ما نسبت داده می‌شوند. ما فقط خواستار عدالت اجتماعی محلی و جمعی هستیم».^{۲۰۲}

برخی فعالان چپ مسلمان در گذشته اسلام‌گرا بوده‌اند، اما به دلیل سیاست‌های ضددموکراتیک و نئولیبرال حزب عدالت و توسعه از این حزب فاصله گرفته‌اند. به نظر آنها، هرچه از ۲۰۰۲ (زمان قدرت گرفتن آک‌پارٹی) جلوتر آمده‌ایم، ترجیح منافع شخصی بر آرمان‌های عدالت اجتماعی در میان اسلام‌گرایان حاکم بیشتر شده است و آنها در بزنگاه‌ها نشان داده‌اند به اصول و مبانی اخلاقی انسان‌گرایانه و عدالت‌محور پایبند نیستند. یکی از آنها به بیلگه یابانجی می‌گوید:

«وقتی در ابتدا اسلام سیاسی را انتخاب کردم، انگیزه‌ام کمک به ایجاد «جهانی بهتر» بود. به تدریج متقاعد شدم که این آرمان از طریق محفل‌های سنتی اسلام‌گرایان و لفاظی‌های ایشان قابل تحقق نیست. در جمع خودمان به دوستانم با سابقه مشترک اسلام‌گرایی گفتم ما باید با محافل چپ‌گرا در اپوزیسیون [سکولار] ارتباط برقرار کنیم چون با آنها در ارزش‌های انسان‌گرایانه و باور به ضرورت تغییر در سیستم [نئولیبرال] کنونی هم‌عقیده هستیم».^{۲۰۳}

جدول زیر فهرستی از شبکه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری ارائه می‌دهد که از تلفیق سوسیالیسم و اسلام‌گرایی پدید آمده‌اند و به نوعی رقیب گفتار نئولیبرالی عدالت و توسعه هستند:

201. https://en.wikipedia.org/wiki/People%27s_Voice_Party

۲۰۲. یابانجی ۲۰۲۲، ص. ۲۲۱ (مصاحبه در تاریخ ژوئن ۲۰۱۹ در آنکارا انجام شده)

۲۰۳. یابانجی ۲۰۲۲، ص. ۲۲۳ (مصاحبه در استانبول، ژوئن ۲۰۱۸ انجام شده)

شبکه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری با گرایش سوسیالیسم اسلامی

نام	سال تاسیس	حوزه فعالیت و ویژگی
پلتفرم کار و عدالت (امک و عدالت پلتفرمو) ^{۲۰۴}	۲۰۱۱	سخنرانی‌های عمومی و رویدادهای در راستای همبستگی با کارگران برگزار می‌کند.
پلتفرم مسلمانان ضد سرمایه‌داری ^{۲۰۵}	۲۰۱۳	نهاد سوسیالیست‌های خدایپرست که پیرامون اندیشه‌ها و شخصیت احسان‌الی‌آچیق ^{۲۰۶} (او نیز با الهام از اندیشه علی شریعتی) سازماندهی می‌شود.
انجمن همبستگی، فرهنگ و تحقیقات اجتماعی (توکاد) ^{۲۰۷}	۲۰۰۷	اتحادیه کارگری مستقر در شهر توقات در دریای سیاه (شهری که به واسطه معدن‌هایش معروف است) با دفتری در استانبول
پلتفرم حق و عدالت (حق و عدالت پلتفرمو) ^{۲۰۸}	۲۰۱۶	سخنرانی‌های عمومی برگزار می‌کند و در مناسبت‌های مختلف بیانیه می‌دهد. از معدود نهادهای مدنی در ترکیه است که به طور مشخص پیگیر نقض حقوق بشر شهروندانی است که پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ اخراج شدند یا هدف انواع آزار و اذیت قرار گرفتند.
ابتکار عدالت (حق اینیسیاتیفی) ^{۲۰۹}	۲۰۱۷	انجمنی در آنکارا که پس از برکناری مقامات ارشد «مظلوم‌در» از سوی مدیران سابق آن تأسیس شد.
همبستگی تارلاباشی (تارلاباشی دایانیشما) ^{۲۱۰}	۲۰۱۳	شبکه حمایت از پناهجویان، مستقر در منطقه مستضعف‌نشین تارلاباشی در استانبول، که فعالیت‌هایش بر مهاجران آفریقایی در استانبول متمرکز است.
خانه اندیشه استانبول (استانبول دوشونجه اوی) ^{۲۱۱}	۲۰۱۳	این انجمن سوسیالیست مسلمان، نشست‌هایی در مسائل مرتبط با این حوزه سازماندهی کرده است.
سندیکای آموزش آزاد (اوزگور اگیتیم-سن) ^{۲۱۲}	۲۰۱۱	اتحادیه کارگری سراسری به مرکزیت شهر آنکارا برای معلمان و کارکنان آموزش و پرورش.
حزب متعلق به کارگران (ایشچی‌نین کندی پارتیسی)	۲۰۱۹	حزب سیاسی تازه‌تأسیس با گرایش کارگری

204. Emek ve Adalet Platformu (EAP)

205. Anti Capitalist Müslümanlar

206. İhsan Eliaçık

207. Toplumsal Dayanıma, Kültür Eğitim ve Sosyal Araştırmalar Derneği (TOKAD)

208. Hak ve Adalet Platformu

209. Hak İnisiyatifi

210. Tarlabası Dayanışma

211. İstanbul Düşünce Evi <https://www.sivilsayfalar.org/stk/istanbul-dusunce-evi-2/>

212. Özgür Eğitim-Sen

پس از سال ۲۰۱۳، چپ‌های مسلمان ترکیه به سبب اقدامات و شیوه‌های عمل منحصر به فردشان در انتقاد از وضع موجود، جایگاه محترمی در میان جامعه مدنی منتقد به دست آوردند. مشارکت سوسیالیست‌های مسلمان به رهبری احسان‌الی‌آچیق و همفکران‌اش در اعتراضات گزی، چپ‌های اسلامی را به بسیاری از گروه‌های دیگر اپوزیسیون شناساند. جنبش سوسیالیست‌های مسلمان بر اساس رفاقت، خلاقیت، تفکر و پیوندهای مبتنی بر اعتماد هدایت می‌شود. برخی از این کنشگران عنوان «سازمان جامعه مدنی» را در اشاره به خود نمی‌پذیرند، زیرا شیوه کنشگری‌شان را موثرتر از سازمان‌های جامعه مدنی رسمی می‌دانند:

«سازمان‌های جامعه مدنی فقط می‌توانند ابزار باشند، حال آنکه ما «ایده» هستیم و یک ایده و طنین اجتماعی آن معنادارتر است. ایده را می‌توان در بیش از یک مکان و زمان کپی و بازتولید کرد و منحصر به یک مکان فیزیکی و تابلوی بالای سر آن نیست.»^{۲۱۳}

سوسیالیست‌های مسلمان علی‌رغم تفاوت‌هایشان در یک چیز مشترک هستند: نقد سیاست جریان اصلی. آنها در این مسیر کوشیده‌اند خصومت و دیگری‌سازی دیرینه بین مذهبی‌ها و سوسیالیست‌ها در ترکیه را تا حد امکان کاهش دهند. در اساس‌نامه «پلتفرم کار و عدالت»، از اعضای شاخص این جنبش، آمده است:

«هدف ما تزریق انرژی جدید به سیاست و ایجاد زمینه اقدام مشترک برای همه کسانی است که علیه بردگی انسان‌ها مبارزه می‌کنند. ما... عدالت اجتماعی رادیکال را دنبال می‌کنیم، بی‌آنکه به یک ایدئولوژی سیاسی واحد پناه بریم و یا در دام نخبه‌گرایی بیفتیم... ایجاد یک پلتفرم گفتار و عمل مشترک در راستای تحقق عدالت اجتماعی با مشارکت و همکاری گروه‌های مذهبی/مسلمان و سکولار/چپ نه تنها برای کشور ما، بلکه برای تحقق عدالت در سراسر جهان معنادار است.»

سوسیالیست‌های مسلمان ادعاهای ائتلاف حاکم بر ترکیه در مورد تحقق عدالت سازگار با توسعه در کشور را به چالش می‌کشند. اعتراض آنها به حزب عدالت و توسعه چند جنبه دارد. آنها از نئولیبرال‌سازی شدید اقتصاد و زندگی اجتماعی در دوران آک‌پارتی و سوء استفاده حاکمیت از اسلام و اعتقادات مذهبی مردم برای توجیه این وضعیت انتقاد می‌کنند. در تحلیل آنها، این نئولیبرال‌سازی به نوبه خود حامی‌گرایی و رابطه‌محوری را در آک‌پارتی و سازمان‌های مدنی حکومت‌محور وابسته بدان تقویت کرده است. آنها معتقدند که ائتلاف حاکم به توزیع گزینشی خدمات و مزایا به بخش‌های خاصی از جامعه متوسل می‌شود، و همزمان با مضامین مذهبی مانند تقدیر یا مصیبت الهی، تداوم فقر برای بقیه جامعه را توجیه می‌کند؛ و به لطف این حامی‌گرایی و خویشاوندسالاری، طبقه متوسط محافظه‌کار و پرنفوذ جدیدی در ترکیه شکل گرفته است نوعی بورژوازی اسلامی جدید.

۲۱۳. جعفر، فوریه ۲۰۱۹، استانبول، در مصاحبه با یابانچی.

این بورژوازی اسلامی مرفه و اغلب نوکیسه، از نظر فرهنگی به نمایش شیوه زندگی مصرف‌گرایانه و نئولیبرالی درآمیخته با ذائقه اسلام سنی‌گرایش دارد: دوست دارد ثروت خود را با لباس‌های مارک‌دار، اسباب و اساس و دکوراسیون گران‌قیمت، خانه و اتومبیل و تعطیلات لوکس در داخل و خارج از کشور نشان دهد و هم‌زمان اسلامی‌بودن و تبعیت‌اش از سبک زندگی محافظه‌کارانه را نیز با تأکید یا تظاهر بر مصرف‌نکردن نوشیدنی‌های الکلی، سفر تفریحی به مناطق اسلامی و یا رفتن به هتل‌های تفریحی با تفکیک جنسیتی زن و مرد، نشان دهد.

در نقطه مقابل، چپ مسلمان این شیوه زندگی مصرف‌گرایانه و بی‌توجه به ریشه‌های فقر را مغایر با اسلام می‌دانند که به نظر آنها، دغدغه عدالت اجتماعی و ضدیت با استبداد و تبعیض در مرکز آن قرار دارد. آنها در این زمینه کمابیش مانند حامیان قدیم و جدید علی شریعتی در ایران می‌اندیشند.

۴. مقاومت رسانه‌ای برابر هژمونی عدالت و توسعه

موضوع بخش آخر مقاومت رسانه‌ای است. در برابر ائتلاف آک‌پارتی-حرکت ملی‌گرا ما نه با یک جبهه واحد، بلکه با یک اکوسیستم چندلایه و ناهمگون روبه‌رو هستیم که هر کدام شکاف متفاوتی در قدرت را هدف می‌گیرند. رسانه‌های منتقد در ترکیه امروز جای احزاب سرکوب‌شده، دانشگاه‌های محدودشده، و جامعه مدنی تضعیف‌شده را تاحدی پرکرده‌اند. این رسانه‌ها در تعبیر گرامش‌یابی ضد هژمونی هستند.

به گزارش «خبرنگاران بدون مرز»، نزدیک به ۹۰ درصد رسانه‌های ترکیه تحت کنترل دولت یا نیروهای نزدیک به حاکمیت هستند و حدود ۱۰ درصد باقیمانده در داخل و خارج با گرایش‌ها و خط‌مشی‌های متفاوت به عنوان منابع مستقل یا منتقد عمل می‌کنند.^{۲۱۴} فشارهای گوناگون‌بعلیه رسانه‌های منتقد سانسور، مجازات‌های قضایی، محدودیت‌های نشر، و برخوردهای قانونی وجود دارد.

در گزارش‌های بین‌المللی، چند رسانه خاص بیش از دیگران برجسته شده‌اند. در میان روزنامه‌های چاپی می‌شود از سوزجو^{۲۱۵} و جمهورییت (دو روزنامه با سابقه با گرایش سکولار-جمهوری‌خواه)، بیرگون و اورنسل^{۲۱۶} (چپ‌گرا/کارگری با گرایش ضدحکومتی) نام برد. در بین رسانه‌های آنلاین انتقادی نیز مدیا اسکوپ (کانال یوتیوبی به سردبیری روشن چاکیر)^{۲۱۷} ویا ت^{۲۱۸} برجسته هستند.

۲۱۴. برای توضیح تکمیلی به گزارش ۲۰۲۵ گزارشگران بدون مرز (Reporters Without Borders) در مورد ترکیه بنگرید:

https://rsf.org/en/country-t%C3%BCrkiye?utm_source=chatgpt.com

215. Sözcü

216. BirGün و Evrensel

217. <https://medyascope.tv/>

218. <https://t24.com.tr/>

اصلی‌ترین تلویزیون‌های منتقد مستقل از دولت نیز عبارت‌اند از: هالک تی‌وی^{۲۱۹}، تله^{۲۲۰}، و سوزجو تی‌وی^{۲۲۱}. آژانس مستقل خبری «بیانت»^{۲۲۲} نیز با تمرکز بر حقوق بشر و مستندسازی خشونت دولتی و اجتماعی، گاه «آرشیو اخلاقی جامعه مدنی» خوانده می‌شود. اما بیانت و نهادهای مشابه بر خلاف شبکه‌های تلویزیونی نفوذ اندکی در افکار عمومی دارند.

این رسانه‌ها علی‌رغم فشارهای قضایی تلاش دارند صدای مخالف را حفظ کنند و موارد نقض حقوق بشر، فساد یا موضوعات حساس سیاسی را بازتاب دهند. آن‌ها بخش مهمی از اطلاعات جایگزین، افشاگری و تحلیل سیاسی را ارائه می‌دهند که در رسانه‌های تحت کنترل دولت پوشش داده نمی‌شود. البته بخشی از این رسانه‌ها هنوز مخاطب قابل‌توجه در سطح ملی ندارند و به سبب کمبود امکانات یک پایگاه رسانه‌ای برابر با رسانه‌های دولت را شکل نداده‌اند. کارکرد آنها را باید تشکیل کانون مقاومت رسانه‌ای در فضای تضعیف‌شده آزادی مطبوعات در ترکیه دانست.

در غیاب فضای آزاد رسانه‌ای گسترده، این رسانه‌ها به همراه کانال‌های متعدد یوتیوبی دیگری که مجال ذکر نام همه‌شان نیست به محل گزارش‌دهی انتقادی در ترکیه تبدیل شده‌اند. در یکی از آخرین تحولات، فاتح آلتایلی مجری سابق تلویزیون و گوینده سکولار یکی از پربیننده‌ترین کانال‌های تحلیل خبر یوتیوبی و منتقد آک‌پارتی، ناگهان به جرم اهانت به رئیس‌جمهوری بازداشت و پس از چندین ماه حبس، در پایان سال ۲۰۲۵ به دلیل فشار افکار عمومی آزاد شد، گرچه گفته شده پرونده او هنوز جریان دارد.^{۲۲۳}

مقاومت رسانه‌ای در ترکیه واقعی، مؤثر و حیاتی است. جامعه مدنی مستقل بدون انواع رسانه‌های منتقد، عملاً صدایی نمی‌داشت. این مقاومت اما پراکنده، طبقاتی و ناتمام است، و هنوز نتوانسته به یک بلوک تاریخی بدیل بدل شود.

219. <https://halktv.com.tr/>

220. <https://www.tele1.com.tr/>

221. <https://www.szctv.com.tr/>

222. Bianet <https://bianet.org/>

223. <https://medyascope.tv/2025/12/29/fatih-altayli-hakkinda-tahliye-karari/>

نتیجه گیری:

**فرصت‌ها و چالش‌های
جامعه مدنی ترکیه
و درس‌های آن برای ایرانیان**



فرصت‌ها و چالش‌های جامعه مدنی ترکیه و درس‌ها برای ایرانیان



جامعه مدنی ترکیه به‌رغم همه مشکلات سپهر زیبایی است که تاب‌آوری و خلاقیت زیادی در آن به چشم می‌خورد و ایده‌ها و رویکردهای مختلف در آن با یکدیگر همزیستی دارند. وضعیت جامعه مدنی در ترکیه درس‌های بسیاری برای ایرانیان دارد و انگیزه اصلی تهیه این گزارش نیز همین واقعیت بوده است. در این بخش، خلاصه‌ای از برخی از مهم‌ترین نکات این راهنما در باب فرصت‌ها و چالش‌های جامعه مدنی ترکیه و درس‌هایی برای کنشگران مدنی-سیاسی ایرانی را در قالب نه بخش آورده‌ایم:

۱. چالش سازمان‌های مدنی حکومت‌ساخته

این موضوع از مهم‌ترین آموزه‌های این گزارش است. گفتیم حکومت‌ها در نظام‌های ترکیبی یا استبدادهای رقابتی، با «پارادوکس جامعه مدنی» روبرو هستند و برخلاف رژیم‌های دیکتاتوری سنتی نمی‌توانند جامعه مدنی را به کل تعطیل کنند. چنین حکومت‌هایی به هضم کردن و رام کردن جامعه مدنی به جای حذف آن روی می‌آورند. آنها به نوعی همکاری با جامعه مدنی دست می‌زنند که آن را به تن دادن تدریجی به اقتدارگرایی سوق دهد. منطق گسترش چشمگیر جامعه مدنی حکومت‌محور در ترکیه را باید در این نوع همکاری جست.

چنان‌که در بحث مربوط به سازمان‌های مدنی شهروندان ترکیه ساکن آلمان در دوره زمامداری حزب عدالت و توسعه دیدیم، دولت با ایجاد بخش متمایزی از جامعه مدنی دولت‌محور، به دنبال گسترش و تکمیل هژمونی سیاسی خود در داخل و خارج کشور بوده است. جامعه مدنی هضم‌شده در حکومت یادآور این است که اقتدارگرایی در جوامعی مانند ترکیه و ایران نه تنها نهادهای رسمی، بلکه ساختارهای غیررسمی همچون جامعه مدنی را نیز در بر می‌گیرد.

مطالعات بیلگه یابانجی فضای مدنی مهاجران ترکیه در اروپا را در مقام عرصه‌ای برجسته می‌کند که شیوه‌های اقتدارگرایانه ائتلاف حاکم را در داخل ترکیه نیز تثبیت می‌کند. بر اساس پژوهش‌های او، فضای مدنی مهاجران ترکیه در اروپا منابعی را در اختیار نظام غیردموکراتیک داخل کشور قرار داده تا با بسیج اجتماع‌های دیاسپورا که پیش از آک‌پارتی غیرفعال بودند، پایگاهی در خارج از کشور برای حمایت از انگیزه‌های ملی‌گرایانه و حزب‌گرایانه ائتلاف حاکم بسازد.

یابانجی، چهار عامل اصلی موفقیت حاکمان فعلی در بسیج مهاجران ترکیه‌ای را چنین صورت‌بندی می‌کند: غلبه احساسات ناسیونالیستی در میان مهاجران؛ انگیزه دریافت سهم از مزایایی که دولت ترکیه می‌تواند ارائه دهد؛ احساس ناامنی، ترس و به‌حاشیه‌رانده شدن به‌عنوان مهاجر؛ و تمایل به اثبات هویت و پیوندهای فرهنگی خود در برابر هویت و فرهنگ اکثریت در کشورهای محل سکونت.

۲. چالش فرهنگ دولت‌گرا

وسطح پایین اعتماد عمومی مردم به یکدیگر

جامعه مدنی در ترکیه، همانند ایران، بازتابی از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی گسترده‌تر است. یک مانع مهم برای توجه بخش بزرگی از جمعیت ترکیه به جامعه مدنی مستقل از دولت، عادت به دولت‌گرایی در ذهن بسیاری از شهروندان است. سنت تاریخی در ترکیه و ایران، به‌ویژه پس از آغاز قرن بیستم و فرآیند مدرنیزاسیون، حکومت مرکزی قوی است و همین وضعیت خاصی را برای جامعه مدنی در این دو کشور ایجاد کرده است. جامعه مدنی ترکیه از دوران عثمانی تا امروز برای رهایی از تاثیرها و تحمیل‌های این حکومت مرکزی قدرتمند تلاش کرده است و این تلاش همچنان ادامه دارد.

«پیمایش ارزش‌های جهانی» مربوط به حدود یک دهه قبل گرایش به فرهنگ «اطاعت از اقتدار و حکومت» را نزد بسیاری شهروندان ترکیه نشان می‌دهد. مطابق این پیمایش، در پاسخ به سوال «اولویت اصلی شما برای کشورتان چیست؟»، ۴۲ درصد شهروندان ترکیه پاسخ داده‌اند «حفظ نظم»، در حالی که ۲۳ درصد «داشتن نقش بیشتر در تصمیم‌گیری‌های حکومت»، ۲۲ درصد «مبارزه با افزایش قیمت‌ها»، و تنها ۱۰ درصد «حفاظت از آزادی بیان» را اولویت اصلی خود دانسته‌اند.^{۲۲۴}

در پژوهشی دیگر، بسیاری از فعالان جامعه مدنی در ترکیه تاکید کردند که ارزش‌های سنتی مانند احترام به بزرگ‌تر، پیروی از اقتدار و البته مهمان‌نوازی تأثیر زیادی بر نحوه فعالیت جامعه مدنی، به‌ویژه در محیط‌های مذهبی‌تر و در میان سازمان‌های با مخاطب و ماهیت محافظه‌کار، دارند.^{۲۲۵}

«سطح پایین اعتماد عمومی» مردم به یکدیگر نیز اثربخشی جامعه مدنی ترکیه را محدود می‌کند و برقراری ارتباط قوی میان سازمان‌های جامعه مدنی و جامعه را دشوارتر. در این کشور با نوعی محله‌گرایی رویارو هستیم؛ به عبارت دیگر، اعتماد مردم اغلب بر اجتماع محلی خودشان و افراد نزدیک به آنها متمرکز است و در قالب کمک به شیوه زکات یا صدقات مذهبی بروز می‌یابد، و نه اعتماد کمتری به سازمان‌های مدنی رسمی وجود دارد که میزان کمک به افراد ناشناس را کاهش می‌دهد.

224. World Values Survey Association, "World Values Survey Wave 6 (2010–2014): Turkey"

۲۲۵. «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۲۰. برای توضیح تکمیلی نگاه:

Didem Çakmaklı, "Rights and Obligations in Civil Society Organizations: Learning Active Citizenship in Turkey," Southeast European and Black Sea Studies 17 (1), (2017)



در «پیمایش ارزش‌های جهانی» تنها ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان در ترکیه معتقد بودند که «می‌توان به بیشتر مردم اعتماد کرد»، در حالی که حدود ۹۰ درصد باور داشتند اکثر جامعه قابل اعتماد نیستند و در برخورد با آنها باید احتیاط کرد.

این اکثریت غیرقابل اعتماد عملاً می‌تواند شامل نهادهای مدنی نیز باشد. کمبود اعتماد افراد به یکدیگر و نیز به نهادهای مستقل به فرهنگ تاریخی وابستگی به دولت مرتبط است و بر نحوه تعامل مردم با سازمان‌های جامعه مدنی و تصور آنان از آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد؛ از جمله به شکل تمایل نداشتن به کار داوطلبانه و کمک مالی.

به بیان دیگر، در ترکیه، ایران یا هر کشور دیگری، فعالیت جامعه مدنی به‌تنهایی نوشداروی مشکلات جامعه نخواهد بود و تحولات سیاسی مثبت به نفع دموکراسی برای رفع این مشکلات ضروری هستند.

۳. چالش نئولیبرال سازی جامعه مدنی

نئولیبرال سازی جامعه مدنی ترکیه در دهه‌های اخیر موضوع دیگری است که بدان اشاره شد. افزایش فعالیت انجمن‌های مدنی از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۲۰۰۰، نشانه مطلوبی از دموکراتیزاسیون بود؛ خصوصاً پس از نقشی که این انجمن‌ها در گذار به دموکراسی در اروپای مرکزی، اروپای شرقی و آمریکای لاتین و پایان دادن به موج دوم اقتدارگرایی و شروع موج سوم دموکراتیزاسیون (به تعبیر ساموئل هانتینگتون) ایفا کردند. حامیان مالی بین‌المللی انجمن‌ها در این دوره از «یک نسخه برای همه» پیروی کردند و تلاش خود را حرفه‌ای‌سازی حداکثری سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای در حال توسعه و با درآمد متوسط قرار دادند. حرفه‌ای شدن هر چه بیشتر سازمان‌های جامعه مدنی در ارائه انواع خدمات به طبقه متوسط، به عنوان نشانه‌ای از حرکت به سمت دموکراسی فرهیخته تلقی شد که می‌تواند با قدرت دولتی سوءاستفاده‌گر و ناکارآمد مقابله کند. جامعه مدنی به طور فزاینده برای ارائه خدماتی که دولت‌ها نمی‌توانستند یا دیگر نمی‌خواستند ارائه دهند، بسیج شد.^{۲۲۶}

همزمان، در بسیاری کشورها حرفه‌ای شدن سازمان‌های مردم‌نهاد چالش‌هایی به همراه آورد که از آن با عنوان چالش نئولیبرال سازی جامعه مدنی یاد می‌شود. این پدیده از یک سو باعث گرایش سازمان‌های مدنی خدمت‌رسان به پاسخگویی بیشتر به اهداکنندگان و تامین‌کنندگان مالی اعم از دولت‌ها یا بخش خصوصی شد تا پاسخ‌گویی به جوامع محرومی که قرار بود به آنها خدمت کنند. از سوی دیگر، جامعه مدنی غیرسیاسی و حتی سیاست‌گریز که حساسیت کمتری به حقوق بشر دارد، با روند نئولیبرال سازی غلبه یافت.

طبق این فرمول، حکومت متمایل به اقتدارگرایی به زندگی انجمنی اجازه وجود می‌دهد و حتی در مواردی آن را تشویق می‌کند، مشروط بر اینکه سازمان‌های جامعه مدنی وارد سیاست نشوند و در چارچوب محدودیت‌های تعیین شده از سوی حکومت عمل کنند. بسیاری از مردم و برخی کنشگران نیز با علم به اینکه رویکرد ضد سیستمی به سرکوب ایشان منجر می‌شود، کار در چارچوب محدودیت‌های اعمال شده را کمابیش می‌پذیرند. بخش مهمی از این نوع فعالیت به واسطه سازمان‌های مدنی حکومت‌محور صورت می‌گیرد. چنانکه دیدیم این اتفاقی است که امروز در ترکیه در مورد بخشی از جامعه مدنی رخ داده است. چنین حکومت‌هایی برای کاهش هزینه‌ها، به سازمان‌های مدنی غیرسیاسی و حکومت‌محور به عنوان شرکای قابل اعتماد در ارائه خدمات متوسل می‌شوند.

گفته شد جامعه مدنی ترکیه در این سال‌ها در ارائه خدمات اجتماعی و کمک‌های بشردوستانه مهارت روزافزونی یافته است ولی این امر همزمان آفت‌هایی دارد.

۲۲۶. منبع: یابانچی ۲۰۲۲، صص. ۲۱۳-۲۱۶

سازمان‌های مدنی حکومت‌محور گرچه از بار تعهدات دولت می‌کاهند، برای تأمین مالی و در زمینه محتوی به حکومت‌های اقتدارگرا وابسته هستند، حتی اگر از نظر عضویت و مسائل صوری خودمختار باشند. از آنجا که رژیم‌های اقتدارگرای رقابتی (موج سوم اقتدارگرایی) به ناهایی دموکراتیک برای جذب کمک‌ها و تحسین‌های بین‌المللی نیاز دارند، سازمان‌های مزبور چنین پوشش ظاهراً دموکراتیکی فراهم می‌کنند. فرمول این است: ای جامعه مدنی؛ نباید سیاسی باشی، اما اگر سیاسی بودن یعنی حمایت از حکومت، اشکالی ندارد!

۴. فرصت کمک‌های اتحادیه اروپا

و چالش واسطه‌گری دولت در انتقال کمک‌ها

از سال ۱۹۹۹ که ترکیه رسماً نامزد ورود به اتحادیه اروپا شد، سازوکارهای مختلف حمایت مالی اتحادیه اروپا از گروه‌های جامعه مدنی این کشور نیز آغاز شد. حزب عدالت و توسعه با پیروزی در انتخابات این فضای باز را در ۲۰۰۲ به ارث برد. تنها در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴، حدود ۴٫۲ میلیون یورو از برنامه‌های مختلف اتحادیه اروپا به سازمان‌های مردم‌نهاد ترکیه سرازیر شد.

منابع مالی فراملی برآمده از اهداکنندگان اروپایی و غربی به سازمان‌های مدنی در ترکیه می‌توانند گروه‌های جامعه مدنی را توانمند سازند. گروه‌ها و کنشگرانی که می‌دانند چگونه درخواست‌های کمک مالی بنویسند، می‌توانند فارغ از برخی فشارهای محلی، بودجه دریافت کنند. درخواست از متحدان بین‌المللی گاه می‌تواند از اشکال آشکارتر مداخله حکومت به ضرر جامعه مدنی به دلیل ترس از شرمساری جهانی جلوگیری کند.

اگر ارتباطات و حمایت‌های خارجی می‌تواند به برخی از سازمان‌ها کمک کند تا روی پای خود بایستند، ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان پوپولیست داخلی نیز می‌توانند این ارتباط را دستمایه حمله به آن سازمان‌ها قرار دهند. در چنین مواردی، شهروندانی که با تأمین‌کنندگان مالی خارجی کار می‌کنند، با اتهام میهن‌پرست‌نبودن، داشتن وابستگی خارجی یا بدل شدن به بخشی از پروژه امپریالیستی مواجه می‌شوند.

از سوی دیگر، بسیاری از کمک‌های اتحادیه اروپا به شکل رسمی همچنان از طریق وزارت خانه‌های دولت ترکیه مشخصاً به دست «مرکز قراردادهای» در وزارت اقتصاد و دارایی ترکیه - ۲۲۷ انجام می‌شود. منتقدان این مرکز را که از سال ۲۰۰۲ تاسیس شده است، ابزار دولت برای هدایت کردن حمایت اروپایی از جامعه مدنی به سمت گروه‌هایی می‌دانند که با ترجیحات آنکارا مطابقت دارند. از ۲۰۱۷، انجمن‌ها و بنیادهای رسمی باید هرگونه دریافت بودجه از خارج را در سامانه مخصوصی ثبت کنند و انجمن‌هایی که با اتحادیه اروپا یا بنیادهای غربی کار می‌کنند، گاه هدف نظارت یا فشار بیشتر قرار می‌گیرند.

اتحادیه اروپا در این وضعیت گاه کمک به شبکه‌های غیررسمی، گروه‌های فاقد وضعیت قانونی، و فعالان منفردی را در دستور کار قرار داده که از الزامات دشوار گزارش‌دهی رها هستند. برنامه «مدنی بیندیش» اتحادیه اروپا^{۲۲۸} انعطاف‌پذیری ارزشمندی را برای فعالان ارائه می‌دهد و امکان استفاده از پول برای پوشش هزینه‌های عملیاتی همچون هزینه اجاره را فراهم می‌کند.

یکی از چالش‌های اتحادیه اروپا در کمک به جامعه مدنی ترکیه، گسترش دادن تعامل جامعه مدنی خود با گروه‌های جمعیتی به جز شرکای معمول است که اغلب جمعیت‌های مراکز شهری بزرگ و مستعد حمایت از ارزش‌ها و ادغام در اروپا هستند. اما ساکنان مناطق کوچک‌تر، خصوصاً در آناتولی مرکزی، اغلب دارای ارزش‌های محافظه‌کارانه و همسو با ائتلاف آک پارتی و م ه پ هستند. با توجه به شکاف سیاسی و اجتماعی که امروزه جمعیت‌های محافظه‌کار و متجدد مناطق مختلف ترکیه را از یکدیگر جدا می‌کند، تاثیر بر بخش‌های محافظه‌کار جامعه برای اتحادیه اروپا آسان نیست.

همزمان اتحادیه اروپا با این پرسش‌ها مواجه است: آیا برای تعاملات خود با ترکیه در حوزه‌های مختلف از جمله جامعه مدنی، شرط هنجاری جدی قائل شود یا خیر؟ آیا حمایت مادی و معنوی اتحادیه اروپا از گروه‌های جامعه مدنی حکومت‌محور که لزوماً به ارزش‌های اروپایی باور ندارند و به آک پارتی نزدیک هستند، جایز است؟ از سوی دیگر، آیا اتحادیه با تطبیق دادن خویش با فشارهای سیاسی دولت و تغییر مسیر حمایت به پروژه‌های غیرسیاسی‌تر، به ارزش‌های لیبرال دموکراتیک‌اش خیانت می‌کند؟ اتحادیه اروپا با توجه به مقیاس سرمایه‌گذاری خود در ترکیه، مطمئناً از اهرم فشار برخوردار است و باید از این اهرم در راستای دموکراسی سود برد.^{۲۲۹}

227. HAZİNE VE MALİYE BAKANLIĞI, MERKEZİ FINANS VE İHALE BİRİMİ <https://www.cfcu.gov.tr/about-cfcu>

228. Think Civil EU Programme

۲۲۹. بنگرید به «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۴۳، یاورقی ۲۳. همچنین به این اثر رافائل مارکتی استاد ایتالیایی: Raffaele Marchetti, "Foreign Policy by Proxy: Democracy and Human Rights Promotion Through an Engagement With Civil Society." In Raffaele Marchetti, ed., Partnerships in International Policy-Making: Civil Society and Public Institutions in European and Global Affairs (London: Palgrave Macmillan, 2016).

این موضوع در مورد نقش ایالات متحده آمریکا در مورد تحولات مرتبط با جامعه مدنی در ترکیه نیز صادق است، گرچه به دلیل باز بودن پرونده پیوستن آنکارا به اتحادیه اروپا، این اتحادیه از نظر روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مالی در حمایت از جامعه مدنی اهمیتی بسیار بیشتر از ایالات متحده دارد.

امروز ایالات متحده به ریاست‌جمهوری ترامپ، اتحادیه اروپا را رقیب و نه متحد خویش می‌بیند و گسترش لیبرال دموکراسی در جهان دیگر نه اولویت این کشور است و نه حتی اولویت اروپا. به همین خاطر، فشار حقوق بشری بر ترکیه نیز کاهش یافته و دست حکومت برای سرکوب اپوزیسیون بازتر شده است. این واقعیت را اکنون در رفتار آک‌پارتی با اکرم امام‌اوغلو و حزب جمهوری‌خواه خلق شاهد هستیم.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد بودجه بسیار کمی از سوی ایالات متحده به سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه اختصاص داده شده است، هرچند رابطه آنکارا و واشنگتن به‌عنوان دو شریک عضو ناتو از نظر نمادین تاثیر بسیاری بر وضعیت جامعه مدنی و حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان ترکیه دارد. مصاحبه‌شوندگان گزارش «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه» به اتفاق آراء خواستار مشارکت بیشتر ایالات متحده در حمایت از جامعه مدنی ترکیه بودند و بر ایجاد روابط بیشتر بین گروه‌های جامعه مدنی ایالات متحده و ترکیه تأکید داشتند.^{۲۳۰}

چالش دیگر آنست که سازمان‌های بین‌المللی بودجه‌ها را اغلب به مجموعه یکسانی از سازمان‌ها یا گروه‌ها در حوزه‌های معین و مشابه اختصاص می‌دهند. این موضوع تنوع در حوزه فعالیت کنشگری مدنی را محدود می‌کند و استراتژی گروه‌ها به برآورده کردن اولویت‌های اهداکنندگان بین‌المللی و تطبیق برنامه‌هایشان با این اولویت‌ها بدل می‌شود. به علاوه، از آنجا که بودجه قابل توجهی برای آموزش از سوی تأمین‌کنندگان مالی بین‌المللی ارائه می‌شود، برخی گروه‌های جامعه مدنی تمرکز خود را بر این زمینه گذاشته‌اند، اما تأثیر واقعی این دوره‌های آموزشی مشخص نیست و گاه میزان آموزش فراتر از قابلیت ظرفیت‌سازی آن حرکت کرده است. برای غلبه بر این مشکل توصیه شده سازمان‌های جامعه مدنی در ترکیه توانایی‌شان را در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بالا ببرند تا بتوانند با فعالیت‌های مبتنی بر شواهد مستحکم، انرژی و سرمایه خود را در حوزه‌های ضروری‌تر و با شفافیت بالاتر متمرکز کنند.^{۲۳۱}

۲۳۰. «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، صص. ۳۶-۳۲.

۲۳۱. «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، صص. ۳۱-۳۰.

۵. نمونه‌های موفق همکاری در جامعه مدنی ترکیه در راستای کاهش فضای دوقطبی

چندپارگی هویتی، چالش اساسی پیش روی جامعه مدنی ترکیه بوده است که درس‌هایی نیز برای ایرانیان دارد. پژوهشگران در مصاحبه با فعالان جامعه مدنی و دانشگاهیان از زمینه‌های گوناگون، بر مشکل قطبی شدن به‌عنوان یک چالش مهم در افزایش نفوذ جامعه مدنی در ترکیه تأکید کرده‌اند. برخی شکاف‌های تاریخی عمده در جامعه مدنی ترکیه از این قرار هستند: ملی‌گرایی در برابر جهان‌وطنی؛ اسلام‌گرایی در برابر سکولاریسم؛ حکومت‌محوری در برابر‌گرایی به خودآیینی و مطالبه‌ی حقوق از دولت؛ و سرانجام، جدایی بر اساس هویت‌های اثنیکی (کرد و ترک و عرب) و دینی (سنی و علوی و ارمنی و . . .). بسیاری از این شکاف‌ها در جامعه مدنی ایران نیز وجود دارند، از جمله در اپوزیسیون میان اصلاح‌طلبان و براندازان، میان پادشاهی‌خواهان و جمهوری‌خواهان، بین چپ و راست، ایران‌گرایان و فعالان اثنیکی و الخ.

فعالین ترکیه‌ای دریافتند وقتی شکاف ایدئولوژیک بین گروه‌های مختلف افزایش یابد، ارتباط بین سازمان‌های جامعه مدنی وابسته به هر یک از این گروه‌ها نیز آسان نخواهد بود. تداوم اختلاف‌ها باعث می‌شود گروه‌های جامعه مدنی از سوی افکار عمومی کشور به عنوان نمایندگان معتبر مردم دیده نشوند. تمرکز بیشتر بر پلتفرم‌های مشارکتی، و همچنین تغییرات کلامی برای تأکید بر منافع عمومی به جای تأکید بر منافع محدود گروهی، از تاکتیک‌هایی بوده‌اند که جامعه مدنی ترکیه برای کاهش شکاف‌ها از آنها بهره جسته است و می‌تواند برای ایرانیان هم مفید باشد.

وقتی جامعه مدنی در ترکیه توانسته بر این شکاف‌ها غلبه کند، توانسته حکومت را نیز به عقب براند. در دهه ۹۰ میلادی و نیز در سال‌های آغازین حکمرانی آک‌پارتی، همکاری میان انجمن‌هایی که عموماً از حقوق‌قشرهای مذهبی و اسلامی جامعه ترکیه دفاع می‌کردند همچون مظلوم‌در یا انجمن‌هایی که عمدتاً بر دفاع از حقوق کردها متمرکز بودند مثل «انجمن حقوق بشر» ترکیه^{۳۲}، نمونه‌هایی از همکاری‌های موفق در موضوع حق پوشش برای زنان محجبه و یا حقوق اثنیکی کردها بود. در آن سال‌ها، گروه‌های مدافع حقوق زنان با وجود اختلاف در دیدگاه‌های سیاسی، حول شماری از مطالبه‌های سیاست‌گذارانه به‌طور مشخص، حق ورود زنان محجبه به دانشگاه و استخدام آنها در ادارات دولتی گرد هم آمدند و موفق هم شدند. این اتحاد در ترکیه ده سال اخیر به میزان گذشته به چشم نمی‌خورد که از نتایج افزایش اقتدارگرایی رقابتی در این کشور بوده است.



همین باعث شده برخی بگویند آن ائتلاف‌ها بیشتر استثنا بودند تا قاعده. بر اساس این نقد، بیشتر سازمان‌های مدنی از منافع گروه‌های خاص نزدیک به خود دفاع می‌کنند و نه از یک برنامه‌ی همکاری جمعی مبتنی بر منافع فراجنبی و فراگروهی مردم ترکیه.

این مشکل در وضعیتی بروز می‌کند که مفهوم «منافع عمومی» در کشور به‌خوبی شکل نگرفته باشد. در چنین وضعیتی، بسیاری از کنشگران به تعریف هویتی شخصی دست می‌زنند (مثلاً فعال حقوق گربه‌ها یا سگ‌های خیابانی هستند) و برای دفاع از آن هویت خاص بسیار فعال‌اند (مثلاً با همسایه‌ها یا شهرداری برای حمایت از این حیوانات درگیر می‌شوند)، اما کمتر به این فکر می‌کنند که چه چیزهایی مشکلاتشان را به دیگر گروه‌های هویتی پیوند می‌دهد و چه نوع همکاری بر اساس منافع مشترک میسر است. یک مانع اصلی فرهنگ دولت‌گرایی است که باعث شده افراد بیشتر دغدغه تعریف رابطه خود با دولت را داشته باشند تا رابطه با بقیه اعضای جامعه و گروه‌های مدنی.^{۲۳۳}

به‌علاوه، گروه‌های منتقد وضع موجود در جامعه مدنی ترکیه پتانسیل «انفجارهای کوتاه‌مدت وحدت» را در مقاطعی خاص مانند اعتراض‌های چند هفته‌ای گزی، یا واکنش‌های جدی گروه‌های زنان به تلاش‌های اخیر حزب عدالت و توسعه برای تصویب قوانین تسهیل‌کننده خشونت علیه زنان دارند، اما توانایی اندکی در حفظ یا نهادینه‌کردن این اتحاد در درازمدت از خود نشان داده‌اند.

۲۳۳. بنگرید به: «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۲۲.

ع. گسترش جامعه مدنی زیرزمینی

مرتبط با مورد قبلی می‌شود اضافه کرد جامعه مدنی مستقل ترکیه در خارج از شهرهای بزرگ نفوذ محدودی بر کل جامعه دارد و حتی در کلانشهرهایی مانند استانبول، آنکارا، ازمیر، یا آنتالیا، مشارکت در سازمان‌های آن چندان بالا نیست. قطبی شدن محیط سیاسی در این واقعیت موثر بوده است. هرچند مشارکت بالای مردم در جامعه مدنی خود می‌تواند قطبی‌سازی سیاسی را کاهش دهد، به ادغام و مدارا کمک کند، و زمینه آشتی اجتماعی را فراهم سازد.

میزان مشارکت زنان در جامعه مدنی هنوز پایین است و زنان تنها حدود یک‌پنجم از کل اعضای انجمن‌های مدنی در ترکیه را تشکیل می‌دهند.^{۲۳۴} همچنین فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی بیشتر در شهرهای بزرگ متمرکز است و میزان عضویت در میان شهروندان کم‌درآمد و ساکنان مناطق روستایی پایین است. داده‌های مربوط به پایان ۲۰۱۵ نشان داد که از میان ۱۰۹ هزار انجمن ثبت‌شده در ترکیه، ۴۰ هزار انجمن فقط در پنج شهر بزرگ کشور (استانبول، آنکارا، ازمیر، بورسا، آدانا) قرار داشتند.^{۲۳۵}

با دشوارتر شدن انتقاد از حکومت، کنشگری مدنی غیررسمی و زیرزمینی در ترکیه رو به گسترش گذاشته که مشابه وضعیت حاکم در ایران است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که جوانان ترکیه تمایل بیشتری به بیان دیدگاه‌های سیاسی از طریق فعالیت‌های مدنی دارند تا از طریق احزاب سیاسی رسمی که اعتماد عمومی به آن‌ها رو به کاهش بوده است.

نتیجه آنکه بسیاری از مشارکت‌کنندگان در اعتراضات پارک گزی یا تجمع‌های اپوزیسیون برای برقراری عدالت و دموکراسی در سال‌های پس از کودتای تابستان ۲۰۱۶، اعضای رسمی سازمانهای جامعه مدنی نبودند. این مشاهده نشان می‌دهد هنوز شکاف بزرگی بین جامعه مدنی رسمی و جنبش‌های توده‌ای در ترکیه وجود دارد و لزوم بهبود ارتباط سازمان‌های جامعه مدنی با مردم عادی ترکیه را نشان می‌دهد. محققان می‌گویند یک راه برای انجام این کار، تمرکز بر ساخت روایت‌هایی است که کنشگری برای حقوق بشر را با مطالبات ملموس زندگی روزمره مردم مرتبط می‌کند.

^{۲۳۴}. منبع: «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»
به نقل از:

"Yaşama Dair Vakıf, "Verilerle Sivil Toplum Kuruluşları
235. Balkan Civil Society Development Network, "Report on the Economic Value of the Non-Profit Sector in the Countries of the Western Balkans and Turkey," (2015)



۷. درهم آمیختگی خطوط مدنی و سیاسی و مصائب آن

در ترکیه گاه مرزهای فاصل بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی مبهم شده است و رواج جامعه مدنی حکومت محور خود از ثمرات این وضعیت است. به طور کلی، تقریباً همه بخش‌های جامعه مدنی - مذهبی، محافظه کار، ملی گرا، کرد، سکولارو الخ - حداقل در مقطعی با احزاب یا جنبش‌های سیاسی پیوند داشته‌اند. دیدیم برخی سازمان‌های جامعه مدنی (مشخصاً گولنیست‌ها) در دهه‌های اخیر کوشیدند در ساختار دولت نفوذ کنند و مصائب بسیاری ایجاد کردند. گولنیست‌ها تا پیش از وقایع دسامبر ۲۰۱۳ برای مدتی طولانی از نظر سازمانی و مالی یکی از بازیگران قدرتمند جامعه مدنی حکومت محور مورد حمایت آک پارتی بودند و علیه نخبگان سکولار و پیرو آتاتورک در دولت‌های قبلی ترکیه فعالیت می‌کردند. کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ موجب پاک‌سازی گستره جریان گولنیست از سپهر سیاسی ترکیه شد و گروه‌های جامعه مدنی مرتبط با این سازمان را نیز در داخل بسیار تضعیف کرد. امروز سازمان‌های مدنی جنبش مذهبی گولن در داخل ترکیه یا به کلی حذف و سرکوب شده‌اند و یا پس از مصادره در سازمان‌های شبه مدنی وابسته به آک پارتی ادغام شده‌اند. سرنوشت جریان خدمت گولن نشان می‌دهد که درهم آمیختگی زیاد جامعه مدنی در ساختار حکومت و سیاست می‌تواند عواقب بسیار ناگواری به دنبال داشته باشد، نه تنها برای خود جریان مزبور، بلکه برای کل جامعه سیاسی. رفتار جریان گولن در ترکیه به شدت به اقتدارگرایی دامن زده است و خواسته ناخواسته موجب تضعیف جدی اپوزیسیون و جامعه مدنی مستقل در ترکیه شده است.

۸. لزوم اصلاح قوانین مرتبط با شرایط کسب وضعیت عام‌المنفعه

در میان مطالبه‌های مرتبط با تغییرات قانونی و بوروکراتیک به نفع جامعه مدنی در ترکیه، برخی از اولویت بیشتری برخوردار بوده‌اند که در این دو بخش پایانی به آنها اشاره می‌شود. اولی، مطالبه‌ی تبیین معیارهای شفاف برای برخورداری از وضعیت عام‌المنفعه و بهره‌مندی از کمک دولتی بوده است. زیرا قانون موجود در این زمینه مبهم و به نفع خیریه‌های حکومت‌محور و همسو با آک‌پارتی است. نتیجه آنکه شفاف‌سازی استانداردهای بهره‌مندی از بودجه عمومی، معافیت مالیاتی و وضعیت عام‌المنفعه از مطالبات جدی جامعه مدنی ترکیه برای اصلاح قانون در آینده است.

پس از تغییر نظام سیاسی ترکیه به سیستم ریاستی در سال ۲۰۱۷، کنترل اجرایی و نظارتی رئیس‌جمهوری بر سازمان‌های مدنی بیشتر شد و امکان اثرگذاری سیاسی اردوغان بر آن‌ها و کل جامعه افزایش یافت. این رویکرد به تمرکز قدرت در حوزه اوقاف و فقدان استقلال در بخش مهمی از خیریه‌ها نیز مجر شد، چنانکه دولت بسیاری از بنیادهای بزرگ همچون تورگو یا وقف انصار^{۲۳۶} را زیر چتر نهادهای وابسته به ریاست‌جمهوری گرد آورده است. در اینجا به دو سه نمونه از معروف‌ترین بنیادها یا نهادهای «عام‌المنفعه» نزدیک به خانواده اردوغان اشاره می‌شود:

۱- بنیاد تورگو

(تورکیه گنجلیک و ایفتیم وقفی، بنیاد خدمات جوانان و آموزشی ترکیه)^{۲۳۷}:

این بنیاد بزرگ و مشهور را اردوغان ۱۹۹۶ در دوران شهرداری‌اش در استانبول تأسیس کرد. یکی از اعضای هیئت مدیره آن بلال اردوغان پسر رجب طیب اردوغان است و گفته می‌شود^{۲۳۸} اسرا آلبایراق اردوغان، دختر بزرگ رجب طیب اردوغان و همسر برات آلبایراق، وزیر سابق انرژی و اقتصاد ترکیه (۲۰۲۰-۲۰۱۵) نیز یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره است. این بنیاد از مزیت عام‌المنفعه برخوردار است و به گفته بولنت آرینج، جانشین نخست‌وزیر ترکیه در سال ۲۰۱۴، تنها بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار کمک خارجی دریافت کرده بود.^{۲۳۹}

236. Ensar Vakfi

237. TÜRGEV - Türkiye Gençlik ve Eğitime Hizmet Vakfı - Turkish Youth and Education Service Foundation

۲۳۸. نوشتیم «گفته می‌شود» چون اطلاع‌رسانی رسمی در این زمینه نادر است و این اطلاعات عمدتاً توسط روزنامه‌نگاران تحقیقی مستقل ترکیه منتشر می‌شود.

239. Bülent Arınç (Deputy PM), "Charity NGO counting Turkish PM's son as board member received \$99,999,990 in donations," Hürriyet Daily News, 10 April 2014: <https://www.hurriyetdailynews.com/charity-ngo-counting-turkish-pms-son-as-board-member-received-99999990-in-donations-deputy-pm-64844>

هرچه در تاریخ آک‌پارتی جلوتر می‌آییم، شنیدن چنین افشاگرایی‌هایی از زبان مقامات رسمی آک‌پارتی دشوارتر می‌شود. بولنت آرینج امروز کمابیش طرد شده است و در حزب تنها مقامی تشریفاتی محسوب می‌شود.



İBN HALDUN
ÜNİVERSİTESİ



1996
TÜRGEV

۲. دانشگاه ابن خلدون:

این دانشگاه در سال ۲۰۱۵ زیر نظر تورگو تأسیس شد و از سوی آن اداره می‌شود. بلال اردوغان عضو هیئت امنا این دانشگاه بزرگ خصوصی است و رجب طیب اردوغان نیز فعالانه در رویدادهای عمومی این دانشگاه حضور دارد و از آن به عنوان نمونه‌ای از سیاست‌های تربیتی خود یاد می‌کند. پروژه علوم انسانی و اجتماعی دینی-بومی از طرف ابن خلدون و نهادهای پژوهشی مشابه نزدیک به آک پارتنی- حرکت ملی‌گرا پیش برده می‌شود. رئیس جمهوری ترکیه، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰ در مراسم افتتاحیه این دانشگاه در استانبول گفته بود: «ما باید اصلاحات کاملی در آموزش و پرورش ایجاد کنیم.»^{۲۴۰}

۳- کادم (بنیاد زنان و دموکراسی)^{۲۴۱}: بنیاد موسوم به «زنان و دموکراسی» یکی از سازمان‌های مدنی اصلی حکومت محور نزدیک به آک پارتنی در حوزه زنان شناخته می‌شود و به عنوان سازمان عام‌المنفعه از دولت حمایت دریافت می‌کند.^{۲۴۲} رئیس کنونی کادم، دکتر ساره آیدین است که در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ نماینده مجلس ترکیه از حزب عدالت و توسعه بود و با خانواده اردوغان و دختران او روابط نزدیکی دارد.^{۲۴۳} سمیه اردوغان بایراکتار، دختر دیگر اردوغان و همسر سلجوق بایراقدار صاحب کارخانه عظیم پهپادسازی بایکار، از بنیانگذاران اصلی کادم محسوب می‌شود.^{۲۴۴}

240. <https://www.aneews.com.tr/world/2020/10/19/turkey-needs-to-make-a-total-reform-in-education-system-erdogan>

241. KADEM-Kadin ve Demokrasi Derneği/vakfi

۲۴۲. بنگرید به مطلب در این زمینه در «ت ر ت جهانی» که با بودجه دولت ترکیه اداره می‌شود:

"Erdogan's daughter says Turkey inspires hope for all Muslim World," TRT World, 17 December 2016: <https://www.trtworld.com/article/13087260>

۲۴۳. بنگرید به پروفایل ساره آیدین در سایت کادم:

Prof. Dr. E. Sare Aydın <https://kadem.org.tr/prof-dr-e-sare-aydin/#:~:text=Sivil%20toplum%20alan%C4%B1nda%20da%20aktif,ve%20Y%C3%B6netim%20Kurulu%20Ba%C5%9Fkan-%C4%B1%C4%9F%C4%B1n%C4%B1%20%C3%BCstlenmi%C5%9Ftir.>

۲۴۴. بنگرید به «گرایش‌ها در جامعه مدنی ترکیه»، ص. ۲۳ و نیز صفحه ویکی‌پدیای «سمیه اردوغان»: https://en.wikipedia.org/wiki/S%C3%BCmeyye_Erdo%C4%9Fan

۹. لزوم اصلاح قوانین مرتبط با حق تجمع و رعایت اخلاق عمومی

در میان مطالبه‌های مرتبط با تغییرات قانونی جامعه مدنی به نفع دموکراسی در ترکیه، مطالبه‌ی تغییر قوانین عادی دست‌وپاگیر مرتبط با حق آزادی تجمع و انجمن از یک سو، و نیز جلوگیری از سو استفاده از مفهوم اخلاق عمومی به نفع سرکوب حکومتی از سوی دیگر، برجسته و شایسته ذکر است:

حقوق بنیادین آزادی بیان و آزادی تجمع مسالمت‌آمیز در قانون اساسی ترکیه (اصل ۳۴) تصریح شده‌اند. با وجود این، قانون موسوم به «قانون اجتماعات و تظاهرات» (شماره ۲۹۱۱) که در سال ۲۰۱۵ وضع شد، حق آزادی تجمع را حتی در وضعیت‌های غیرفوق‌العاده و عادی نیز محدود می‌کند و به نظر بسیاری از حقوقدانان، ناقض روح قانون اساسی ترکیه است.^{۲۴۵} لغو این قانون که پس از اعتراضات گزی تصویب شد، یکی از مطالبه‌های اصلی دموکراسی‌خواهان بوده است. اکنون که ائتلاف حاکم آک‌پارتی و م‌ه‌پ‌اکثریت مجلس را در دست دارد، لغو این قانون از نظر سیاسی غیرممکن به نظر می‌رسد و به همین دلیل، مطالبه دیگر از دولت این است که حداقل لزوم کسب مجوز قبلی برای تجمع را لغو کند و بخشی از قانون را که مسئولیت امنیت تجمع‌ها را بر دوش برگزارکنندگان می‌گذارد، تغییر دهد. البته تحقق همین تغییر نیز در شرایط فعلی دشوار به نظر می‌رسد. آخرین نمونه از اعمال محدودیت بر تجمع‌های خیابانی اپوزیسیون در ترکیه، به اعتراض هواداران حزب جمهوری خواه خلق به دستگیری شهردار استانبول در مارس ۲۰۲۵ و بعدتر باز می‌گردد. اکرم امام‌اوغلو زمانی دستگیر شد که آخرین نظرسنجی‌ها از احتمال پیروزی او در برابر اردوغان در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده ترکیه حکایت داشتند و دارند.

قانون انجمن‌های ترکیه و قوانین اساسی این کشور نیز با وجود اصلاحات متعدد، همچنان تشکیل انجمن با اهدافی مغایر با «اخلاق عمومی» را ممنوع می‌کند. این شرط مبهم، دست حکومت را در سرکوب گروه‌هایی که ماهیت‌شان مغایر با اخلاق ملی ترکیه تشخیص داده می‌شود، باز می‌گذارد. قانون فعلی جامعه مدنی ترکیه با وجود اصلاحات سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸، و حتی قانون اساسی این کشور به رغم مزیت‌های متعدد آن بر قانون اساسی تئوکراتیک ایران، بندهای مبهمی دارند که به حکومت قدرت سرکوب‌گزینشی مخالفان را می‌دهد، مثلاً آنجا که سازمان‌های خلاف اخلاق و سلامت عمومی (عباراتی مبهم و بسیار تفسیرپذیر) را ممنوع می‌کنند. در اکثر موارد، سازمان‌هایی که برابری جنسیتی و دفاع از حقوق جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی را در ترکیه ترویج کرده‌اند، به بهانه ناسازگاری با «اخلاق عمومی» با سرکوب مواجه شده‌اند.

۲۴۰. بنگرید به:

Yıldız İmrek, Murat Arksak, "2911 Sayılı Kanuna Muhalefet ve Toplantı/Gösteri Özgürlüğü Hakkı": <https://barandogan.av.tr/blog/ceza-hukuku-2911/say%C4%B1%C4%B1-toplantı-ve-gösteri-yuruyusu-yasası-na-muhalefet-sucu.html>



وضعیت در ایران حتی بدتر است. قوانین عادی جمهوری اسلامی نیز حق تظاهرات را مشروط به کسب مجوز از «وزارت کشور» کرده‌اند که منجر به محدودیت‌های متعدد است. وخیم‌تر، اصل ۲۷ قانون اساسی ایران است که برگزاری اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح را «به شرط عدم اخلال در مبانی اسلام» آزاد دانسته. سرکوب حکومتی خونین تظاهرات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرهای ایران که بنا بر آمار رسمی اقل ۳ هزار و بنا بر آمار غیررسمی رقمی بسیار بزرگ‌تر کشته و مجروح و زندانی داشت (بی‌سابقه در تاریخ ایران)، نشان می‌دهد که قانون اساسی ایران در مورد حق تظاهرات و سایر بخش‌ها بسیار مستعد سو استفاده حکومت در سرکوب وحشیانه است و بی‌تردید محتاج تغییر در راستای سکولاریسم دموکراتیک است.

جامعہ مدنیہ در ترکیہ:

تاریخچہ، فرصت‌ها و چالش‌ها

کنش آکادمی - زمستان ۱۴۰۴

کنش آکادمی

